



سپاس از خوانندگان و کاربران
ما از شما که هر ماه مبلغی هر چند اندک برای کمک به ادامه انتشار رسانه‌ی خودتان می‌پردازید از صمیم قلب سپاسگزاریم.
تنها پشتیبانان کیهان لندن
شما خوانندگان و کاربران هستید.
روزنامه نگاران و کارکنان کیهان لندن

نه روسری، نه توسری



زیباترین نافرمانی مدنی علیه حجاب اجباری

● «دختران خیابان انقلاب» حتی اگر سرکوب هم شوند، فصل جدیدی را در مبارزه برای آزادی و عدالت و همچنین در فرهنگ نافرمانی مدنی گشوده‌اند. فصلی که فراتر از سیاست، جنبه‌های عمیق انسانی و هنری دارد.

تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

رد اولیه کلیات بودجه پیام جناحی به مردم صف‌بندی آبکی با روحانی



کلیات لایحه بودجه پیشنهادی دولت روحانی برای سال آینده در اتفاقی بی‌سابقه در عمر جمهوری اسلامی، نخست در روز یکشنبه، ۸ بهمن، توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی و با ۱۲۰ رای مخالف رد شد. این لایحه سپس به کمیسیون تلفیق و بررسی آن در دستور کار مجلس قرار گرفت.

KAYHAN LONDON
NEWS AND VIEWS FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
www.kayhan.london

برای سرهایی که روسری‌هایشان برداشته خواهد شد

در صفحه ۱۸

ایران قهرمان کشتی جام تختی
بیستمین قهرمانی فدرر در مسابقات گرانداسلم؛ یک رکورد تاریخی برای نابغه
معاون وزارت ورزش:
۷۰ درصد ایرانی‌ها فعالیت بدنی ندارند
۱۷۵ سال زندان برای پزشک دختران ژیمناست آمریکا
دختران دونده و پرنده ۱۶ کشور در مسابقات آسیایی تهران
فهرست بلند رقابت‌های تدارکاتی تیم فوتبال ایران:
سنگ بزرگ علامت نزدن؟
سرمازدگی ۴۶ نفر و جان باختن یک نفر در استان تهران
پزشکی قانونی و ۳۶ هزار مرگ مشکوک در یک سال
در صفحات ۱۰ و ۱۱

سرمقاله

نظام مقدس، ببخشید، موقت جمهوری اسلامی

انتشار ویدئوهای مربوط به نشست خبرگان درباره تعیین «رهبر موقت» پس از مرگ خمینی که در آن یک سو علی خامنه‌ای می‌گوید «باید بر جامعه‌ای گریست که احتمال رهبر شدن من در آن مطرح باشد» و از سوی دیگر علی‌اکبر رفسنجانی توصیه می‌کند چیزی از این نشست منتشر و رسانه‌ای نشود، در واقع سندی است بر آنچه همه می‌دانند: خدعه، فریب، دسیسه، توطئه و پنهانکاری و عدم شفافیت زیربنای نظام مذهبی ایران است. پیشینه‌ی آن هم در تاریخ معاصر به انقلاب مشروطه و سپس به غائله‌هایی می‌رسد که یک سرش را باید در تفکر «خوان‌المسلمین» یافت که «فداییان اسلام» نسخه‌ی ایرانی‌اش شدند و در بهمن ۵۷ به قدرت رسیدند. ایرانیان نبرد سهمگین بین ارتجاع و پیشرفت، سنت و مدرنیته، رجعت و گذار را هم در انقلاب مشروطه و هم در انقلاب ۵۷ تجربه کرده‌اند. در انقلاب مشروطه یک گام بزرگ به پیش برداشتن و در انقلاب ۵۷ چندین گام به عقب رانده شدند. جمهوری اسلامی حرکت ناگزیر جامعه به سوی پیشرفت را دچار اختلال و انسداد کرد اما نه تنها نتوانست آن را متوقف کند، بلکه ناخواسته آخرین میخ‌ها را بر تابوت «مشروع‌خواهی» و ادعای قدرت سیاسی توسط «دکانداران دین» (اصطلاح احمد کسروی) کوبید. نظام مذهبی ایران ثابت کرد وقتی حکومت به دست «دکانداران دین» اعم از معمم و مکلا بیفتند، دین و دولت هر دو ضایع می‌شود. برای این تجربه‌ی ویرانگر، دست کم سه نسل تا کنون هزینه پرداخته‌اند. امروز زمامداران رژیم هراسان از شعارهایی که در تظاهرات شهرها سر داده می‌شود چنین تبلیغ می‌کنند که گویا معترضان می‌خواهند به «دوران قبل» بازگردند! حال آنکه بازگشت به «دوران قبل» در سال ۵۷ و با روی کار آمدن آنها صورت گرفت! حسن روحانی که بر قبر «امام» و «رهبر»ش از «مردم‌سالاری» و «جمهوریت» دم می‌زند و می‌گوید «هرگز نخواهیم گذاشت که استبداد به ایران بازگردد» آیا نمی‌داند که «تدارکاتچی» یک استبداد مذهبی است؟! شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای» را نمی‌شنود؟! موضوع نه بازگشت به «دوران قبل» بلکه بر سر عبور از آنهایی است که ایران را به پیش از «دوران قبل» برگرداندند! از همین رو به نظر مقامات رژیم می‌آید که وقتی مردم می‌گویند «جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم» پس می‌خواهند به «دوران قبل» برگردند! غافل از اینکه چنین ادعایی یک اعتراف ناخواسته به این واقعیت است که «دوران قبل» در مقایسه با جمهوری اسلامی به «آینده» شبیه است! واقعیت خیلی ساده اما این است که مردم آزادی، حقوق خود و حق مشارکت در تعیین سرنوشت خویش و کشورشان را می‌خواهند. و این قطعاً بازگشت به «دوران قبل» نیست بلکه بستن پرانتز سیاه جمهوری اسلامی و عبور از آن به عنوان یک نظام موقت با همه‌ی جناح‌ها و زمامداران موقت‌اش است. این نظام موقت را با هیچ ترفندی نمی‌توان «مقدس» جلوه داد.

نه روسری، نه توستری زیباترین نافرمانی مدنی علیه حجاب اجباری

● «دختران خیابان انقلاب» حتی اگر سرکوب هم شوند، فصل جدیدی را در مبارزه برای آزادی و عدالت و همچنین در فرهنگ نافرمانی مدنی گشوده‌اند. فصلی که فراتر از سیاست، جنبه‌های عمیق انسانی و هنری دارد.

ویدا موحد زن جوانی که با نام «دختر خیابان انقلاب» شهرت یافت، چند روزی قبل از آغاز خیزش دی، با حرکتی نمادین که می‌توان آن را به‌عنوان یکی از زیباترین اشکال نافرمانی مدنی در تاریخ ثبت کرد، حرکتی را آغاز نمود که ستون‌های نظام دینی در ایران را به لرزش درآورد.

در هیاهوی روزهای دی، که فریاد «مرگ بر دیکتاتور» در خیابان‌ها طنین انداخته بود، بسیاری به این حرکت نمادین، اهمیتی را که می‌بایست ندادند. با فروکش نسبی تظاهرات و تجمعات خیابانی گسترده دی‌ماه، که توانست در سراسر کشور، از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب ریشه بدواند، زن جوان دیگری، نرگس حسینی، پرچم سفید ویدا موحد را به دست گرفت و در همان نقطه و از همان سکو بار دیگر به اهتزاز درآورد.

پرچم روسری‌ها

طولی نکشید که ده‌ها روسری در سراسر کشور، از مریوان تا ساری، از بندرعباس تا شیراز به نشانه‌ی مخالفت با حجاب اجباری و برای حق انتخاب به اهتزاز درآمدند. دختران خیابان انقلاب تنها نماندند. مادران و خواهران کوچک‌ترشان و حتی مادر بزرگ‌ها نیز به آنها پیوستند. زنانی که گرچه به حجاب اعتقاد دارند ولی آن را انتخابی شخصی می‌دانند و اجباری بودن پوشش را قبول ندارند نیز به این جنبش کابوایی پیوستند. برادران دختران خیابان انقلاب هم، این بار خواهران خود را تنها نگذاشتند.

حجاب در ایران از سال‌ها پیش تنها یک نماد دینی نیست، و ابعاد سیاسی آن شاید مهم‌تر هم باشد. از کشف حجاب قرآلعین در بدشت و فرمان رضاشاه در ۱۷دی ۱۳۱۴ که بگذریم و به هفته‌های آخر نظام پادشاهی برگردیم، در آن روزها بسیاری از زنانی که نه تنها به حجاب، بلکه به مذهب و خدا هم اعتقادی نداشتند، موهای خود را زیر روسری یا چادر پنهان کردند تا به گفته خودشان علیه غربزدگی اجباری دوران محمدرضا شاه مبارزه کنند.

بسیاری از این زنان، حتی زمانی که برخلاف وعده‌های قبل از انقلاب که «حجاب اجباری نخواهد بود»، دیدند چگونه «اکبر پونزی»ها با فریاد «یا روسری یا توستری» به جان زنان در خیابان‌ها افتادند، بازهم این اجبار را جدی نگرفتند و مبارزه با ممنوعیت آزادی پوشش را در «اولویت» ندانستند. از آن روزها ۳۹ سال گذشت و باز هم ما در این روزها شاهد هستیم که گروهی از به اصطلاح روشنفکران، هنوز هم مبارزه با حجاب اجباری را اولویت نمی‌دانند و به جای حمایت از این نافرمانی مدنی، در کنار ارتجاعی‌ترین قشر مذهبی ایستاده‌اند.

داستان قدیمی «اولویت»

جای تعجب نیست که محمدجعفر منتظری دادستان کل کشور کسانی را که مخالف اجباری بودن حجاب هستند «عقیف و پاکدامن» نداند و این اعتراض را به «القائاتی که از خارج از کشور می‌شود» منتسب کند. ولی وقتی با کلماتی متفاوت همین «اتهامات» از سوی مثلا روزنامه‌نگار یک شبکه بین‌المللی به این زنان و دختران وارد شود، جای تأمل دارد. وقتی عده‌ای که خود را روشنفکر می‌خوانند، به جای حمایت از این نافرمانی مدنی، مدعی شوند که این اعتراض انفرادی مقدمه‌ای است برای «پرونده تقاضای پنهان‌دگی سیاسی»، واقعا جای نگرانی است.

حجاب اجباری تنها یک تکه پارچه نیست که بود و نبودش بر سر یک زن را مهم ندانست. اولاً اجباری بودن آن خود یک تحمیل و سرکوب است که نمی‌توان نادیده گرفت. جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که در آن حجاب حتی برای غیرمسلمانان هم

اجباری است. در پادشاهی سعودی، این اجبار تنها برای زنان مسلمان وجود دارد و برای دیگران اختیاری است، اگرچه همین اجبار نیز شایان انتقاد است. اجباری بودن حجاب، که تنها به پوشاندن موی سر خلاصه نمی‌شود، ناقض یکی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق انتخاب پوشش است.

شاید هیچ شعاری به اندازه‌ی «یا روسری، یا توستری» نتواند پیوند حجاب اجباری را با سرکوب آزادی‌های فردی و اجتماعی بیان کند به ویژه وقتی که نیمی از جامعه را صرف نظر از تعلقات سیاسی و اجتماعی و طبقاتی آنها در بر می‌گیرد! در مبارزه برای آزادی و عدالت، چه چیز بیش از تلاش برای حق پوشش اختیاری نیمی از جامعه می‌تواند در اولویت باشد؟!

حق حاکمیت بر بدن

البته بار سیاسی حجاب، چه در ایران و چه در هر نقطه از جهان، تنها حق انتخاب پوشش را نقض نمی‌کند. حجاب اجباری حق مالکیت زن بر بدن را نیز از او سلب می‌کند. حقی که خوانش حاکم در بسیاری از کشورهای اسلامی از اسلام نمی‌خواهد بپذیرد و بنابراین آن را پدیده‌ای «وارداتی از غرب» می‌خوانند و «مطالبات بخش کوچکی از جامعه شهرنشین» معرفی می‌کنند. بدون شک برای زنی که شب‌ها نانی ندارد که روی سفره قرار دهد، اجباری بودن حجاب در اولویت قرار ندارد، ولی این زن اگر در شرایط اقتصادی دیگری زندگی می‌کند، آیا این مشکل را در اولویت قرار نمی‌دهد؟ آیا زنی که اولویت‌اش در این روزها گذاشتن تکه نانی بروی سفره است، موافق اجباری بودن حجاب است؟ چون نان ندارد، پس حق انتخاب پوشش هم نباید داشته باشد؟! مخالفان جنبش اعتراضی علیه حجاب اجباری، نه کسانی چون علی مطهری و فاطمه راکعی که خواهان نظارت بیشتر دولت بر حجاب و عفاف هستند، بلکه کسانی نیز هستند که



در رسانه‌های بین‌المللی قلم می‌زنند و خود را مدافع حقوق زنان معرفی می‌کنند! آنها ادعا دارند که مخالفت با حجاب اجباری و اصرار بر اجباری بودن حجاب، هر دو یک هدف را دنبال می‌کنند: دور ساختن زنان از مشکلات مهم‌تر و اولویت‌های اساسی‌تر. آنها دقیقاً همان روشی را مطرح می‌کنند که ۳۹ سال پیش برای حکومت اسلامی این فرصت را پیش آورد که زن‌ستیزترین قوانین را به تصویب برساند و اجرا کند.

شکست ارزش‌های تحمیلی

اگر سازمان‌هایی که نام انقلابی بر خود گذاشته‌اند، ۳۹ سال پیش زمانی که در ۱۷ اسفند ۵۷ بیش از ۱۵ هزار زن در دانشگاه فنی تهران علیه طرح اجباری کردن حجاب صدای اعتراض خود را بلند کردند، از آنها حمایت می‌کردند، احتمالاً خمینی در ۱۳ تیر ۵۹ علیه زنان و در دفاع از لزوم محجبه کردن آنها سخنرانی معروف‌اش را ایراد نمی‌کرد و دو سال

احمد رأفت

کلیات لایحه بودجه پیشنهادی دولت روحانی برای سال آینده در اتفاقی بی‌سابقه در عمر جمهوری اسلامی، نخست در روز یکشنبه، ۸ بهمن، توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی و با ۱۲۰ رای مخالف رد شد. این لایحه سپس به کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی بازگشت. اعضای کمیسیون تلفیق می‌بایست طرف سه روز اصلاحات مورد نظر نمایندگان را در لایحه اعمال کرده و آن را برای رای‌گیری دوباره به صحن علنی باز می‌گردانند. در نهایت روز ۱۱ بهمن لایحه بودجه ۹۷ با رای اکثریت نمایندگان به تصویب رسید و بررسی آن در دستور کار مجلس قرار گرفت.

رد یا تایید لایحه بودجه توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی با توجه به اختلافات و رقابت‌های جناحی همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است.

در دولت محمد خاتمی برای نخستین بار نمایندگان اصولگرا عزم خود را جزم کردند تا لایحه بودجه را رد کنند. اما نمایندگان فراکسیون اقلیت که افرادی نزدیک به کارگزاران و خط امامی‌های مجمع روحانیون مبارز بودند تهدید به آستراکسیون (خروج از مجلس) کردند و در نهایت حسن روحانی که آن زمان نایب رئیس مجلس بود در تماسی با دفتر علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در دو زمینه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با وجود هزینه‌های میلیونی و شاید هم میلیاردی، نتوانسته مردم را متقاعد و یا حتی مجبور به عقب نشینی کند: حجاب و ماهواره. سیاست‌های نظام، چه از نوع هوچی و چه چماقی‌اش، نتوانستند زنان را مجبور به رعایت حجاب چنانکه مورد نظر رهبران و مدیران جمهوری اسلامی است، بکنند. هیچ گشت ارشاد و مجازاتی نتوانست زنان را وادار سازد که حجاب خود را با معیارهای نظام تنظیم کنند؛ درست همان‌گونه که پورش مداوم به پشت‌بام‌ها از شمار ماهواره‌ها نکاست و امروز بر مبنای آمار خود نظام، بیش از ۵۰ میلیون خانه در کشور مجهز به آنتن ماهواره‌ای هستند.

مخالفت با حجاب اجباری و استفاده

امسال اما رد اولیه کلیات لایحه بودجه در مجلس شورای اسلامی با وجود تعداد قابل توجهی نماینده اصلاح‌طلب قابل توجه است.

این اقدام نمایندگان مجلس شورای اسلامی از یک سو به وضعیت نابسامان و بحرانی اقتصاد ایران باز می‌گردد و از

رد اولیه کلیات بودجه

پیام جناحی به مردم صف‌بندی آبکی با روحانی

FOB خلیج فارس) نزدیک و شناور شود؛ همچنین قیمت گاز، برق، آب و گندم نیز برابر قیمت تمام شده تعیین و تمامی درآمدهای حاصل از این اصلاحات قیمت با نسبت ۵۰ - ۳۰ - ۲۰ درصد به ترتیب به خانوارها، بنگاه‌ها و دولت تخصیص یابد اما اکنون دولت درصدد است یارانه‌ها را حذف کند و در همین حال به سمت افزایش قیمت انرژی حرکت کند. دولت در بودجه ۹۷ پرداخت یارانه نقدی و غیرنقدی خانوارها را به ۲۳ هزار میلیارد تومان کاهش داده است. این رقم در سال پیش، ۴۸ هزار میلیارد تومان بود و این تفاوت ارقام نشان می‌دهد که دولت درصدد حذف یارانه تعداد زیادی از یارانه‌گیران است. همچنین در این بودجه یارانه نان به عنوان قوت غالب ایرانیان حذف می‌شود.

یکی از مهم‌ترین تصمیمات کمیسیون تلفیق، تغییر بند الحاقی به تبصره ۱۴ لایحه بودجه است که درباره یارانه نقدی صورت گرفت. در مصوبه جدید کمیسیون تلفیق، تبصره‌ای اضافه شده که دولت را مکلف می‌کند تا با استفاده از اختیارات قانون هدمندی، تا پایان ماه سوم سال ۹۷ همه افراد تحت پوشش «کمیته امداد» و «سازمان بهزیستی»، «همه جمعیت روستایی ایران» و «کلیه خانوارهایی که مجموع درآمد ماهانه آنها کمتر از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است» و «ساکنان حاشیه شهرها» مشمول قطع یارانه نشوند و کماکان در فهرست یارانه‌گیران بمانند. همچنین کمیسیون تلفیق در تصمیم جدید خود هیچ تغییری در سقف درآمدی حاصل از اجرای قانون هدمندی یارانه‌ها نداد. این کمیسیون همچنین هیچ سناد اساسی دیگری در لایحه بودجه نداد و این لایحه پس از ۳ روز با رای مثبت اکثریت نمایندگان تصویب شد.

با این همه، همین تغییر مربوط به یارانه‌ها نشان می‌دهد که دولت و مجلس به شدت نگران افزایش اعتراضات اقتصادی هستند و ترجیح می‌دهند عاملی برای تشدید این نارضایتی‌ها نباشند صرف نظر از اینکه معلوم نیست دولت که روی کاهش این هزینه حساب کرده بود، از کجا باید آن را تأمین کند.

بهره‌برداری سیاسی نمایندگان با رد اولیه لایحه بودجه

به نظر می‌رسد رد اولیه کلیات لایحه بودجه با علم به اینکه در هر صورت به تصویب خواهد رسید، حاوی یک پیام سیاسی به دولت روحانی و مردم بود. نمایندگان مجلس شورای اسلامی تلاش کردند مرزی میان خود، به عنوان «نماینده مردم» و دولت روحانی ترسیم کنند.

این در حالیست که در روزهای نخست شکل‌گیری اعتراضات سراسری، دولت روحانی و طرفدارانش آن را دسیسه‌ی ابراهیم رئیسی به عنوان جدی‌ترین رقیب روحانی قلمداد می‌کردند. آن هم در حالی که هر دو طرف تلاش نمودند از اعتراضات سراسری مردم ایران علیه نظام، به نفع جناح خود بهره‌برداری سیاسی کنند؛ اما پس از مدت کوتاهی که دریافتند «کل نظام» مورد اعتراض مردم قرار گرفته، ترجیح دادند صف خود را کنار یکدیگر مستحکم کنند.

در چنین شرایطی به نظر نمی‌رسد صف‌بندی «آبکی» برخی نمایندگان مجلس با دولت روحانی از طریق رد اولیه لایحه بودجه و بعد تصویب آن پس از چند روز، کسی را به این اشتباه بیندازد که گویا این نمایندگان منجیبانی هستند که قرار است با فشار بر دولت وضعیت اقتصادی مردم معتراض را بهبود ببخشند! آن هم در شرایطی که رد یا تصویب لایحه‌ای که پا در هواست نقشی در اعتراضاتی که کل نظام را به پرسش کشیده بازی نمی‌کند. اگر رد لایحه بودجه بر اساس نظرات کارشناسان اقتصادی بر اسنادهای ساختاری متمرکز می‌شد، آنوقت موضوع فرق می‌کرد.

روشنگ آسترکی

شنیده و همسو با خواسته ملت ایران حرکت می‌کنند. با این اقدام همچنین تلاش شد تا اعتراضات سراسری دی‌ماه در خواسته‌های معیشتی و اقتصادی مردم خلاصه شود و خواست اصلی معترضان که مخالفت با کلیت نظام جمهوری اسلامی است تخطئه شود.

روزی که لایحه بودجه در صحن علنی مجلس رد شد برخی نمایندگان از جریان رقیب دولت نیز با انگشت گذاشتن روی آنچه به واقع ایرادات لایحه بودجه سال ۹۷ است به تضعیف دولت پرداختند. ایراداتی که نه تنها مورد توجه و انتقاد کارشناسان اقتصادی قرار گرفت بلکه با واکنش گسترده‌ای نیز از سوی کاربران رسانه‌های اجتماعی روبرو شد.

شفاف نبودن، تورم‌زا بودن، بی‌توجهی به تولید، بزرگ شدن حجم دولت، مبهم بودن وضعیت بدهی‌های دولت به ویژه بدهی به سازمان تأمین اجتماعی، ناکامی در سیاست‌های ایجاد اشتغال، کاهش بودجه‌های عمرانی یارانه‌های نقدی از جمله ایرادات لایحه بودجه پیشنهادی حسن روحانی است که البته در نهایت نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن را تایید کردند. این در حالیست که ردیف‌های بودجه مربوط به مسائل محیط زیست و همچنین بودجه‌های نهادهای نظامی و مذهبی به شدت در فضای مجازی مورد انتقاد قرار گرفت. اگرچه نمایندگان در جلسه علنی مجلس نظر کارشناسان اقتصادی درباره ضعف‌های لایحه بودجه را تکرار کردند اما هیچ‌کدام به بودجه‌های هنگفت سازمان‌ها و نهادهای تبلیغاتی نظام و حوزه علمیه اشاره نکردند. نمایندگان اصولگرا تا کنون حتی نسبت به بودجه ۷۷ میلیارد تومانی موسسه «حفظ و نشر آثار امام خمینی» با مدیریت سید حسن خمینی که از همراهان حسن روحانی و اصلاح‌طلبان است نیز ایرادی وارد نکرده‌اند.

کمیسیون تلفیق چه کرد؟

وضعیت معیشت عموم مردم، توازن میان قوای مخالفان و نظام را بر هم زده است. وضعیت اقتصادی جامعه به شدت نابسامان است و طیف بزرگی از مردم را به اعتراض برانگیخته. بر



سوی دیگر متاثر از وضعیت سیاسی حاکم بر ایران به ویژه شکل‌گیری اعتراضات سراسری در دی‌ماه سال جاری است. همواره بحران اقتصادی سال‌های گذشته به عنوان «چشم اسفندپاری» جمهوری اسلامی و عاملی برای لبریز شدن جامعه از نارضایتی‌های عمومی عنوان شده است. این هشدار از ماه گذشته با آغاز اعتراضات سراسری در ایران به واقعیت پیوسته و روز به روز ابعاد وسیع‌تری پیدا می‌کند. اعتراضات سراسری با تکیه به وضعیت معیشتی آغاز و اکنون دامنه‌ی آن علیه حجاب اجباری گسترده شده و شعارهای مردم معترض با پایه‌های نظام جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است. به این ترتیب اکثریت نمایندگان دهمین دوره مجلس به عنوان بخشی از نظام تلاش کرده‌اند با رد کلیات بودجه با دولت صف‌بندی «آبکی» کرده و بگویند آنها اعتراض مردم را

نگرانی جمهوری آذربایجان از نفوذ مذهبی جمهوری اسلامی و فعالیت‌های سپاه



تجمع گروهی از هواداران آذری شیعه جمهوری اسلامی در مقابل سفارت ایران در باکو در حمایت از علی خامنه‌ای (۱۳ ژانویه ۲۰۱۸ پس از تظاهرات سراسری در ایران)

آذربایجان نگران است ایران، این کشور را شبیه عراق کند به ویژه آنکه در جریان سفر حیدر علی‌اف رییس جمهوری این کشور به تهران او تاکید کرد که ما حضور شیعیان در آذربایجان را فرصتی گرانبها برای تقویت آذربایجان می‌دانیم. با این حال رژیم آذربایجان در روابط با ایران محافظه‌کار است. روابط دو کشور از زمان استقلال آذربایجان در سال ۱۹۹۱ پس از فروپاشی اتحاد شوروی تا کنون تنش‌های زیادی داشته زیرا آذربایجان از نفوذ مذهبی حاکمان ایران نگران است. در همین حال، تهران نگران احتمال نفوذ قومی آذربایجان در بین آذری‌ها در شمال ایران است. از طرفی آذربایجان روابط بسیار خوبی با دشمن شماره یک جمهوری اسلامی یعنی اسرائیل دارد و در مقابل ایران هم روابط بسیار نزدیکی با دشمن جدی آذربایجان، یعنی ارمنستان دارد. روابط دو کشور پس از روی کار آمدن حسن روحانی به عنوان رییس قوه مجریه در سال ۲۰۱۳ بهتر شد. روحانی مجبور شد روابط بهتری با همسایه شمالی برقرار کند و تماس‌ها بین دو کشور افزایش یافت و ۲۰ پرونده‌نامه همکاری امضا کردند. یکی از پرونده‌های مشترک بین دو کشور کشیدن خط آهن آذربایجان تا رشت بوده است.

گواندوز اسماعیل‌اف، معاون رییس کمیته خارجه آذربایجان در امور همکاری با سازمان‌های مذهبی آمار داده در آذربایجانی گروهی زیارت از کربلا را تبلیغ می‌کنند و در گزارشی عنوان شده ظرف حدود یک سال ۳۰ هزار آذری به کربلا سفر کرده‌اند که در مقایسه با سال گذشته ۲۳ درصد افزایش یافته است. در این گزارش همچنین آمده که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و شبه‌نظامیان شیعه آذری وابسته به آن برای جمع‌آوری اطلاعات و تبلیغات ضد دولتی در جمهوری آذربایجان همکاری می‌کنند و عموم اینها شیعیان افراطی هستند.

این مسائل آذربایجان را به شدت از جانب رژیم مذهبی ایران نگران کرده و باکو منافع خود را در خطر می‌بیند و حالا اولویت مقابله با آن را برخورد با شیعیانی قرار داده که به دنبال گسترش آداب و رسوم شیعی در این کشور هستند.

پایگاه خبری العربیه با اشاره به اینکه گزارش نهادهای امنیتی آذربایجان باعث نگرانی دولت این کشور شده نوشته در سال ۲۰۱۳ جمهوری آذربایجان به صورت غیر رسمی محدودیت‌ها را برای موعظه‌های مذهبی عناصر وابسته به جمهوری اسلامی ایران در مکان‌های عمومی کاهش داد. هدف دولت از این تاکتیک باز شدن مسیر تبلیغات شیعیان با هدف جلوگیری از پیوستن آذری‌ها به داعش و ممانعت از رفتن آنها به سوریه و عراق برای جنگ بود. به نظر می‌رسد که این سیاست پیامدهای ناخواسته‌ای نیز داشته و منجر به افزایش کنترل ایران بر شیعیان آذربایجان شده است. اداره اطلاعات آذربایجان می‌گوید طبق گزارش‌های رسمی، ۲۲ مدرسه از ۱۵۰ مدرسه شیعه در این کشور تحت کنترل کامل جمهوری اسلامی است. با افزایش فعالیت شیعیانی که تحت تأثیر رژیم مذهبی ایران قرار دارند، بین بسیاری از شهروندان سکولار و آذری‌های میانه‌رو تفرقه افتاده و از هم جدا شده‌اند.

در مراسم عاشورا در ماه سپتامبر، کودکان بسیاری که در این مراسم مذهبی شرکت کردند «زنجیرزنی» می‌کردند. دکتر زاهد عروج می‌گوید، وقتی کودکانی را دیدم که درکی از مراسم عاشورا نداشتند و دختران کوچک که حجاب بر سر داشتند، فکر کردم که اینها پرورش پیدا می‌کنند که در آینده تبدیل به انتحاریونی شوند که به سوریه فرستاده می‌شوند.

در عراق هم از وضعیت مشابه نگرانی وجود دارد. رحمت عبدالرضا الجابری نویسنده عراقی می‌گوید، عراقی‌ها قدرت قابل توجهی در منطقه داشتند. به همین دلیل است که جمهوری اسلامی کل سال را برای آنها با مراسم سوگواری و عزاداری پر کرده است. او با نام بردن از بعضی چهره‌های سرشناس مذهبی شیعیان که در مراسم سوگواری نام آنها را صدا می‌کنند، می‌گوید، در حالی که عراقی‌ها در نجف، کربلا و سامرا وقت می‌گذرانند جمهوری اسلامی در پی اهداف نظامی خود اعلام از ساخت سلاح اتمی و افزایش قدرت و نفوذ خود و تشکیل نیروهای نظامی است.

● تحلیل گران می‌پرسند آیا سیاست‌های جمهوری اسلامی در جمهوری آذربایجان احتمال دارد این کشور را به عراق دیگری تبدیل کند؟

● سازمان اطلاعات کشور آذربایجان می‌گوید ۲۲ مدرسه از ۱۵۰ مدرسه شیعه در این کشور تحت کنترل کامل جمهوری اسلامی است.

سرکوب تظاهرات مخالفان در روسیه:

بازداشت الکسی ناوالنی رهبر اپوزیسیون



تظاهرات مسالمت‌آمیز مخالفان پوتین در روسیه

ناوالنی ۴۱ ساله در ویلاگش پیش از تظاهرات روز یکشنبه نوشته بود که «آنها مرا بازداشت کردند، این هیچ اهمیتی ندارد. به خیابان تورسکایا بیا بیا. شما برای من نیامده‌اید بلکه برای خودتان و آینده‌تان آمده‌اید.» پلیس مسکو با انتشار بیانیهای اعلام کرد که ناوالنی به اتهام نقض قانون از طریق ساماندهی یک تظاهرات بازداشت شده است.

منابع خارجی از جمله پایگاه خبری ABC گزارش دادند که در جریان این اعتراض ۴۰ نفر بازداشت شده‌اند. این تظاهرات در بیش از ۱۰۰ شهر روسیه برگزار شد و خیلی‌ها از کمپین بایکوت انتخابات ۱۸ مارس که ناوالنی به راه انداخت حمایت کردند. از ویژگی‌های این تظاهرات استقبال شهروندان شرق روسیه و منطقه سیبری در شمال بود. به گفته منابع غیررسمی، بسیاری از معترضان جوانان بودند. لحظه بازداشت رهبر مخالفان؛ استودیوی تلویزیون الکسی ناوالنی نیز صبح یکشنبه پیش از آغاز تظاهرات هنگام پخش برنامه زنده مورد حمله ماموران پلیس قرار گرفت و دو مجری و چند نفر دیگر از کارکنان بازداشت شدند کرده است.

زامداران روسوفیل ایران نگران تماس «رونالد» با «دونالد» و فروپاشی نظام هستند



ملاقات ریگان و ترامپ سه دهه پیش در کاخ سفید

همراهی شرکای اروپایی در سایر موضوعات نیز به شدت افزایش می‌یابد و «این همان کاری است که ریگان در برابر شوروی انجام داد. او با مسکو قرارداد کنترل تسلیحاتی امضا کرد و همزمان فشارها در زمینه حقوق بشر و محکومیت بین‌المللی درباره رفتار خطرناک شوروی را افزایش داد.»

در واقع حتی بخشی از آمریکایی‌های موافق حفظ برجام آن را فرصت بهتری برای حمایت از اعتراضات داخلی و ضدحکومتی در ایران می‌دانند و بر این نظرند که با این روش حمایت شرکای اروپایی را هم می‌شود افزایش داد. بر همین اساس در بدنه نظام به ویژه آن بخش‌هایی که به سپاه پاسداران و تندروها نزدیک هستند، به شدت نگران شده‌اند. همچنان که روزنامه «وطن امروز» در سرمقاله امروز، یازدهم بهمن، به یادداشت اخیر ظریف در روزنامه فایننشال تایمز را که ایده «منطقه قوی، بر اساس امنیت دسته‌جمعی» را مطرح کرده و در واقع چراغ سبزی به گفتگو بر سر موشک‌ها و توانایی تسلیحاتی رژیم بود پاسخ داده و آن را از اساس مردود دانسته است. وطن امروز نوشته «شبکه‌سازی

● ایده محمدجواد ظریف برای گفتگو بر سر تسلیحات نظامی و موشکی روی زمین مانده و تندروهای داخلی از آن استقبال نکرده‌اند.
● روزنامه کیهان چاپ تهران برای چندمین بار در روزهای گذشته استراتژی ترامپ علیه جمهوری اسلامی را با هدف براندازی دانسته و گفته ترامپ نسخه‌ی ریگان را پیاده می‌کند.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در حالی در روزهای گذشته علیه رییس جمهوری آمریکا مواضع تندی گرفته که دستگاه دیپلماسی رژیم حتی در داخل نظام هم چندان مورد حمایت نیست و ناکارآمدی آن پس از آزاد شدن میلیون‌ها دلار پوب بلوکه شده و روی کار آمدن جمهوری خواهان در آمریکا مشهود است.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه، یازدهم بهمن، در توییته نوشت «ترامپ بار دیگر جهالت خود را نسبت به ایران و منطقه ثابت کرد. همه می‌دانند که ترامپ از چه کسانی حمایت می‌کند که حتما شامل مردم ایران نیست. مشتریان «پاک» و «منتخب مردم» وی در منطقه ما از حرف‌های او استقبال خواهند کرد ولی نه آنهایی که قربانی استبداد و سلاح‌های آنها هستند؛ از جمله کودتای ظریف.»

توییت ظریف واکنش به سخنرانی روز سه‌شنبه، ۱۰ بهمن، دونالد ترامپ بود. رییس جمهوری آمریکا در این سخنان خطاب به کنگره در باره وضعیت عمومی ایالات متحده موضوعات مختلفی را عنوان کرد از جمله بار دیگر از توافق هسته‌ای با ایران انتقاد کرد و گفت، آمریکا در مبارزه مردم ایران برای آزادی، در کنار آنها ایستاده است.

ترامپ تاکید کرد، همان‌طور که ما در حال تقویت روابط دوستانه با جهان هستیم به صراحت درباره دشمنان مان نیز روشن‌گری می‌کنیم.

وی با اشاره به اعتراضات اخیر در ایران گفته، وقتی مردم ایران علیه جنایات حکومت دیکتاتور فاسد قیام کردند، من ساکت نماندم. آمریکا در مبارزه شجاعانه مردم ایران برای آزادی، در کنار آنها ایستاده است. جمهوری اسلامی گذشته از اینکه آیا قصد پذیرفتن و اجرای شروط ترامپ درباره برجام را دارد یا نه، یک نگرانی عمده دارد و آن اینکه خواه این شروط را بپذیرد یا نه، ترامپ به دنبال کشیدن فرش از زیر پای نظام جمهوری اسلامی است.

روزنامه کیهان چاپ تهران وابسته به «بیت رهبری» در سرمقاله روز چهارشنبه، دهم بهمن، با عنوان «پیام رونالد به دونالد از جهنم!» نوشته ترامپ در حال پیاده کردن دکترین ریگان (چهل‌مین رییس جمهوری آمریکا) در مورد جمهوری اسلامی است.

استاد کیهان تهران به مقاله روزنامه واشنگتن پست ۱۸ دی‌ماه با عنوان «اشوب در ایران فرصتی برای ترامپ است، اما نه از نوعی که او می‌خواهد» به قلم جک سولویان (مدیر سابق برنامه‌ریزی در وزارت خارجه آمریکا) و ویلیام برنز (معاون سابق وزیر خارجه آمریکا و رییس فعلی بنیاد کارنگی) است.

در مقاله واشنگتن پست (۸ ژانویه) با اشاره به استراتژی فشار و تحریم رژیم آمده بود «اعتراض‌ها در ایران یک فرصت است، اما نه از نوعی که ترامپ می‌خواهد. ممکن است ترامپ مایل باشد از این موقعیت برای ضربه زدن و از بین بردن برجام استفاده کند اما این سیاستی اشتباه است و مسیر درست حفظ توافقی هسته‌ای و استفاده از این اعتراضات برای مهار قدرت منطقه‌ای ایران و فشار در زمینه مسائل حقوق بشری است.»

همچنین نویسندگان تاکید کرده بودند با حفظ توافقی هسته‌ای شانس

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی

(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831

فکس: 020-7760 7160

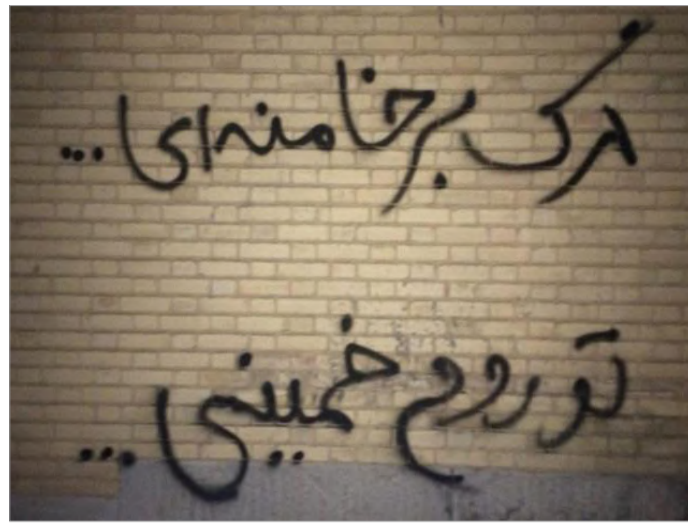
www.assot.co.uk

Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

ادامه اعتراضات سراسری با شعار «مرگ بر دیکتاتور» در شهرهای مختلف



● در تبریز و اهواز تظاهرات گسترده بود، در بعضی شهرها بین مردم و امنیتی‌ها درگیری شد.

● با آغاز تجمعات در هر شهر، سرعت اینترنت به شدت کاهش پیدا می‌کند و پیام‌رسان‌ها با اختلال مواجه می‌شوند.

● تعدادی از معترضان بازداشت شده‌اند، اما آمار دقیق در دست نیست.

● نزدیکان سینا قنبری یکی از جانب‌اختگان اعتراضات در زندان در گفتگو با کیهان لندن به گزارش کمیته پیگیری مجلس واکنش نشان داده‌اند.

شب گذشته دوازدهم بهمن موج متین و مداوم تظاهرات ضد حکومتی در ۱۰ شهر ادامه یافت، آن هم در شرایطی که در بسیاری از شهرها از غروب نیروهای امنیتی و پلیس ضدشورش در میدان‌های اصلی، چهارراه‌ها و مناطقی که در فراخوان‌ها برای تجمع مشخص بودند، مستقر شده بودند. در تبریز، اهواز و سنندج تظاهرات گسترده بود؛ معترضان در خیابان‌ها حرکت کرده و شعارهای ضدحکومتی سرداده‌اند.

چند هزار کیلومتر دورتر، در خیابان نادری اهواز نیز مردم شعارهای ضد حکومتی سرداده‌اند و بین آنها و

در تهران حوالی چهارراه ولیعصر نزدیک مترو مقابل پارک دانشجو جمعیت زیادی تجمع کردند، اما به زور باتوم پراکنده شدند و شعاری داده نشد. حوالی پل پارکوی هم تجمعاتی شکل گرفت که پراکنده بود.

دو ویدیو منسوب به شهر مشهد منتشر شده که در یکی از آنها ماشین پلیس واژگون شده و معترضان اطراف آن دیده می‌شوند و در ویدیوی دیگر صدای تیراندازی می‌آید و یکی دو نفر مجروح شده‌اند که مردم آنها را به گوشه‌ای از خیابان منتقل کردند. حتی خبرهایی منتشر شد که در مشهد دو سه نفر کشته شده‌اند، اما مشخص نیست این فیلم‌ها متعلق به تظاهرات دی‌ماه است یا بهمن.

در هر شهری که هسته‌های اولیه تجمع شکل می‌گیرد بلافاصله سرعت اینترنت به شدت کاهش پیدا کرده و

محمدجواد فتحی عضو کمیته بازدید از اوین که مدعی شدند سینا قنبری با نایلون زباله در دستشویی زندان خودکشی کرده، یکی از بستگان این نوجوان که خواست نامش فاش نشود به کیهان لندن گفته است که سینا اصلاً اهل سیگار هم نبوده و اینکه می‌گویند او به دلیل نکشیدن سیگار یا مواد دیگر دست به خودکشی زده است بیشتر به یک طنز شبیه است.

او همچنین افزود پدر سینا دو سال پیش از دنیا رفت و سینا با مادرش زندگی می‌کرد و کمک خرج خانواده‌اش بود و اصلاً فرد سیاسی نبود که بخواهد با پیش‌زمینه سیاسی وارد این جریان‌ها شود. نوروزی نماینده مجلس همچنین ادعا کرده بود که سینا قنبری به هم‌اتاقی‌اش گفته که سیگار می‌خواهم و اگر سیگار به من ندهند، خودکشی خواهم کرد!



ویدئو



ویدئو



ویدئو



ویدئو

در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی اختلال ایجاد می‌شود.

همچنین از صبح پنج‌شنبه بیش از ۱۰ تجمع کارگری در نقاط مختلف کشور شکل گرفت و اعتراض‌های مالی‌اختگان به موسسات مالی و اعتباری نیز ادامه پیدا کرد.

فیلمی هم از چابهار، منتشر شده که نشان می‌دهد مردم این شهر روز ۱۲ بهمن دست به اعتراض زده‌اند.

در شهرهای مختلف تجمعات پراکنده کم نبود. این تصویر مربوط به شهرستان دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد است

آمار بازداشتی‌ها و تظاهرات تازه خانواده سینا قنبری

از تعداد بازداشتی‌های اعتراضات سراسری همچنان آمار دقیقی در دست نیست، اما هفت فعال مدنی توسط نهادهای امنیتی بازداشت شده‌اند که اسامی سعید اقبال، داریوش زندی، شیمیا بابایی، لیلا فرجامی، محمود معصومی و بهنام موسیوند قابل تأیید است. همچنین خبرهایی غیررسمی حاکی از آن است دیشب مجموعاً ۲۰ نفر در شهرهای مختلف در خیابان بازداشت شدند.

یکی از بستگان سینا قنبری از جانب‌اختگان اعتراضات در زندان، به کیهان لندن خبر داده است که خانواده او پیگیر این پرونده هستند. پس از اظهارات حسن نوروزی سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس و

ادامه در صفحه ۱۷

مهدی دانشمند روحانی منتقد حکومت و نزدیک به صادق شیرازی ممنوع‌المنبر شد



مهدی دانشمند در سخنرانی خود علیه مداحان و قدرت‌گیری و منفعت‌پرستی حکومت هادرده دوم محرم در کاشان سخنان تندی گفت

«زنده‌باد خروس» به جوانانی که لباس‌های خلاف شرع جامعه اسلامی بر تن می‌کنند کنایه زده و گفته بود که آنها از خروس هم کمترند.

دانشمند در یکی از جنجالی‌ترین سخنان خود در فروردین ۹۶ با انتقاد شدید از دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا گفته بود که دعوی بین این دو جناح مانند دعوی شمر و امام حسین در تعزیه است که در ظاهر با یکدیگر می‌جنگند، اما در پشت صحنه با هم قلیان می‌کشند. او به مردم توصیه کرده بود که گول دعوای جناح‌های سیاسی قدرت را نخورند زیرا همه دروغ می‌گویند و بازیگرند.

سخنرانی دانشمند در مورد پست و مقام و موقعیت دادن به مدیران دزد و باندباز گفت که بازی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب کلاهبرداری است:

محمد فاضلی جامعه‌شناس در این رابطه گفته بود که مهدی دانشمند نسخه روحانی و حوزوی و کمی عصبی‌تر و ناسزاگوتر محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۴ و ۸۸ است

زیرا محمود احمدی‌نژاد هم از همین تکنیک استفاده می‌کرد. او هر دو جریان سیاسی کشور را کوبید، آنها را دزد جلوه داد و خود را نسخه شفابخش مستقل، خیرخواه و اهل کار به مردم معرفی کرد. اما در پی ممنوع‌التصویر شدن این روحانی در ایران برخی بر این باورند که ممنوع‌المنبر شدن او نیز در پی ارتباط با شبکه «امام حسین» و هواداران آیت‌الله صادق شیرازی صورت گرفته که از روحانیون مخالف رهبر جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۷

تخلف برخورد قاطعانه خواهد شد و حسینی رییس تبلیغات اسلامی کاشان هم تأکید کرده «در این زمینه با هیچ‌کس تعارف نخواهیم داشت.»

گفتنی است مهدی دانشمند در جلسه روضه چند ماه قبل خود از مردم می‌خواهد دین خود را از مداحان و روحانیت و هیات‌های مذهبی نگیرند.

مهدی دانشمند در واکنش به خبر ممنوع‌المنبر شدن خود در کاشان به برخی رسانه‌های ایران گفت: «انتظارم از برادر عزیز و خوبم جناب دادستان که بسیار برای‌شان احترام ویژه قائلم این بود که ای کاش یک تلفنی به

مهدی دانشمند در واکنش به خبر ممنوع‌المنبر شدن خود در کاشان به برخی رسانه‌های ایران گفت: «انتظارم از برادر عزیز و خوبم جناب دادستان که بسیار برای‌شان احترام ویژه قائلم این بود که ای کاش یک تلفنی به حقیق می‌زدند و عرایض حقیر را هم می‌شنیدند یا اینکه حداقل درخواست می‌کردند فایل اصلی سخنرانی را بطور کامل برایشان ارسال کنم و بعد از شنیدن کل سخنرانی حکم صادر می‌کردند.»

این روحانی سرشناس همچنین گفته است که البته این همه‌ها سال‌هاست که بوده و آخرینش هم نخواهد بود، مگر اینکه بنده تغییری در موضوعات منبر داشته باشم و مانند بسیاری از هم‌لباسی‌های عزیزم و محترمم دست از انتقاد و آسیب‌شناسی بردارم.

او سه‌شنبه شب در اینستاگرام خود نوشت: «دیگر وقت آن نیست که بدانیم چه کسی جهان را آفریده، باید دید چه کسانی به خراب کردن آن مشغولند.» او به شدت در مورد فقر و تنگدستی مردم به حکومت انتقاد می‌کند و می‌گوید باید به حال آنها زار زار گریست.

روحانی منتقد و جنجالی

مهدی دانشمند متولد ۱۱ مهر ۱۳۴۷ در اصفهان است. سخنرانی‌های جنجالی و بی‌پرده‌اش در سال‌های اخیر او را به شهرت رسانده؛ او در گفتگویی عنوان کرد که به برنامه «تام و جری» علاقمند است و از طرفداران مهران مدیری برنامه‌ساز صدا و سیمای جمهوری اسلامی است و بارها اعلام کرده که به او «مدیری» مدرک معادل اجتهاد حوزوی می‌دهد!

اولین بار شهرت دانشمند با انتشار یک کلیپ بلوتوثی با عنوان «زنده‌باد خروس» شروع شد، با همه گیر شدن اینترنت و انتشار سخنرانی‌های جنجالی، او دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. وی در کلیپ

● پلیس امنیت دو نفر از برگزارکنندگان هیات‌های مذهبی را احضار کرده و تهدید کرده اگر دانشمند در آنجا سخنرانی کند پلمپ خواهند شد.

● مسؤولان تبلیغات اسلامی در کاشان می‌گویند در صورت تخلف برخورد قاطعانه خواهد شد و «در این زمینه با هیچ‌کس تعارف نخواهیم داشت.»

● دانشمند در اینستاگرام‌اش نوشته: «دیگر وقت آن نیست که بدانیم چه کسی جهان را

آفریده، باید دید چه کسانی به خراب کردن آن مشغولند.» عصر روز سه‌شنبه، ۱۰ بهمن، عبدالصاحب حسینی رییس اداره تبلیغات اسلامی کاشان از ممنوع‌المنبر شدن حجت‌الاسلام مهدی دانشمند در شهرستان کاشان خبر داد و اعلام کرد که او به دلیل توهین و جسارت به مداحان، هیئت‌های مذهبی و روحانیت که به گفته او «سه عنصر موثر در ترویج دین اسلام» هستند ممنوع‌المنبر شده است. ماجرا به آخرین جلسه دهه دوم محرم در هیات «حضرت ابوالفضل گذر نو» مدرسه امام کاشان در این شهرستان مربوط است.

رییس اداره تبلیغات اسلامی کاشان گفته است که روحانیت و سازمان تبلیغات اسلامی نسبت به سخنان دانشمند در آن جلسه اعتراض کردند، اما او اشتباه خود را نپذیرفت و این بار در جلسه‌های در شهرستان آران و بیدگل باز هم همان حرف‌های خود را تکرار کرد به طوری که این بار به مسؤولان و فرماندار مسؤول شورای تأمین شهرستان شکایت شد و دستور منع صادر شد.

ماجرا به نهادهای امنیتی هم کشیده شده است و پلیس امنیت بانی‌های دو هیات را که از دانشمند برای سخنرانی دعوت کرده بودند احضار کرده و آنها تهدید شدند که اگر جلسه با سخنرانی مهدی دانشمند برگزار کنند اماکن آنها پلمپ خواهند شد و آنها هم دعوت خود را پس گرفتند.

آن‌طور که گفته شده مهدی دانشمند تا اطلاع ثانوی تحت هیچ عنوانی اجازه ندارد برای هیات‌های مذهبی کاشان منبر داشته باشد و نهادهای امنیتی و مذهبی گفته‌اند که در صورت خود را پس گرفتند.

آن‌طور که گفته شده مهدی دانشمند تا اطلاع ثانوی تحت هیچ عنوانی اجازه ندارد برای هیات‌های مذهبی کاشان منبر داشته باشد و نهادهای امنیتی و مذهبی گفته‌اند که در صورت

پی‌نوشت: از امام جمعه موقت و رهبر موقت تا نظام موقت... در اینجا اهمیت پی‌نوشت بیش از متن است



پی‌نوشت یا همان پ.ن. معروف، سری جدید گزارش‌های کوتاه و ویدیویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می‌گذارد. این بار: از امام جمعه موقت و رهبر موقت تا نظام موقت...

ادامه در صفحه ۱۷

حضور افشاگر یک زن در اسناد پنتاگون



کاترین گراهام با باب وودوارد (راست) و کارل برنشتاین گزارشگران واشنگتن پست، ۱۹۷۳

مثلا می‌بینیم کارمندان خود این زن (کاترین گراهام با بازی مریل استریپ) حواسشان آقدر به او نیست که به او تنه می‌زنند و بی‌عذرخواهی رد می‌شوند. خوشبختانه برخی از همکاران مرد در پایان فیلم، با صحنه‌های کوتاه ولی گیرا و دقیقی که کارگردان طراحی کرده، تحسین و احترام خود را از شخصیت این زن در نگاه و لبخندشان نشان می‌دهند. گویی جایزه نهایی گروهی که با کار شبانه‌روزی اسنادی را که در نهایت جانسون رئیس جمهوری وقت آمریکا را بر می‌آفت، پیش چشم کسانی که بر آنها حکومت می‌شود، منتشر کردند، آگاهی از روشی چرخ زنی بود که در کنارشان سوخت این دستگاه پر از تنش را فراهم کرد و بر آن نه از نادانی بلکه با جستجو، کاوش و مشاوره و گوش سپردن به نظرات مختلف، صحنه گذاشت. اسناد سری، حاوی اطلاعاتی که نشان می‌داد چگونه ارزش جان افراد ملت سرسری

طاهره بارثی - فیلم اسناد پنتاگون (عنوان اصلی: The Post) در وحله اول انزجار از جنگ آفرینان و تلاش برای جلوگیری از پدیدار شدن هر نوع جنون مشابه در دولتمردان آمریکا را مد نظر قرار داده است. پرده افکندن از چهره‌های خوش‌لیخنند برابر دوربین‌ها که از قربانی کردن صدها جوان در جبهه‌های جنگ به پهنای حفظ جایگاه بین‌المللی کوتاهی نمی‌کنند از دغدغه‌های کارگردان است. بفرمیه نفهمی سوگواری برای عدم انتخاب هیلاری کلینتون را هم می‌توان در این میان حس کرد. اما چیز دیگری هم هست، شخصیت زنی بزرگ به نام کاترین گراهام که این یادداشت به این مناسبت است.

بزرگی کاترین نه در جایگاه مهم اجتماعی‌اش به‌عنوان مدیر مسئول روزنامه واشنگتن پست که آن را از پدر ارث برده و نه دوستان صاحب‌نام او، بلکه در شیوه زیستن آگاهانه، مسئولانه و واقع‌بینانه‌ی زندگیش است. آگاه از موقعیت واقعی و نه رویایی زنان در جامعه‌اش! از این نظر که می‌بیند و می‌داند و تجربه کرده که به‌عنوان زن در جامعه تنه می‌خورد، شایستگی‌هایش در سایه نام مردان قرار می‌گیرد، به‌خاطرش نه او بلکه همان مردان تحسین می‌شوند، فداکاری‌ها و ریسک‌ها را او پیش می‌برد، برایش بقیه به مصاحبه‌ها دعوت می‌شوند و جلوی پروژکتورها قرار می‌گیرند. او نه جلوی صف انتظار برای ورود به جایگاه‌ها بلکه انتهای صف می‌ایستد. تازه از همکاران و مشاورانش علنا به‌خاطر زن بودن در رأس یک شرکت مهم غرولند هم می‌شوند. گویی زن بودن مدیر می‌تواند آنها را از امتیازات و فوایدی بی‌بهره سازد. کاترین از همین همکاران به‌خاطر ادای صلاح‌قانه آنچه در دل دارند تشکر می‌کند. او زنی‌ست که موقعیت اجتماعی زنان را می‌شناسد و بدون طمع نسبت به آنچه موقعیت مردان در اختیارشان می‌گذارد، و بدون خشم نسبت به نادانی اطرافیان نسبت به شایستگی‌های او، کارش را انجام می‌دهد، مسئولیتش را به‌عهده می‌گیرد، تا آنچه را از پدر دریافت کرده او نیز به سلامت به فرزندانش منتقل کند.

در صحنه‌ای از فیلم، استیون اسپیلبرگ، مریل استریپ که مثل همیشه در ادای نقش خود درخشان است، در بازگویی دریافت‌های واقع‌بینانه‌اش از زندگی به عنوان یک زن مدیر، از گفته ساموئل جانسون برای دخترش مثال می‌آورد: «زنی که موعظه می‌کند همچون سگی‌ست که روی پاهای عقب راه می‌رود. در وحله‌ی اول متحیر می‌شوی بعد فکر می‌کنی که اصلا چطور به انجام چنین کاری موفق می‌شود.» کارگردان به‌خوبی از پس نشان دادن جامعه‌ای که مردانش زنان را تنها به‌عنوان امضاکنندگان نظرات آنها می‌پسندند و نشان «دلاوری و شجاعت» را زینت سینه‌ی خود می‌بینند، برآمده است. آن هم به نا شعارها و در گفتگوهای پیچیده، بلکه با فیلم‌برداری صحنه‌های ساده‌ای که

گیسو شاکری خواننده و فعال حقوق زنان: هنرمندان باید از خواست‌های مردم دفاع کنند



گیسو شاکری

این جهت‌گیری‌ها، جهت‌گیری‌هایی جدی نیست. جهت‌گیری‌هایی بی‌خطر و یا به عبارتی، بی‌هزینه است و البته هیاهو برانگیز. اصلا، به خاطر همین بی‌خطر است که آنها وارد این مقوله شده‌اند. به همین ترتیب دیگر هنرمندان خارجی اگر منافع مالی یا شهرتی نداشته باشند منافع ایدئولوژیک شاید داشته باشند. و اما درباره مقوله هنرمندان ایرانی که در کنار جنبش سبز بودند و از آن حمایت کردند. جنبش سبز و طرفداری از آن برای هنرمندان ایرانی چه هزینه ای داشت؟ هیچ. البته ناگفته نماند که هزینه‌اش بستن یک بند سبز به دستشان بود. چه هزینه‌ی گزافی! گویا همه به نوعی می‌خواستند از قافله عقب نمانند. ناگهان اکثر هنرمندان خارج‌نشین هم با بند سبز در خیابان ظاهر و پشتیبان جنبش سبز شدند و فریاد و امیصبتا سر دادند که ما پشتیبان مردمی هستیم که رای‌شان را می‌خواهند پس بگیرند و این در حالی بود که حتی شعاردهندگان در خیابان‌ها، همان زمان هم، فرسنگ‌ها از این به اصطلاح هنرمندان پیش افتاده بودند و فریاد می‌زدند که موسوی بهانه است، کل نظام نشانه است.

ضمن اینکه باید اشاره کنم که خواست موسوی که به جنبش سبز گره خورده بود، چه بود: رسیدن به دوران طلایی امام راحلش، خب؛ اگر همین جناح اصلاح‌طلب هم شکست می‌خورد، مشکلی برای هنرمندان داخل کشور پیش نمی‌آمد. آنها همچنان می‌توانستند برنامه‌هایشان را در داخل و خارج از کشور، در جشنواره‌ها یا سالن‌های کنسرت داشته باشند. شاهد بودیم که پس از سرکوب جنبش سبز، آن جوانانی هم که زندانی شدند، شکنجه دیدند و کشته شدند کم کم به فراموشی سپرده شدند دیگر این هنرمندان مدعی، یادی از آنها هم نکردند و زندگی همچنان برای این هنرمندان به روال سابق ادامه پیدا کرد. تو گویی آب از آب تکان نخورده و دوباره بازار کنسرت‌ها و فیلم‌ها و جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها، در داخل و خارج از کشور همچنان پررونق بود و هیچ مشکل جدی برای این‌گونه هنرمندان پیش نیامد. البته گاهی شاهد بازی‌های بی‌خطری میان دو جناح حکومت و هنرمندان هم بودیم. این در حالی بود که هنرمندان معترض تبعیدی بی‌آنکه از مبارزه برای دادخواهی دست بکشند همچنان به افشاگری جنایات و خواست سرنگونی رژیم ادامه دادند.

● **هنرمندان در کنار سایر کنشگران اجتماعی در بسیاری از کشورها همواره بر معادله قدرت راهبردی جنبش‌های اجتماعی تأثیرگذار بوده و هستند، در این فرایند نقش هنرمندان را به‌عنوان بخشی از نیروهای اجتماعی در پیشبرد جنبش‌های اجتماعی چگونه توصیف می‌کنید؟**

- نقش هنرمندان و کنشگران اجتماعی در پیشبرد جنبش‌های

جنبش سبز دیدیم که هنرمندان بسیاری در داخل و خارج از ایران آشکار و پشمار نسبت به این جنبش مدنی واکنش نشان داده و در صف معترضان ایستادند؛ حتی هنرمندان و روشنفکران غیرایرانی نظیر نوام چامسکی، خوزه کازنوا و بازیگران هالیوود نظیر شان پن و رابرت ردفورد نیز از این جنبش اعتراضی در ایران حمایت کردند. در اعتراضات خیابانی اخیر در ایران هم دیدیم که بسیاری از هنرمندان ایرانی داخل ایران با بازنشر تصویر اعتراضات خیابانی و انتشار پیام در شبکه‌های اجتماعی از این اعتراضات حمایت کردند.

رابطه هنرمندان و جنبش‌های اجتماعی چگونه باید باشد؟ در گفتگوی با گیسو شاکری خواننده مقیم سوئد و از فعالان جنبش زنان نگاهی به رابطه بین هنرمندان و جنبش‌های اجتماعی انداخته‌ایم.

گیسو شاکری نخستین آلبوم خود را با نام «تا به کی خموشی» در سال ۲۰۰۱ منتشر کرد که بازخوانی ترانه‌های قمرالملوک وزیری در جنبش مشروطیت بود. از این هنرمند تا کنون کتاب داستان کودکان «رها، نه در قفس» و دفتر شعر «سرم را بی‌سایه می‌خواهم» و «کلثوم ننه» (در مورد باورهای خرافی زنان در ۳۰۰ سال گذشته) منتشر شده است.

● **پیش از پرداختن به موضوع اعتراضات اخیر مردم به ایران، جنبش سبز و نگاه هنرمندان را به آن دوره از اعتراضات مردمی چگونه دیدید؟**

-نخست آنکه وقتی صحبت از جنبش سبز می‌شود، صحبت از یک حرکت اصلاح‌طلبانه یا رفرمیستی است. یعنی حرکتی که خواهان اصلاحات است، در یک نظام سیاسی؛ البته در شرایط ایران که مورد بحث ماست؛ آن هم اصلاحات در یک سیستم اصلاح‌ناپذیر. همین جادرباره‌ی برخی هنرمندان بگویم که: شان پن در نماز جمعه شرکت می‌کند، ژولیت پینوش برای ارضای طبیعت کنجکاوش به ایران می‌رود. نوام چامسکی از سیاست‌های رژیم ایران در مورد حزب‌الله دفاع می‌کند یعنی مدافع سیاست‌های حکومت ایران در دفاع از حزب‌الله است؛ می‌خواهم نتیجه بگیرم که دفاع این هنرمندان در واقع، دفاع و همراهی از اصلاح‌طلبی است در همان چارچوب‌های نظام؛ یعنی آنها خواستار یک دگرگونی بنیادی در ایران نیستند و این یعنی حمایتشان، حمایت و پشتیبانی از یک کار بی‌خطر است. آنها خواهان ادامه نظام جمهوری اسلامی ایران هستند و در همین نظام به دنبال رفرم. همین جا اضافه کنم که این هنرمندان کاری با نسل‌کشی و اعدام و شکنجه و زندان و تبعیض جنسیتی و زن‌ستیزی و بیکاری و فقر و فحشا و اختناق و سانسور و اشاعه تروریسم و منطقه به وسیله رژیم ایران و عوامل و مزدورانش ندارند. فساد سراسری حاکمان را هم به این نیست اضافه کنید. اینها تازه، نمونه‌های کوچکی است. می‌خواهم بگویم که



گرفته شده، پیش چشم خوانندگان افشا می‌شوند اما سر بزرگتر و سر اصلی بیرون افتاده از نهن، ارزش قدر ندانسته‌ی این زن یعنی مدیر متواضع واشنگتن پست در برابر همکاران مرد اوست. البته در اینجا نیز این زن آگاه از موقعیت خود و موقعیت جهان اطرافش، نه توقعی ابراز کرد و نه با استفاده از بادهای موقفی که وزیده بود، در جهت بالا کشیدن خودش در چشم مردان برآمد. بی هیچ حرص و طمع و تنها با بذل تمام استعدادها و شکیبایی‌های طاقت‌فرسا، کاترین گراهام به دستهای از زنان تعلق دارد که شاید هرگز موفقیت و شهرت او را هم به دست نیاروند، اما در هر حال از حمل لباس انسانیت در پیکر زنانه ابایی نداشته و با آن کاملاً راحت‌اند.

فیلم «اسناد پنتاگون The Post» با بودجه‌ی پنجاه میلیون دلار، فقط حدود هفت ماه یعنی از ماه مه سال ۲۰۱۷ تا ماه دسامبر را صرف تهیه خود کرده و این نشان از تعجیل کارگردان و برنامه‌ریزان فیلم برای بیرون آوردن هر چه سریع‌تر نمایشی از تلاش و ریسک عده‌ای کوچک برای بی‌آبرو کردن نقشه‌های جنون‌آمیز قدرت‌جویان دارد. اما خواسته یا نخواستنه نمایشی هم هست از نقش زنانی بزرگ و بی‌ادعا که حضورشان افشاگر چهره‌هایی‌ست که اگر یکی از جملات خود فیلم را وام گرفته باشم «گمان می‌کنند دولت یعنی خودشان!»

جمهوری اسلامی بی تاب برای «سازش محرمانه» با ترامپ



سفرای کشورهای عضو شورای امنیت در ضیافت ترامپ

در سازمان ملل در توئیتر خود نوشت: «الان آمریکا به اعضای شورای امنیت قطعاتی از موشک را با مهر سازمان استاندارد ایران نشان می‌دهد، مانند همان نشانی که ما روی فرآورده‌های غذایی می‌گذاریم. سعی کنید دوباره «شواهدتان» را جعل کنید.»

علی اکبر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل رهبر جمهوری اسلامی نیز با تکرار جمله دهه هفتاد محمد خاتمی در توصیف دادگاه میکونوس، میزبانی آمریکا از نمایندگان شورای امنیت را «خیمه‌شب‌بازی» نامید.

تهران آماده پذیرفتن شروط

رییس جمهور تازه آمریکا که بر خلاف اواما از تهران فاصله گرفته و به همان نسبت به ریاض و تل آویو، دو رقیب اصلی جمهوری اسلامی در منطقه نزدیک شده، بر اساس طرحی حساب شده باقی ماندن آمریکا را در توافق تمی موکول به اصلاح آن و تامین چهار شرط ساخته است: «بازرسی از همه سایت‌های ایرانی مورد نظر بازرسان بین‌المللی، ضمانت نزدیک نشدن ایران به سلاح هسته‌ای، بدون انتها بودن برجام، (Sunset) و محدودیت برد موشک‌های بالستیک ایران.»

کشورهای اروپایی امضاکننده توافق اتمی در هر چهار مورد پیشنهادی ترامپ خود را با آمریکا هم‌سو می‌بینند و در ضمن بر حفظ «برجام» نیز اصرار می‌ورزند.

جمهوری اسلامی که شاید هرگز خود را قادر به دست یافتن عملی به بمب اتمی نمی‌دیده و هدف خود را دستیابی به «ظرفیت تولید بمب اتمی» به منتهای ایجاد حاشیه امن قرار داده، در هر فرصت آماده مذاکره در شرایط حفظ ظرفیت اتمی بوده است.

پذیرفتن بخش‌هایی از شرط‌های ترامپ برای پیشگیری از پاشیده شدن برجام برای جمهوری اسلامی به مراتب کم‌هزینه‌تر از تنبیهاتی است که لغو برجام برای حکومت تهران، بخصوص در شرایط کنونی، به دنبال خواهد داشت.

اعلام قطع تحریمات قایق‌های تندرو سپاه در خلیج فارس از سوی فرماندهی نیروی دریایی آمریکا شاید در باغ سبزی است که جمهوری اسلامی به منظور اعلام آمادگی برای سازش‌های بیشتر با واشنگتن نشان می‌دهد.

به هنگام تکمیل این نوشته، و بدون داشتن آگاهی از این موضوع، یک منبع مرتبط با رسانه‌های آلمان، از حضور عباس عراقچی در این کشور در فاصله‌ای کوتاه از اجلاس داووس و تلاش برای گشودن فصل تازه‌ای از مذاکرات غیررسمی در یک شهر کوچک آلمان به منظور «مطالعه زمینه‌های همفکری بیشتر جمهوری اسلامی با کشورهای بزرگ اروپا در مورد توافق اتمی» خبر داد.

گفته شده که دولت آلمان در مورد آزاد ساختن کاظم داریی، طراح ترور رهبران کرد از جمله صادق شرفکندی، بر خلاف وعده‌ای عمل کرده است که به دولت اسرائیل برای مبادله داریی با سربازان اسرائیلی در اختیار حزب الله لبنان داده بود.

بر خلاف رویه دولت وقت آلمان، قرینه‌های روی صحنه امروز حاکی است که دولت ترامپ به دور تازه از مذاکرات غیررسمی و غیرمستقیم و معامله محرمانه با جمهوری اسلامی علاقه‌ای ندارد و به فشارهای اخیر علیه دولت مذهبی تهران تا مرحله اعلام خروج یک‌جانبه از توافق اتمی ادامه می‌دهد؛ معنی کار تاجر موفق، عمل کردن به وعده‌ها و خوش‌قولی است و نه انجام معامله با هر مشتری و به هر قیمتی!

رضا تقی‌زاده - در اوج تنش‌های سیاسی جاری میان واشنگتن و تهران، جمهوری اسلامی علاقمند به یافتن راه‌های تماس غیررسمی و رسیدن به «تفاهم» با نمایندگان دولت ترامپ پیش از رسیدن نیمه ماه مه سال جاری و انقضای مهلت باقی ماندن ایالات متحده در توافق اتمی است.

هفته گذشته دونالد ترامپ علاوه بر سخنرانی در جلسه رسمی مجمع جهانی اقتصاد در «داووس»، طی مذاکرات دو جانبه با روسای کشورهای بزرگ اروپایی در حاشیه اجلاس نیز بر ضرورت «اصلاح توافق اتمی» به عنوان شرط باقی ماندن آمریکا در آن تأکید کرد. دعوت روز دوشنبه، نهم بهمن‌ماه، رییس جمهور آمریکا از سفرای کشورهای عضو شورای امنیت به کاخ سفید به منظور گفتگو پیرامون «اقدامات بی‌ثبات کننده جمهوری اسلامی» (و کره شمالی) و تأکید او بر تناقض فعالیت‌های موشکی ایران با مفاد قطعنامه شماره ۲۲۳۱ شورای امنیت، تازه‌ترین تهاجم سیاسی دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

میهن‌انان دعوت شده به کاخ سفید به همراهی نیکی هیللی سفیر آمریکا در سازمان ملل همان روز یک انبار نظامی را که در آن قطعات موشک شلیک شده ساخت ایران و سایر تجهیزات نظامی مورد استفاده حوثی‌های یمن نگهداری می‌شد مورد بازدید قرار دادند.

تنش‌های سیاسی میان تهران و واشنگتن طی چهار ماه گذشته و به دنبال خودداری دولت ترامپ از تأیید پابندی ایران نسبت به تعهدات توافق اتمی در روز ۱۳ اکتبر سال گذشته، سیر تصاعدی داشته است.

سوابق مذاکرات سیاسی محرمانه
با وجود تظاهر به داشتن اختلاف‌های ساختاری با واشنگتن، حکومت مذهبی از نخستین روزهای به قدرت رسیدن در ایران راه‌های گفتگوی محرمانه با آمریکا را باز گذاشته و از هر فرصت برای انجام مذاکرات غیررسمی با آن کشور استقبال کرده است.

اکبر هاشمی رفسنجانی تا زمان حیات بیش از هر دولتمرد دیگر جمهوری اسلامی مستقیم و غیرمستقیم درگیر مذاکرات سیاسی محرمانه با آمریکا بوده.

نخستین مذاکرات محرمانه با اهمیت صورت گرفت و نمایندگان دولت محمدعلی رجایی (بهباد نبوی) و دولت آمریکا (وارن کریستوفر) در مورد آزادی گروگان‌های سفارت آمریکا و همچنین تشکیل دیوان داوری در هلند برای رسیدگی به امور مورد اختلاف دو کشور به توافق رسیدند.

آخرین مذاکرات محرمانه با اهمیت جمهوری اسلامی و آمریکا با هدف رسیدن به توافق اتمی، در آخرین سال دولت دوم احمدی نژاد، با وساطت یک کشور دیگر عربی (عمان) پایه‌ریزی شد و بعد از شرکت حسن روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، توسط جواد ظریف وزیر خارجه او، مذاکرات در محور تازه‌ای قرار گرفت و سرانجام در ژوئیه سال ۲۰۱۵ به امضای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) منجر شد.

انتظارات و تلاش‌های تازه جمهوری اسلامی متوجه نجات برجام از خطر جدی فروپاشی، بعد از خروج احتمالی آمریکا از توافق اتمی و در نتیجه روبرو شدن اقتصاد بحران‌زده ایران با دشواری‌های تازه، در وضعیتی است که جمهوری اسلامی ضمن روبروایی با نارضایتی‌ها و تظاهرات اعتراضی سراسری، تعهدات خارجی خود را نیز به شدت افزایش داده است.

راه‌های محرمانه برای تماس
مذاکرات سیاسی محرمانه تحولات تاریخی بسیاری را در دوران معاصر شکل داده‌اند که پذیرفته شدن چنین کمونیست به عضویت رسمی سازمان ملل متحد و در اختیار گرفتن کرسی ثابت شورای امنیت در سال ۱۹۷۱، قرارداد صلح ویتنام در سال ۱۹۷۳ و لغو نظام تبعیض نژادی و به قدرت رسیدن نلسون ماندلا در ابتدای دهه ۱۹۹۰ در آفریقای جنوبی نمونه‌هایی از آنها به شمار می‌روند.

سخنگوی هیأت مذاکرات سوری‌های مخالف بشار اسد: جمهوری اسلامی در مذاکرات صلح اخلال می‌کند



یحیی العریضی

نمی‌توانست هیچ نتیجه مثبتی داشته باشد و بنابراین تصمیم گرفتیم در این نشست حضور نداشته باشیم. اگر طرح تنظیم قانون اساسی را تحت نظارت سازمان ملل متحد پیش ببرند، بدون شک همکاری خواهیم کرد.

شما اشاره به نقش جمهوری اسلامی در مانع تراشی در مذاکرات صلح کردید. ممکن است کمی بیشتر توضیح بدهید؟
جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا، یعنی زمانی که مردم در خیابان‌ها به‌صورت مسالمت‌آمیز خواست‌های خود را بیان می‌کردند، در کنار رژیم بشار اسد قرار گرفت و او را در سرکوب خیزش مردمی راهنمایی و کمک کرد. خیلی قبل از اینکه روسیه حمایت خود را آغاز کند. حمایت جمهوری اسلامی ایران روز به روز افزایش یافت، تا امروز که عملاً کشور ما را به صورت نظامی اشغال کرده است. بشار اسد برای اینکه خود را در قدرت حفظ کند، عملاً سوریه را به جمهوری اسلامی ایران فروخت. جمهوری اسلامی نیز از ضعف رژیم بشار اسد استفاده کرد تا جای پای خود را در سوریه محکم کند. البته جمهوری اسلامی ایران که تلاش دارد در منطقه همیشه با استفاده از مذهب برای خود نقش برآورد و جنگ‌های فرقه‌ای راه بیندازد، به جنگ سوریه نیز با ادعای دفاع از اماکن مقدس شیعیان قدم گذاشت. قرن‌هاست که این اماکن مقدس برای شیعیان در سوریه هستند و هرگز هم کسی به آنها حمله نکرده، چه لزومی بود که شبه‌نظامیان حزب‌الله یا افغان‌ها و پاکستانی‌های تا دندان مسلح را برای دفاع از حرم حضرت زینب به سوریه بفرستند؟! در این ۷ سال چندین بار ما به توافقی با رژیم بشار نزدیک شده بودیم، ولی هر بار رژیم ایران با اخلاگری مانع دستیابی به یک توافق شد. واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند بخشی از راه حل برای سوریه باشد، چون نطفه مرکزی مشکل است.

روابط نزدیک جمهوری اسلامی ایران با سوریه، به سال‌ها قبل از اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ و آغاز جنگ باز می‌گردد. در زمان جنگ ایران و عراق، سوریه‌ی حافظ اسد تنها کشور عربی بود که در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

اشاره شما درست است ولی تازمانی که حافظ اسد زنده بود، روابط بین دو کشور از تعادل و توازن برخوردار بود، معادله‌ای که با روی کار آمدن شخصیت ضعیفی چون بشار به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر پیدا کرد. رژیم ایران به خوبی از ضعف‌های بشار اسد برای تحکیم موقعیت خویش در سوریه استفاده کرد و امروز مهم‌ترین حامی نظام حاکم بر دمشق است.

اگر جمهوری اسلامی ایران چنین نفوذی در سوریه دارد، چرا حاضر به مذاکره با تهران با هدف جستجوی راه حلی برای پایان دادن به این جنگ نیستید؟
می‌توان به دلایل مختلفی اشاره کرد، از جمله اینکه جمهوری اسلامی تنها به راه حل نظامی اعتقاد دارد و حاضر نیست با مخالفان رژیم کنونی مذاکره کند. دلیل دوم اینکه پایان جنگ عملاً به سرنگونی رژیم بشار اسد خواهد انجامید، و ایرانی‌ها بارها گفته‌اند که حفظ این نظام خط قرمز آنهاست.

ادامه در صفحه ۱۶



شهر حلب، ۱ فوریه ۲۰۱۸

اسلامی است، روسیه به آسانی می‌تواند دیکتاتور سوری را قربانی توافقی با مخالفان او و به‌ویژه گفتگوی مستقیم با آمریکا کند.

گفتگو با سخنگوی مخالفان سوری
یحیی العریضی رئیس سابق دانشکده روزنامه‌نگاری دمشق، سخنگوی فعلی ائتلافی است که عمده گروه‌های مخالف رژیم بشار اسد را در بر می‌گیرد. کیهان لندن گفتگویی در این زمینه با یحیی العریضی انجام داده است.

آقای العریضی، دو کنفرانس در روزهای گذشته در وین و سوچی برگزار شد. هر دو نشست ناموفق بودند؛ چه کسانی و چه عواملی باعث شدند که مذاکرات صلح نتوانند پیش بروند؟

کنفرانس وین فرصت خوبی بود که متأسفانه به خاطر مانع‌تراشی‌ها باعث شد موفقیت چندانی نداشته باشد. رژیم بشار اسد از پیشرفت گفتگوهای صلح واهمه دارد چون هر گامی که به جلو برداشته شود از عمر این رژیم خواهد کاست. بشار اسد از همان ابتدا به دنبال راه حلی نظامی برای این بحران است، در حالی‌که این سال‌ها نشان دادند که تنها با گفتگو می‌توان این جنگ را پایان داد؛ جنگی که بشار اسد آغاز کرد. رژیم حاکم بر دمشق از همان ابتدا مردمی را که بدون استفاده از هیچ‌گونه خشونت و برای خواست‌هایی کاملاً بحق و دموکراتیک به خیابان آمده بودند به گلوله بست. در ماه‌های اول کسی صحبت از سرنگونی رژیم و یا حتی کناره‌گیری بشار اسد نمی‌کرد. مردم خواست‌هایی بسیار منطقی چون گسترش آزادی‌های اجتماعی و سیاسی یا فرم‌های اقتصادی داشتند. پاسخ رژیم به این حرکت مسالمت‌آمیز تیراندازی به‌سوی مردم در خیابان‌ها بود. برای همین است که امروز مردم هیچ‌گونه راهی برای برون‌رفت از بحران بدون برکناری رژیم بشار اسد را نخواهند پذیرفت. مذاکرات تنها در صورتی پیشرفت خواهند کرد که قطعنامه‌های شورای امنیت، به‌ویژه قطعنامه‌های ۲۱۱۸ و ۲۲۴۵ از سوی رژیم پذیرفته شوند.

در این دو قطعنامه به‌طور خلاصه چه آمده است؟
در آنها به روند گذار، نگارش قانون اساسی جدید و چگونگی برگزاری انتخابات اشاره شده است. نقطه آغاز این روند، کناره‌گیری بشار اسد از قدرت است. پس از کناره‌گیری بشار اسد باید دولت موقتی بر سر کار آید که علاوه بر اداره امور جاری، کمیته‌ای برای نگارش قانون اساسی جدید تشکیل دهد. این قانون اساسی باید در یک همه‌پرسی به رای مردم گذاشته شود و بلافاصله پس از آن انتخابات برگزار شود. نه تنها رژیم بشار اسد، بلکه روسیه و جمهوری اسلامی ایران نیز با این روند مخالف هستند.

در بیانیه نهائی نشست سوچی که ائتلافی که شما سخنگوی آن هستید در آن شرکت نکرد به دو مسئله اشاره می‌شود: لزوم تهیه پیش‌نویس قانون اساسی جدید و واگذاری یافتن راه حلی برای پایان این جنگ به مردم سوریه...

ما قبل از برگزاری این نشست با روس‌ها ملاقات کردیم. در این گفتگوها متوجه شدیم که تنها هدف مسکو از برگزاری این کنفرانس، خریدن وقت برای بشار اسد است. حضور در سوچی

حضور کم‌رنگ ایران در سوچی
ایران نیز برخلاف انتظار روس‌ها در سطح وزیر خارجه در کنفرانس سوچی حضور پیدا نکرد بلکه حسین جابری انصاری یکی از دستیاران محمدجواد ظریف در راس هیاتی به نشست «گفتمان ملی سوری» فرستاده شد. برخی معتقدند دلایل عدم حضور محمدجواد ظریف در سوچی را باید در تفاوت‌های رو به افزایش تهران و مسکو در رابطه با آینده بشار اسد و نقش آمریکا در مذاکرات صلح جستجو کرد. برخلاف جمهوری اسلامی ایران، روسیه معتقد است که بدون مشارکت آمریکا نمی‌توان راه حلی سیاسی برای پایان دادن به این جنگ ۷ ساله یافت. اختلاف نظر دیگر میان دو کشور در رابطه با آینده بشار اسد است. در حالی‌که ادامه حضور بشار اسد در قدرت یکی از خط قرمزهای جمهوری

احمد رأفت - جنگ در سوریه همچنان ادامه دارد و با وجود برگزاری دو نشست در روزهای گذشته، هیچ پیشرفتی در مذاکرات برای پایان دادن به این جنگ دیده نمی‌شود. جنگی که در سال ۲۰۱۱ میلادی آغاز شد و تا کنون بیش از ۳۵۰ هزار قربانی داشته است. در ژئو دور جدید مذاکرات با مدیریت سازمان ملل متحد، بدون اینکه قدمی در جهت پایان دادن به این بحران بردارد، پایان یافت. نشست سوچی در روسیه که با عنوان «گفتمان ملی سوری» چند روز بعد از وین برگزار شد نیز با شکست روبرو شد. ۱۶۰۰ نفر به کنفرانس سوچی که به دعوت روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران برگزار شده بود، دعوت شده بودند ولی کمتر از ۴۰۰ نفر در آن حضور پیدا کردند. کردهای «یگان‌های مدافع خلق» که در شمال سوریه حضور دارند، در اعتراض به حملات نظامی ترکیه به عفرین به دعوت مسکو پاسخ منفی دادند. نیروهای سکولار مخالف بشار اسد نیز به سوچی نرفتند چون معتقدند هدف این کنفرانس بیش از آنکه جستجوی راه حلی برای برون‌رفت از بحران کنونی باشد، حیل‌های برای تداوم رژیم بشار اسد است. روسیه برخی دولت‌های اروپایی، آمریکا و پادشاهی سعودی را نیز به سوچی دعوت کرده بود ولی آنها نیز به دلایل مختلف دست زد بر سینه ولادیمیر پوتین زدند.

حضور کم‌رنگ ایران در سوچی
ایران نیز برخلاف انتظار روس‌ها در سطح وزیر خارجه در کنفرانس سوچی حضور پیدا نکرد بلکه حسین جابری انصاری یکی از دستیاران محمدجواد ظریف در راس هیاتی به نشست «گفتمان ملی سوری» فرستاده شد. برخی معتقدند دلایل عدم حضور محمدجواد ظریف در سوچی را باید در تفاوت‌های رو به افزایش تهران و مسکو در رابطه با آینده بشار اسد و نقش آمریکا در مذاکرات صلح جستجو کرد. برخلاف جمهوری اسلامی ایران، روسیه معتقد است که بدون مشارکت آمریکا نمی‌توان راه حلی سیاسی برای پایان دادن به این جنگ ۷ ساله یافت. اختلاف نظر دیگر میان دو کشور در رابطه با آینده بشار اسد است. در حالی‌که ادامه حضور بشار اسد در قدرت یکی از خط قرمزهای جمهوری

اسلامی است، روسیه به آسانی می‌تواند دیکتاتور سوری را قربانی توافقی با مخالفان او و به‌ویژه گفتگوی مستقیم با آمریکا کند.

گفتمان ملی سوری» در سوچی، حکایت از اختلافات تهران و مسکو در مورد آینده سوریه دارد.
مخالفان رژیم بشار اسد هیچ‌گونه راه حلی را که با برکناری او از قدرت آغاز نشود نمی‌پذیرند.
ائتلاف مخالفان بشار اسد، جمهوری اسلامی ایران را متهم به اخلال در مذاکرات برای پایان دادن به جنگ می‌کند.
مخالفان رژیم بشار اسد هر دو نشست ناموفق بودند؛ چه کسانی و چه عواملی باعث شدند که مذاکرات صلح نتوانند پیش بروند؟

از وضعیت مردان بازداشت‌شده است به این دلیل که مردان را به داخل بند قرنطینه که حالت عمومی دارد برده بودند و اکثر آنها توانسته بودند از تلفن استفاده کنند و به خانواده خود اطلاع دهند که در زندان اوین هستند اما دختران و زنان بازداشت‌شده را به انفرادی منتقل کردند که یا با خانواده‌هایشان تماس نگرفته و یا تنها یکبار تماس کوتاهی گرفته و گفته بودند در انفرادی اوین هستند و این استرس و نگرانی بیشتری برای خانواده‌ها به همراه داشت.»

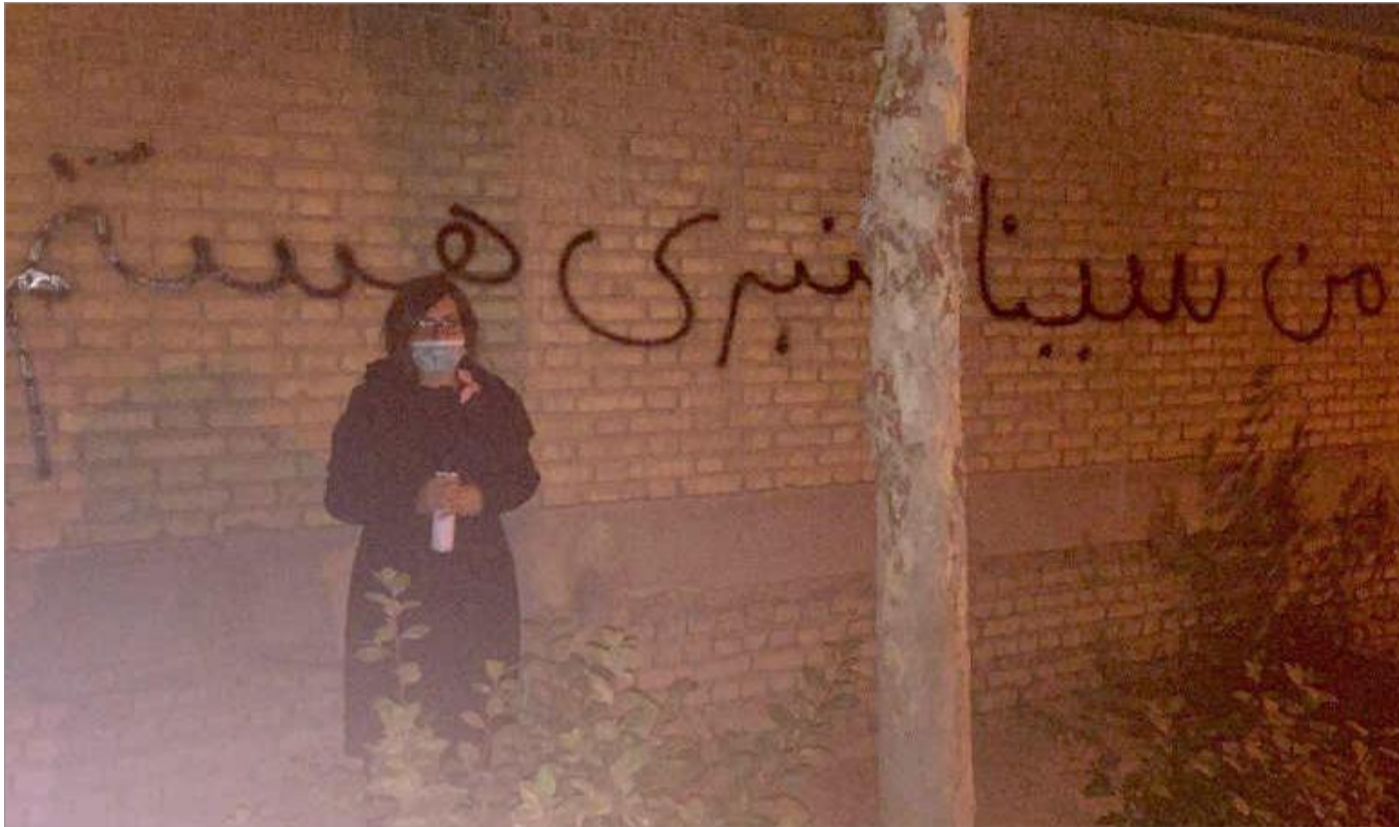
مونا می‌گوید خانواده‌هایی که دخترانشان بازداشت شده بود و مطمئن نبودند که در اوین هستند باید هر روز ساعت‌ها مقابل ورودی زندان می‌ایستادند تا شاید اسم دخترانشان در میان بازداشت‌شدگان خوانده شود: «آنقدر تعداد بازداشتی‌ها، چه زن و چه مرد، زیاد بود که تعداد زیادی هر روز به اوین می‌آمدند و گارد ویژه مقابل زندان ایستاده بود و اجازه ورود خانواده‌ها به بخش اداری را نمی‌داد. تنها روزی دوبار یک سرباز می‌آمد و اسم تعدادی از بازداشت‌شدگان را می‌خواند. یک آقای هر روز از صبح تا بعد از ظهر مقابل اوین بود که همسر ۳۱ ساله‌اش در تظاهرات بازداشت‌شده بود و هیچ تماسی با همسرش نگرفته بود و اصلاً ایشان نمی‌دانست همسرش اوین است یا جای دیگری برده شده است. تازه بعد از پنج یا شش روز اسم همسرش را در مقابل زندان خواندند و ایشان فهمید همسرش در اوین است. فردای آن روز به ایشان گفته بودند برای همسرش وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی در نظر گرفته شده است.» حتی در زمان بازداشت رفتار ماموران لباس شخصی با دختران به شدت تند و خشن بوده است. مونا که به همراه همسرش در تظاهرات شرکت کرده بود می‌گوید همسرش بازداشت شد اما خودش هم به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. او همچنین می‌گوید «لباس شخصی‌ها موقع بازداشت دختران و زنان از رکیک‌ترین عبارات استفاده می‌کردند و آنها را علناً در مقابل چشم مردم به آزار جنسی تهدید می‌کردند که به هر حال خانواده‌ها یا شاهد این برخورد ناهنجار در زمان بازداشت دخترانشان بودند و یا به گوششان می‌رسید و واقعا مضطرب وضعیت دخترانشان در بازداشت بودند.»

مونا می‌گوید دختری که به همراه دوستش بازداشت شده بود به همراه مادر دوستش چند روز به زندان اوین مراجعه می‌کرد و پیگیر کارهای دوستش بود. این دو دختر جوان در خیابان انقلاب توسط لباس شخصی‌ها بازداشت شده و ابتدا به پلیس امنیت منتقل شده بودند. در زمان بازداشت به حدی مورد ضرب و شتم و رفتار وحشیانه ماموران لباس شخصی قرار گرفته بودند که لباس‌هایشان پاره شده بود. ماموران به دلیل مقاومت این دو دختر و توجه ضرب و شتم و رفتار خشنی که با آنها داشتند، در گزارش‌شان ادعا می‌کنند یکی از دخترها چاقو همراه داشته و می‌خواسته به مامور چاقو بزند. چاقویی هم در جیب یکی از دختران به عنوان مدرک جرم گذاشته می‌شود و او را به اوین منتقل می‌کنند. دوست دیگر که در همان پلیس امنیت آزاد شده بود و اکنون به دنبال آزادی دوستش بود، به مونا کبودی‌های روی بدنش را به دلیل ضربه‌هایی که ماموران به او زده بودند نشان داده بود. مونا همچنین می‌گوید دو دختر را هم دیده که از زندان اوین آزاد شده‌اند. یکی از دختران به محض خروج از زندان با صورتی وحشت‌زده به خانواده‌اش گفته بود «برویم» و شروع به دویدن به سوی ماشین کرده بود. دختر جوان دیگری را هم دیده بود که آزاد شده و مونا با او کمی صحبت کرد. مونا می‌گوید این زن جوان ظاهراً خبرنگار بود و همسرش که به استقبالش آمده بود ایرانی نبود.

او به مونا گفته بود در انفرادی بوده و شرایط خیلی بد بود. مونا می‌گوید که همسر زن جوان مانع از ادامه گفتگوی آنها شد و او را با خود برد. بر اساس اطلاعات رسیده، کسانی که در این مدت با قرار کفالت یا وثیقه به طور موقت آزاد شده‌اند از ابتدای بهمن‌ماه برای ارائه آخرین دفاعیات به دادگاه احضار می‌شوند تا مرحله صدور احکام برای آنها آغاز شود.

گزارش و گفتگوی اختصاصی کیهان لندن:

مسمومیت بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری در اوین؛ زنان بازداشتی در شرایطی بدتر از مردان



شعارنویسی به یاد سینا قنبری یکی از بازداشتی‌ها که به مرگ مشکوک در اوین جان سپرد

همه را بد می‌کند. ماموران آن زندانی را که بیهوش شده بود بردند و من تا روز بعد که آزاد شدم ندیدمش و نمی‌دانستیم چه بلایی سرش آمده است.»

در حالی که تا کنون اطلاعاتی در مورد بازداشت‌شدگان مرد وجود دارد اما در مورد زنان بازداشت‌شده اطلاعات زیادی در دست نیست و

را بدتر می‌کرد: «من کاملاً به خاطر دارم که روز پنجشنبه و جمعه، ۱۴ دی‌ماه، که می‌گفتند بهداری هم تعطیل است یک پرستاری آنجا بود که وقتی هر کدام از بچه‌های

به افراد معتاد نداشت. این بازداشتی اعتراضات سراسری همچنین از توزیع قرص متادون در بند قرنطینه زندان اوین توسط مسئولان بهداری خبر داده بود.

- بسیاری از بازداشت‌شدگان بر اثر مصرف قرص متادون که از سوی بهداری برای رفع سرماخوردگی یا درد در اختیار آنها قرار می‌گرفت دچار مسمومیت شدند.
- پرستار بهداری یک قرص بی‌نام را به بازداشت‌شدگان می‌داد و می‌گفت جلوی خودش قرص را بخورند.
- ماموران لباس شخصی زمان بازداشت دختران معترض آنها را به شدت مورد ضرب و شتم و توهین و تهدیدهای جنسی قرار می‌دادند.
- بازداشت‌شدگان زن را به بند انفرادی زندان اوین منتقل کردند و به همین دلیل اطلاع دقیقی از وضعیت آنان در دسترس نیست.


روشنک آسترکی - با گذشت یک ماه از آغاز تظاهرات سراسری بازداشت‌شدگان این اعتراضات در زندان بسر می‌برند. بر اساس گزارش‌ها تا کنون بیش از ۳۰۰۰ نفر در ارتباط با اعتراضات سراسری در ایران بازداشت شده‌اند و در این مدت مشخص شده که دست کم ۵ تن از بازداشت‌شدگان در زندان یا بازداشتگاه جان باخته‌اند. سینا قنبری جوان ۲۳ ساله‌ای است که پیکر بی‌جان‌ش در حالی که یک کیسه زباله سیاه دور گردنش بود در بند قرنطینه زندان اوین پیدا شد. مقامات قضایی علت مرگ او را خودکشی عنوان کردند.

سارو قهرمانی جوان ۲۴ ساله‌ای است که اداره اطلاعات سنندج پیکر او را پس از ۱۰ روز بازداشت به خانواده وی تحویل داد. به گفته مادر وی آثار شکنجه و ضرب و شتم بر روی گردن و سر و پشت وی مشخص بود. علی پولادی یکی دیگر از بازداشت‌شدگان تظاهرات سراسری که روز ۲۲ دی توسط ماموران انتظامی چالوس بازداشت و به بازداشتگاه پلیس منتقل شده بود، در همین بازداشتگاه به مرگ مشکوک جان سپرد. صبح روز ۲۳ دی ماموران انتظامی به خانواده پولادی اطلاع دادند که برای گرفتن پیکر فرزند خود به اداره اطلاعات مراجعه کنند. به گفته برادر علی پولادی، برادرش بیماری خاصی نداشته و در زمان بازداشت سالم بوده است.

وحید حیدری جان‌باخته‌ی دیگر اعتراضات سراسری در زندان است. در حالی که وحید حیدری در بازداشت نیروی انتظامی شهر اراک بسر می‌برد به دلایل نامعلوم درگذشت و مقامات قضایی عنوان کردند این جوان معتاد بوده است در حالی که آشنایان او از آثار ضرب و شتم و وجود یک شکاف عمیق در سر این جوان خبر داده و اعتقاد او را رد می‌کنند. یکی دیگر از کسانی که در زمان بازداشت در شهر اراک جان باخت شهاب بطحی است. جسد او در حالی که آثار ضربات متعدد باتوم بر آن دیده می‌شد، در اقدامی کم‌سابقه، روبروی در خانه پدری او رها شده بود. قاسم عبدالله‌ی رئیس کل دادگستری استان مرکزی، اعلام کرد که مرگ این فرد «ارتباطی با ناآرامی‌های اخیر ندارد و این فرد به دلیل تزریق مواد مخدر جان باخته است.»

در حالی که محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه نیز بر معتاد بودن بازداشت‌شدگان جان باخته تأکید کرده اما نه این موضوع برای افکار عمومی قابل پذیرش است و نه بازداشت‌شدگانی که آزاد شده‌اند این ادعا را تأیید می‌کنند. در همین حال افزوده شدن بر تعداد بازداشت‌شدگانی که در زندان یا بازداشتگاه نیروی انتظامی و اطلاعات جان باخته‌اند نگرانی نسبت به وضعیت آنها را به شدت افزایش داده است.

دارویی که باعث مسمومیت و بیهوشی بازداشت‌شدگان می‌شود
بیشتر یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری در گفتگو با کیهان لندن موضوع خودکشی سینا قنبری را رد کرده و گفته بود سینا قنبری جوانی سرحال و با روحیه بود و اصلاً شباهتی



محمود صادقی
@mah_sadeghi

Following

طبق اعلام بستگان یکی از بازداشت‌شدگان که در زندان فوت کرد، او طی چند تماس با خانواده اش اظهار داشته مسئولان او دیگر بازداشتی‌ها را مجبور به خوردن قرص‌هایی می‌کردند که حالشان را بد می‌کرده...

Translate from Persian

11:15 PM - 16 Jan 2018

محمد می‌گوید بسیاری از دانشجویان در زندان اعلام می‌کردند که زیر دیپلم هستند چون می‌ترسیدند «ستاره‌دار» منتشر شده است. یکی از دلایلی که بازداشت‌شدگان دیپلمه و معتاد بودند اما واقعا اینطور نبود. البته چند معتاد به بند قرنطینه آوردند چون دادستان تهران می‌خواست برای بازدید به بند بیاید. جالبه تنها هم همین معتادهای کارتون‌خواب را بردند برای فیلم‌برداری و بعد که آنها به بند برگشتند خودشان

این موضوع را بعداً محمود صادقی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز تأیید کرده و در توییتی نوشت: «طبق اعلام بستگان یکی از بازداشت‌شدگان که در زندان فوت کرد، او طی تماس با خانواده‌اش اظهار داشته مسئولان او و دیگر بازداشتی‌ها را مجبور به خوردن قرص‌هایی می‌کردند که حالشان را بد می‌کرده.» اکنون با گذشت چند هفته از اعتراضات سراسری برخی

محمد یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید بهداری قرص‌هایی را در اختیار کسانی که اظهار درد یا سرماخوردگی می‌کردند قرار می‌داد که این قرص‌ها حال بازداشت‌شدگان

بازداشت‌شدگان آزاد شده نیز توزیع داروهای مخدر از سوی بهداری زندان اوین میان بازداشت‌شدگان را تأیید می‌کنند.



گفتند که به ما گفتند هر چیزی می‌گوییم را جلوی دوربین تکرار کنید تا داروی مخدر در اختیارتان بگذاریم! معتادها گفتند همین کار را کردند و عمدتاً گفته بودند که برای دزدی و ایجاد اغتشاش به خیابان‌ها آمدند و سر و صدا کردند و آتش‌سوزی راه انداختند تا جو متشنج شود و بتوانند دزدی کنند.»

این قرص دوباره به بهداری رفت و به او کلونازپام دادند که بعد از مدتی بیهوش شد. من بعداً متوجه شدم متادون با داروی خواب‌آور تداخل دارد و باعث بیهوشی و حتی مرگ می‌شود و مطمئن شدم آن قرص بی‌نام متادون بوده است. آنقدر حال بازداشتی‌ها با خوردن این قرص‌ها بد شد که آنها به ماموران اعتراض کردند که این داروها چی هستند که حال



بازداشت‌شدگان آزاد شده نیز توزیع داروهای مخدر از سوی بهداری زندان اوین میان بازداشت‌شدگان را تأیید می‌کنند.

محمد یکی از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید بهداری قرص‌هایی را در اختیار کسانی که اظهار درد یا سرماخوردگی می‌کردند قرار می‌داد که این قرص‌ها حال بازداشت‌شدگان

زنان شاخص

آپیک یوسفیان

(۱۳۱۴ - تبریز)



آپیک ملیک آزاریان شناخته شده با نام آپیک یوسفیان هنرپیشه تئاتر، سینما و تلویزیون ایرانی ارمنی تبار است. وی مادر مری آپیک (بازیگر سینما) می باشد. از اوایل دهه ۳۰، بازی در تئاتر را آغاز کرد و به مدت ده سال با گروه های تئاتری تهران همکاری داشت. گل کاکتوس، تله موش، طبقه ششم، روباها و اتوبوسی به نام هوس از نمایش هایی هستند که آپیک در آن ها نقش آفرینی کرده است. از اوایل دهه ۴۰، او با چند نمایش برای صحنه و تلویزیون، فیلم مسافری از بهشت (وحدت، ۱۳۴۲)، به بازیگری سینما روی آورد و علاوه بر بازی در چند فیلم با معرفت ها (۱۳۴۲)، جاهل محل (۱۳۴۳) و فریاد دهکده (۱۳۴۴) و تعدادی نمایش تلویزیونی، همراه با گروه نمایشی پرویز کردان و پرویز صیاد در چند مجموعه تلویزیونی نیز حضور داشت؛ که از آن جمله اند: امیرارسلان، سرکار استوار و اختاپوس. در دهه ۵۰، مری آپیک همبازی است.



زن روز



لعبت والا

در باد غرق شدم وقتی تمامی او در من حلول کرد و دریا از کوه صعود و رویش ابهام، در فضای رها از حجم هندسی شعله شکل یافت و باد و آفتاب و آب در من به منتهای وصل رسیدند و من به اوج عشق رسیدم اندام های باکره ام همخوابه ی طبیعت شد و ذره های روح مذاہب رستند از حجاب سنگی دریا از آب زاده شدم باز همراه موج شکستم و چشمهام به پیغام پاک تیشه رسیدند ...



چشم کودکان و پیشگیری از جراحات آن

یادگیری نکات ضروری برای چشم کودکان، موضوع بسیار مهمی است، زیرا با مطالعه آن می توانیم موارد اورژانسی و غیر اورژانسی را از یکدیگر تشخیص دهیم. با افزایش آگاهی در این زمینه می توانیم در مواقع حساس به نوعی مفید عمل کنیم تا از آسیب بیشتر به چشم کودکان و از دست دادن بینایی پیشگیری به عمل آوریم. کودکان معمولاً بیرون از خانه در حال بازی کردن هستند هر نوع اتفاقی در این شرایط برای آنها ممکن است که رخ دهد، نقش شما به عنوان والدین آگاه در این زمینه مهم تلقی می شود، زیرا با رفتار خود می توانید از استرس، درد کشیدن و آسیب بیشتر به چشم او جلوگیری نمایید. آسیب های زیادی وجود دارند که از جمله ی آنها می توان از برخورد توپ به چشم ها مثال زد. در چنین شرایطی یکی از کمک های اولیه قرار دادن کیسه ای از آب یخ بر روی چشم ها است. با این کار هم از ورم و هم از کبود شدن آن قسمت پیشگیری خواهید کرد. ورود ذرات گرد و خاک به داخل چشم کودکان با علامتی از خارش دادن و مالیدن چشم ها همراه می باشد. به کودک خود یاد بدهید تا چندین بار پلک های خود را باز و بسته کند. با این روش ذرات احتمالی و بسیار کوچک از چشم خارج می شوند. اما برخی از مواقع ذرات به صورت جسم خارجی در چشم ها دیده می شوند. در این موقعیت به هیچ وجه چشم فرزند خود را نمالید زیرا با این کار احتمال ورود جسم به قرنیه بسیار زیاد است. سعی کنید تا با گوشه ی یک دستمال مرطوب جسم را به گوشه خارجی هدایت کنید، در غیر

مقابل کامپیوتر این صورت به چشم پزشک مراجعه شما با این قصد و تلویزیون بی حرکت قرار می گیرند، افراد به جای شیر، نوشابه مصرف می کنند که دشمن استخوان ها است. تعداد مصرف کنندگان دخانیات در همه مقاطع سنی بالا است و این عادت نادرست در کاهش چگالی استخوان ها موثر است، افراد در سنین مختلف برای حفظ تناسب اندام به جای ورزش و تمرین منظم، با رعایت رژیم های غذایی نامناسب، خود را دچار سوء تغذیه کرده و از همان زمان بیماری پوکی استخوان خود را در خود پرورش می دهند.

بروز پوکی استخوان با برخی عوامل جانبی

پوکی استخوان پیامدهای ناگوار برای بدن دربردارد. عدم دریافت نور خورشید به میزان کافی، رژیم غذایی نامناسب، افزایش سن و کاهش ویتامین دی در بدن از جمله عوامل تاثیرگذار در ایجاد پوکی استخوان به شمار می روند. در ادامه با روش های درمانی موثر برای مقابله با این عارضه آشنا شوید.

پوکی استخوان یک ناهنجاری در سیستم استخوان های بدن است که می تواند سبب افزایش ترک برداری و شکستگی استخوان شود و انسان را در سطوح مختلف از حرکت بازدارد. پوکی استخوان نه تنها یک بیماری محسوب می گردد بلکه می تواند تحرک را کاهش داده و به ایجاد بیماری های مختلفی منجر شود.

پوکی استخوان یک ناهنجاری در سیستم استخوان های بدن است که می تواند موجب افزایش ترک برداری و شکستگی استخوان ها شود، به

شرايط بخصوصی احتمال ابتلا به پوکی استخوان را افزایش می دهد

چگونه زنی خوشحال باشیم؟

جدیدی به زندگی باز می کند. این راه قرار نیست خیلی بزرگ یا حتی مهم باشد، فقط کاری کنید که قبلاً انجام ندادید.

به غذای خود اهمیت می دهند

بله، زنان موفق صبحانه می خورند. چون گرسنگی مهم است. وقتی در صبحانه از خانه خارج شوید، مثل این می ماند که خود را پذیرای تحریک پذیری کرده اید. اگر به شدت عجله دارید بهترین کار این است که غلات، بلغور یا جوی دوسر با شیر میل کنید. این ترکیب که در بازار مواد غذایی به وفور وجود دارد، صبح فوق العاده ای برای شما می سازد. سعی کنید از قبل صبحانه آماده کنید تا موقع خروج از خانه همراه خود ببرید.

آب زیاد می نوشند

بر طبق مطالعه دانشگاه کانکتیکت، درست مثل خوردن صبحانه، نیاشامیدن آب (مصرف هشت لیتر آب در روز توصیه شده است) می تواند روحیه شما را خراب کند. چه بهتر که یک بطری آب همیشه با خود داشته باشید.

آنها به موسیقی گوش می دهند

طبق تحقیقات انجام شده توسط آزمایشگاه های تحقیقاتی فیلیپس در هلند، زنانی که هنگام رفت و آمد یا در محل کار خود، ترانه های خواننده آمریکایی Beyoncé (یا از طریق هدفون یا کامپیوتر محل کار) گوش می دادند، شادتر بودند. شما هم موسیقی گوش کنید. موسیقی انگیزه بخش و مثبت که حال و هوای شما را عوض می کند. البته در سبک موسیقی باید دقت کنید.

آنها به قدر کافی می خوابند

آنها ساعت ۱۰ شب می خوابند. خواب مثل یک گرمای مقدس شادی بخش است. اگر به قدر کافی استراحت نکنید، مجبورید روز بعد سخت تر کار کنید. به دنبال راهکار هستید؟ آلارم زمان استراحت بگذارید و آن را اجرا کنید. بله، حتی اگر در وسط بهترین سریال تلویزیونی هستید.



چیزی که همسران به شما می گوید، وقتی اتفاق می افتد که روحیه شما بهتر است.

آنها حداقل ۲۰ دقیقه در طبیعت راه می روند

مهم نیست که آیا هوا آفتابی یا ابری است. زنان شاد همیشه ۲۰ دقیقه در دل طبیعت راه می روند. با توجه به مطالعاتی مانند تحقیقات دانشگاه استنفورد، بیرون رفتن به مدت ۲۰ دقیقه، برای هواخوری به طور مثال بعد از صرف ناهار، می تواند به طرز چشمگیری خلق و خوی شما را عوض کند و استرس را کاهش دهد.

همیشه کار جدیدی برای انجام دادن دارند

مهم نیست که چند تا بچه دارید یا ایمیل هایتان را جواب ندادید، زمان برای ما مهم است و باید به عمری که از ما می گذرد، توجه داشته باشیم. در موردش فکر کنید. اینکه حداقل ۳۰ دقیقه وقت خود را صرف خودتان

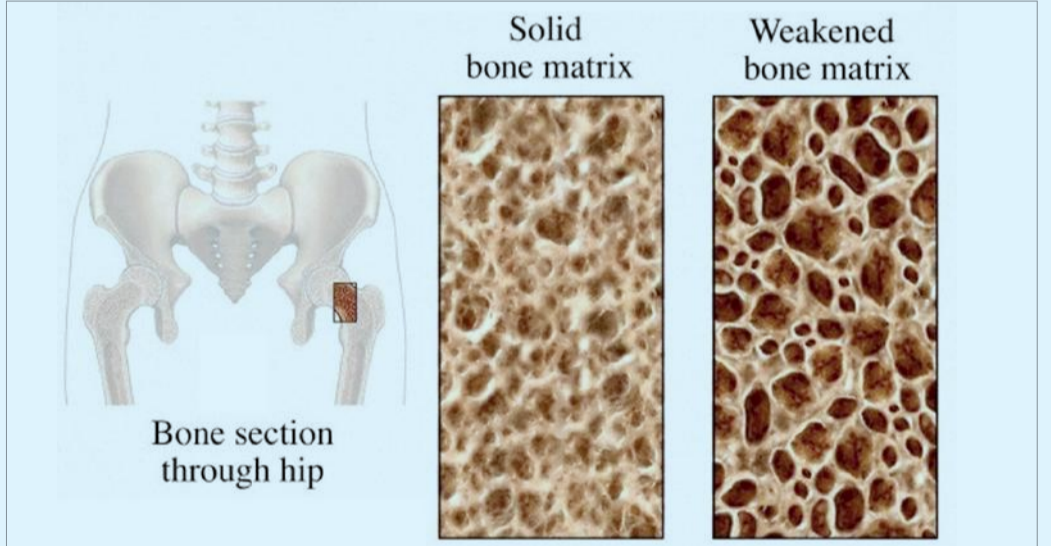


کنید: بیرون بروید، به یک آرایشگاه لوکس بروید یا حتی به باغچه خود رسیدگی کنید. اینکه یک مجله برای خودتان بخردید و ناخن هایتان را مانیکور کنید، کاری است که روند سرسام آور زندگی روزمره را تغییر شکل می دهد. فراموش نکنید که همیشه کارهایی وجود دارد که راه

بعضی از خوشحال ها فهرستی از کارهایی که باید انجام دهند دارند، بعد از کار با دوستی قهوه می نوشند. قرار است به سینما یا آرایشگاه بروند. یا کتاب نیمه تمام خود را بخوانند. اما شاید شما خیلی نیاز به این کار نداشته باشید و بتوانید برای دو دقیقه روی موضوعی که باعث خوشحالی و تغییر حال شما می شود، متمرکز شوید. تمرکز روی کارهای برانگیزاننده، روز شما را تماماً شاد خواهد کرد.

یک روز را برای شکرگزاری انتخاب می کنند

این دلیلی است که برخی از مجلات برانگیزاننده اعلام تعطیلی می کنند. در واقع یک روز هفته برای جمع کردن تمام انرژی های خوب متمرکز است و اینکه تمامی چیزهایی که به شما احساس بدی می دهند را کنار بگذارید. وقتی یک روز کاملاً تعطیل داشته باشید و وظیفه ای برای خود در نظر نگیرید، سرشار از انرژی خواهید بود و چیزهای کوچکی مثل داشتن یک پیام از یک دوست قدیمی یا



تغذیه و پوکی استخوان

تغذیه و رژیم غذایی مطلوب موثرترین عامل سلامتی استخوان ها محسوب می گردد، تغذیه ناسالم حتی اگر با تمرینات ورزشی همراه باشد می تواند موجب شکنندگی و نارسائی استخوان شود. اولین ماده حیاتی برای ادامه حیات استخوان ها کلسیم است، خانم هایی که بالای ۵۰ سال سن دارند حداقل احتیاج به ۱۵۰۰ میلی گرم کلسیم در طول روز دارند که این میزان کلسیم در ۴ لیوان شیر موجود است. علاوه بر شیر دانه های روغنی و انواع آجیل، تخم مرغ، ماهی ها، سبزیجات و انواع دانه های سبز مانند لوبیا حاوی کلسیم هستند و ویتامین D هم به عنوان تغذیه کمکی در جذب کلسیم موثر است.

نقش کلیدی ویتامین D

کودکانی که در آپارتمان زندگی می کنند کمتر در معرض نور خورشید قرار می گیرند و میزان دریافت ویتامین D در آنها کاهش می یابد، کودکان امروزی کم تحرک شده اند و مدت های طولانی در

بیماری های مزمن مانند بیماری های کبدی و کلیوی، مصرف طولانی مدت داروهای مخصوص صرع، تیروئید و داروهای معده، مشکل جذب و گوارش غذا به علت بیماری های معده و روده، مشکل هورمونی مانند کاهش استروژن و تستوسترون، مصرف الکل و دخانیات، وزن پایین بدن، بی حرکتی های بلندمدت به علت بیماری و یا تنبلی و یا شرایط خاص کاری و مصرف غذاهای آماده و بی توجهی به تغذیه مناسب شرایط ابتلا به پوکی استخوان را فراهم می کند. علی رغم عوامل ژنتیکی در تعیین مقاومت و چگالی استخوان ها، عوامل محیطی نیز نقش بسزایی در این زمینه دارند.

رابطه سن و جنس و پوکی استخوان

بعد از چهل سالگی، تراکم استخوانی در خانم ها سالانه یک تا ۵ درصد کاهش می یابد، در حالی که این کاهش در آقایان کمتر از یک درصد است. استخوان ها به طور دائم در حال تغییر و تحول هستند، استخوان های کهنه از بین می روند و استخوان های جدید جایگزین آنها می شود. پوکی استخوان زمانی بوجود می آید که میزان استخوان های جدید کمتر از استخوان های از بین

عبارت دیگر، پوکی استخوان یک بیماری استخوانی است که انسان را در سطوح مختلف از حرکت باز می دارد. بسیاری از افراد شاهد کاهش قد و یا ترک برداری و شکستگی استخوان ها بوده اند، اما پوکی استخوان فقط این ناهنجاری ها نیست و نتایج این بیماری بسیار پیچیده تر و مشکل سازتر است.

علاوه بر شیر دانه های روغنی و انواع آجیل، تخم مرغ، ماهی ها، سبزیجات و انواع دانه های سبز مانند لوبیا حاوی کلسیم هستند و ویتامین D هم به عنوان تغذیه کمکی در جذب کلسیم موثر است. مصرف بالای نمک سبب از دست دادن کلسیم می گردد، غذاهای آماده در بسته بندی ها حاوی میزان قابل ملاحظه نمک هستند که علاوه بر پوکی استخوان باعث افزایش فشار خون می شود.

مردان شاخص



جلال مقدم (۱۳۰۸ - ۱۳۷۵)

جلال مقدم منتقد، هنرپیشه، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان فیلم ایرانی بود. وی اوایل دهه ۱۳۳۰ همکاری با مطبوعات سینمایی را آغاز کرد و در سال ۱۳۳۷ فیلم‌نامه فیلم «جنوب شهر» را نوشت. وی پس از سال ۱۳۴۷ مشاور مهندس قطبی رئیس وقت رادیو و تلویزیون ایران بود. او در دوران فعالیت‌اش نگارش فیلم‌نامه ۷ فیلم سینمایی را به انجام رساند. همچنین طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ هشت فیلم سینمایی را کارگردانی کرد. او پس از کارگردانی فیلم چمدان در سال ۱۳۶۵ دیگر فیلمی نداشت و فعالیت سینمایی را تنها در عرصه بازیگری دنبال کرد. او تا پیش از مرگ در ۱۷ فیلم سینمایی به ایفای نقش پرداخت. جلال مقدم بر اثر تصادف رانندگی، اسفند ماه سال ۱۳۷۴ در خیابان کریمخان زند تهران به بیمارستان منتقل گردید و بعد از ۶۰ روز در

حالت کما بودن، ۲۹ فروردین ۱۳۷۵ درگذشت. مهم‌ترین آثار او در مقام بازیگری و نویسندگی عبارتند از: ۱۳۶۶ مار، ۱۳۶۷ هی جو، ۱۳۶۷ سرب، ۱۳۶۸ هامون، ۱۳۶۸ دندان مار، ۱۳۶۹ گلان، ۱۳۶۹ سایه خیال، ۱۳۷۰ رد پای گرگ، ۱۳۷۰ دلشدگان، ۱۳۷۰ بانو، ۱۳۷۲ بلندی‌های صفر، ۱۳۷۲ بدل، ۱۳۷۳ می‌خواهم زنده بمانم، ۱۳۷۴ اشاخ گاو، ۱۳۵۱ صمد و فولاد زره دیو، ۱۳۵۰ فرار از تله و ...



ابتلا به سرطان با یک نخ سیگار

پژوهشگران معتقدند استعمال تنها یک نخ سیگار در روز بسیار خطرناک است. گرچه در باور عمومی استعمال یک نخ سیگار در روز چندان مضر به نظر نمی‌رسد اما محققان نشان داده‌اند که استعمال تنها یک نخ سیگار در روز احتمال ابتلاء به بیماری‌های قلبی-عروقی، انواع سرطان‌ها و مرگ را تا حد قابل توجهی افزایش می‌دهد. براساس تحقیقات جدید، برای کاهش ریسک ابتلا به بیماری‌های قلبی-عروقی نه تنها باید از مصرف دخانیات کاست بلکه باید به طور کامل آن را قطع کرد چرا که به گفته محققان دانشگاه کالج لندن قطع کامل سیگار شانس ابتلاء به این بیماری‌ها را به حد قابل توجهی کاهش می‌دهد. دخانیات عامل مهم مرگ زود هنگام ناشی از ابتلاء بیماری‌های قلبی-عروقی، بیماری‌های ریوی و انواع سرطان‌هاست. در مطالعه‌ای که اخیراً در ژورنال آکادمیک «مجله پزشکی بریتانیا (بی‌ام‌جی)» منتشر شده، دانشمندان با بررسی ۱۴۱ مطالعه که بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۲۰۱۵ بر روی قریب به ۱۲۰ میلیون نفر صورت گرفته نشان دادند که مصرف میزان بسیار کم سیگار (بین یک تا پنج نخ در روز) نیز به حد قابل توجهی در ابتلاء افراد به بیماری‌های قلبی-عروقی و انواع سرطان‌ها موثر است. در این مطالعه با در نظر گرفتن عواملی چون سن، توده بدنی، کلسترول خون، فشار خون و دیگر عوامل موثر در ابتلاء به بیماری‌های قلبی-عروقی، محققان نشان دادند که مردانی که روزانه تنها یک نخ سیگار می‌کشند حدود ۷۴ درصد نسبت به کسانی که هرگز سیگار نمی‌کشند در معرض ابتلاء به این بیماری‌ها قرار دارند. خطر ابتلاء به بیماری‌های قلبی-عروقی در زنان بسیار بالاتر از مردان است.

موهای پشنت بدن

کافی است ولی به یک عدد قناعت نکنید. موهایی در پشت خود هستند، چه کم و چه زیاد. برای مردانی که مایل به داشتن یک پشت بدون مو هستند، گزینه‌های زیادی وجود دارد. اگر نتایج موقت می‌خواهید، با استفاده از وکس، کرم‌های برطرف کننده مو یا تراشیدن می‌توانید از شر موهای پشت خود خلاص شوید. در مورد یک راه حل دائمی، استفاده از لیزر می‌تواند به طور کامل موها را نازک کرده یا موهای پشت شما را کامل از بین ببرد.

شکم بزرگ

با بالا رفتن سن، بیشتر مردان در قسمت میانی بدن خود، تمایل به

داشتن سه پتو کافی است ولی به یک عدد قناعت نکنید.

یک بالش گردنی

برای شیر دادن به نوزاد حداقل ۴۵ دقیقه باید زمان بگذارید و این کار را هر دو ساعت باید انجام دهید. داشتن بالش‌تی که دور گردن تان بگذارد، قطعاً ضروری است. این کار باعث می‌شود تا راحت‌تر باشید و فرصت کافی به نوزاد برای شیر خوردن بدهید.

حمام نوزاد

در چند هفته اول، حمام اسفنجی وسیله ضروری برای نوزاد است. داشتن



مرد روز



احمد شاملو

مجال بی رحمانه اندک بود و واقعه سخت نامنتظر. از بهار حظ تماشائی نچشیدم، که قفس باغ را پژمرده می‌کند. از آفتاب و نفس چنان بریده خواهم شد که لب از بوسه نا سیراب. برهنه بگو برهنه به خاکم کنند سرا پا برهنه بدان گونه که عشق را نماز می بریم، که بی شایبه حجابی با خاک عاشقانه در آمیختن می خواهم

۱۲ چیزی که پس از بچه‌دار شدن باید در خانه داشته باشید

شاید اولین چیزی که باید تهیه کنید، همین صندلی ماشین باشد. خوب، چطور می‌خواهید نوزاد را از بیمارستان بردارید؟ نداشتن صندلی ماشین، جدا از اینکه جریمه برایتان به بار می‌آورد، ایمنی فرزند شما را تأمین می‌کند. داشتن این صندلی ضروری است. قیمت آن حدود ۳۰۰ دلار است ولی قطعاً اعضای خانواده یا دوستان شما که قبلاً نوزادی داشتند، یکی از آن را در انبار خود دارند.

پوشک

برنامه‌ریزی کنید که ۱۵۰ عدد پوشک در سه هفته اول نیاز دارید. به یاد داشته باشید که بعضی از نوزادها بزرگتر از اندازه معمول پوشک‌ها را نیاز دارند. پس اگر شک دارید، اندازه‌های روی بسته را به دقت بررسی کنید.

تخت نوزاد

گهواره یا تخت نوزاد اولین وسیله‌ای است که باید تهیه کنید. این تخت معمولاً کوچک، مدت



بوگیر پوشک

بوگیر پوشک دستگاه تازه‌های است که به بازار آمده است. این دستگاه دارای کیسه پلاستیکی است که شما می‌توانید پوشک کثیف را به جای سطل زباله داخل آن بیندازید. این سطل هم از انتشار بوی بد پوشک جلوگیری می‌کند و هم بدون استفاده از دست، به صورت اتوماتیک آن را بسته‌بندی می‌کند.

کالسکه

این وسیله محبوب پدر و مادرهاست. با داشتن کالسکه می‌توانید بعد از مراقبت طولانی از نوزاد، بیرون بروید و قدم بزنید. این کالسکه کمک می‌کند تا اجتماعی بمانید و کمی نفس تازه کنید. معمولاً قیمت کالسکه ۶۰۰ دلار است.

پتو نوزادی

یک پتو سنتی و رایج نوزاد را انتخاب کنید. باید ضد حساسیت و لطیف باشد. سعی کنید ساده‌ترین‌ها را انتخاب کنید و از رنگ‌های تند بپرهیزید.

زمان طولانی بکار شما نمی‌آید، پس بنابراین مبلغ زیادی هزینه نکنید. برای خرید یک تخت نوزاد باید جوانب احتیاط را هم رعایت کنید. این تخت باید محکم و با حداقل فلز یا ابزار برنده ساخته شده باشد. سعی کنید ایفای را در بالشت یا پتو انتخاب کنید که حساسیت‌زا نباشند. اگر خارج از ایران زندگی می‌کنید، باید بدانید که قیمت تخت نوزاد از ۱۶۰ دلار به بالاست.

گهواره نوزاد

گهواره نوزاد پدیده جدیدی نیست ولی در بازار امروز، گهواره‌های اتوماتیک چنان رونقی پیدا کرده‌اند که والدین برای آرام کردن نوزاد مجبور به تهیه آن هستند. این ابزار باعث سرگرمی و به خواب رفتن نوزاد شما می‌شود که در دنیای شلوغ امروزی شاید یک ضرورت باشد. در بازار قیمت این گهواره‌ها معمولاً ۶۰ دلار است.

صندلی ماشین کودک

نگرانی‌های مهم مردانه

خاص و عینک‌های خاصی وجود دارد که ممکن است به استفاده کنندگان کمک کند رنگ‌ها را راحت‌تر شناسایی کنند.

۹- خرناس کشیدن

خرخرف حدود ۴۴٪ مردان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و این در مردان بیشتر از زنان است. این می‌تواند تحت تأثیر موقعیتی که در آن خوابیدید، داروهایی که مصرف می‌کنید، مصرف الکل و یا شرایط پزشکی شما باشد. همچنین می‌تواند نشانه‌ای از یک اختلال خواب جدی به نام آپنه خواب باشد که در آن تنفس فرد مبتلا برای مدت کوتاهی در طول خواب متوقف می‌شود.

۱۲- بوی بدن

بوی بدن به دلیل وجود باکتری‌هایی است که در یک محیط مرطوب و گرم رشد می‌کند. هنگامی که ما عرق می‌کنیم، پوست ما به عنوان یک منبعی برای پرورش باکتری‌ها تبدیل می‌شود و ما می‌توانیم بوی بدن ناخوشایندی را به وجود آوریم. غذاهای تندی مانند سیر و پیاز نیز ممکن است مقصر باشند. معمولاً یک دوش آب‌گرم، لباس‌های تمیز و ضد عرق‌ها شما را از شر بوی بدن خلاص می‌کنند.

۱۷- اختلال عملکرد جنسی

اختلال عملکرد جنسی مردانه ممکن است موجب خجالت شما شود، اما حقیقت آن است که از سن ۴۰ سالگی تقریباً ۴۰٪ از همه مردان دارای برخی از انواع اختلال عملکرد جنسی مانند کاهش میل جنسی، انزال زودرس یا ناتوانی در دریافت یا حفظ نعوظ (اختلال نعوظ یا ED) هستند. اغلب اختلال عملکرد جنسی در مردان

ضعیم نامیده می‌شود، شده که در مرکز صورت دیده میشوند و به نظر می‌رسد هردو ابرو مانند یک ابرو و به شکل خطی پراز مو به نظر بیایند. بسیاری از مردان الکترولیز را انتخاب می‌کنند تا یک راه حل دائمی و داشتن دوبروی متمایز تضمین شود. برای رفع موقت، هر چهار تا شش هفته عمل اپیلاسیون انجام می‌شود و می‌تواند فرم خط ابرو را تشکیل دهد.

۵- برآمدگی‌های بعد از اصلاح

بعد از اصلاح، پوست شما صاف می‌شود، اما گاهی ممکن است جوش‌های قرمز کوچکی ظاهر شود. برآمدگی‌های بعد از اصلاح، که همچنین pseudofolliculitis barbae نامیده میشوند، هنگامی که موها به عقب برگشته و در داخل پوست رشد می‌کنند، شکل می‌گیرند. شما می‌توانید قبل از اصلاح، دوش آب گرم بگیرید تا موهای صورت خود را نرم کرده و منافذ پوست خود را باز کنید،



از ژل اصلاح ضخیم استفاده کنید، پوست را در هنگام اصلاح کردن، نکشید، موهای صورت خود را در جهت رشد مو اصلاح کنید، و بعد از اصلاح کردن، یک پارچه مرطوب سرد بر روی صورت خود قرار دهید.

۷- ریزش مو

طاسی الگوی مردانه در بسیاری از مردان رخ می‌دهد. مردان در ۳۰ سالگی خود شروع به توجه داشتن به نازکی و ریزش موی خود می‌کنند، و در ۵۰ سالگی خود، بسیاری از مردان ممکن است به طور قابل توجهی طاسی داشته باشند. تعدادی از راه‌های درمان ریزش مو، از جمله داروهای تجویزی و ترمیم مو از طریق جراحی وجود دارد.

۸- کور رنگی

داشتن کور رنگی به این معنی است که رنگ‌ها را به طور معمول نمی‌بینید. این وضعیت بر حدود ۱ نفر از هر ۱۰ مرد تأثیر می‌گذارد و اغلب ناتوانی در تشخیص رنگ‌های قرمز و سبز وجود دارد. هیچ درمانی برای کور رنگی وجود ندارد، اما لنزهای تماسی

داشتن اضافه وزن پیدا می‌کنند. کمر گسترده و پهن می‌شود، به خصوص بیش از ۱۰۱ سانتی‌متر، که می‌تواند خطر بیماری قلبی را افزایش دهد. با این حال، رژیم غذایی مناسب و ورزش می‌تواند به کاهش دور کمر و ریسک مربوط به مشکلات سلامتی کمک کند.

۳- تعریق مفرط

مردان بیش از زنان عرق می‌کنند، اما بعضی از مردان بیشتر از حد معمول در مردان عرق می‌کنند. عرق کردن بیش از اندازه یا hyperhidrosis معمولاً در مناطقی که تمایل به عرق بیشتر دارند، تأثیر می‌گذارد: زیر بغل، کف دست و کف پا. اگر این مشکل در مورد شما وجود دارد، با پزشک خود مشورت کنید؛ درمان ممکن است به شما کمک کند تا خشک تر بمانید.

۴- ابروهای ضخیم

تستوسترون، یک هورمون مردانه، آن چیزی است که باعث می‌شود مردان موهای بدن بیشتری نسبت به زنان داشته باشند. تستوسترون همچنین می‌تواند باعث آنچه که به عنوان "unibrow" یا ابروهای

بیستمین قهرمانی فدرر در مسابقات گراند اسلم؛ یک رکورد تاریخی برای نابغه



راجر فدرر

راجر فدرر تنیس‌باز ۳۶ ساله سوئیسی روز یکشنبه در مرحله نهایی مسابقات گراند اسلم استرالیا با پیروزی بر مارین چلیچ تنیس‌باز ۲۹ ساله اهل کرواسی به ششمین عنوان اول این گراند اسلم و بیستمین مقام قهرمانی بازی‌های گراند اسلم دست یافت و رکوردی تاریخی در تنیس مردان بر جای گذاشت. او مسن‌ترین برنده این رقابت‌ها در ۴۶ سال گذشته است. نتیجه این دیدار پر تماشاچی ۶ بر ۲، ۶ بر ۷، ۶ بر ۳، ۳ بر ۶ و ۶ بر ۱ یک به سود نابغه بود. او این دستاورد بی‌نظیر را یکشنبه شب پیش از حضور در مراسم میهمانی سنتی پایان مسابقات گراند اسلم با همسر و چهار فرزند خود جشن گرفت. لازم به یادآوری است که در میان زنان تنیس‌باز، مارگارت کورت استرالیایی، سرینا ویلیامز تنیس‌باز آمریکایی و استفی گراف از آلمان ۲۰ بار یا بیشتر عنوان قهرمانی بازی‌های گراند اسلم را کسب کرده بودند.

فدرر ۶ ماه پیش نیز در فینال بازی‌های گراند اسلم ویمبلدون لندن با شکست چلیچ قهرمان شده بود. بعد از فدرر، نادال با ۱۶ عنوان قهرمانی، سمپراس با ۱۴ بار پیروزی و جاکوویچ با ۱۲ مقام در یک گراند اسلم دیده می‌شوند. فدرر هنگام دریافت جایزه در

وژنیایی قهرمان زنان گراند اسلم استرالیا



کارولین وژنیایی ۲۷ دسامبر ۲۰۱۸

کارولین وژنیایی تنیس‌باز ۲۷ ساله دانمارکی و نفر اول پیشین تنیس دختران جهان روز شنبه با پیروزی بر سیمونا هالپ تنیس‌باز اهل رومانی در مرحله نهایی رقابت‌های تنیس ملیورن برای نخستین بار برنده یک گراند اسلم شد. او با کسب این عنوان مکان اول رده‌بندی تنیس بانوان جهان را نیز از آن خود کرد. این چهل و سومین حضور وژنیایی در یک گراند اسلم بود. نتیجه این دیدار ۷ بر ۶، ۶ بر ۴ و ۴ بر ۶ به سود وژنیایی بود. کارولین نخستین تنیس‌باز اهل دانمارک است که برنده یک گراند اسلم می‌شود. وی تا کنون ۲ بار در مسابقات گراند اسلم تنیس آمریکا یو اس اوپن دوم شده بود. او به دلیل دور بودن از مسابقات تا رده ۷۵ تنیس زنان دنیا سقوط کرده بود و تا ۱۷ ماه پیش در این مکان قرار داشت اما با کسب موفقیت‌های پیاپی تا رده دوم دنیا بالا رفت. کارولین وژنیایی چند سال دوست دختر روی مک لروی قهرمان ایرلندی گلف جهان بود اما

اعضای هیات مدیره فدراسیون ژیمناستیک آمریکا برکنار شدند؛ ۱۷۵ سال زندان برای پزشک دختران ژیمناست آمریکا



لاری نصار

به دنبال محکومیت دکتر لاری نصار Larry Nassar پزشک تیم ژیمناستیک آمریکا به دلیل سوء استفاده جنسی و تجاوز به دختران ژیمناست، روز پنجشنبه کمیته ملی المپیک ایالات متحده از تمامی اعضای هیات مدیره فدراسیون ژیمناستیک آن کشور خواست از سمت خود استعفا دهند و در صورت خودداری از کناره‌گیری به خدمت آنان پایان داده خواهد شد اما روز جمعه اعلام شد که تمامی این افراد تصمیم به استعفا گرفته‌اند. اسکاوت بلک‌مان رئیس کمیته ملی المپیک آمریکا گفت دلیل درخواست کناره‌گیری اعضای هیات مدیره فدراسیون ژیمناستیک به این دلیل نیست که از ماجرای رفتار و سوء استفاده دکتر لاری نصار از دختران ژیمناستیک آگاهی داشته‌اند بلکه احساس می‌شود با توجه به حوادث رخ داده نیاز به دگرگونی بنیادین در تشکیلات ورزش ژیمناستیک آمریکا اجتناب‌ناپذیر است ضمن آنکه اولویت فدراسیون در حال حاضر تامین امنیت ورزشکاران این رشته باید باشد. قرار است یک هیات مدیره موقت اداره امور این فدراسیون را تا انتخاب هیات مدیره دائمی در سال آینده به عهده بگیرد.

دو سال پیش ساعتی قبل از برگزاری مراسم جشن عروسی در حالیکه یک هفته پیش از آن کارت‌های دعوت نیز توزیع شده بود تصمیم داماد عوض شد و عروسی به هم خورد.

معاون وزارت ورزش: ۷۰ درصد ایرانی‌ها فعالیت بدنی ندارند

محمد رضا داورزنی معاون وزارت ورزش می‌گوید هفتاد درصد از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران هیچگونه فعالیت ورزشی و بدنی ندارند. او گفته آمار سال ۱۳۹۵ حاکی از این واقعیت تاسف‌آور است. ضمن آنکه تنها ۳ درصد از جمعیت کشور بطور دائم در طول هفته نوعی فعالیت ورزشی دارند. داورزنی گفت: ۷۵ درصد مرگ و میرها در کشور به علت بیماری‌های غیر واگیردار است و این نشان می‌دهد ایرانی‌ها از نظر فعالیت بدنی و ورزشی در شرایط نامناسبی بسر می‌برند. وی ادامه داده ۱۲ هزار باشگاه بدن‌سازی و پرورش اندام در ایران فعالیت دارند و ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار جوان و نوجوان عضو این باشگاه‌ها هستند. او افزود از سال ۹۲ تا حالا ۱۵۷۰ باشگاه ورزشی متخلف بسته شده‌اند و همه ساله عده‌ای از اعضای تیم‌های ملی به دلیل استفاده ناصحیح از مکمل‌ها و داروهای غیرمجاز از شرکت در مسابقات محروم می‌شوند. در ورزش‌هایی مانند کشتی و وزنه‌برداری، مربیان داروهای مکمل را برای ورزشکاران تجویز می‌کنند که ممنوع است.

ایران قهرمان کشتی جام تختی



تیم کشتی فرنگی ایران در خاتمه مسابقات کشتی فرنگی جام تختی که این هفته در شهر ماهشهر خوزستان برگزار شد با ۳ مدال طلا، یک مدال نقره و ۸ برنز قهرمان این رقابت‌ها شدند. محمدعلی گرابی در وزن ۷۷ کیلوگرم، سامان عزیزی در وزن ۸۷ کیلوگرم و بهنام مهدی زاده در وزن ۱۳۰ کیلوگرم مدال طلا گرفتند. مهرداد مردانی در وزن ۶۰ کیلوگرم مدال نقره دریافت کرد. مسلم نادری خادم و رضا خدری در وزن ۵۵ کیلوگرم، محمد نوربخش در وزن ۶۳ کیلوگرم، محمد الیاسی در وزن ۶۷ کیلوگرم، فرشاد بلفکه در وزن ۷۲ کیلوگرم، برومند اصلا در وزن ۷۷ کیلوگرم، اکبر حیدری در وزن ۹۷ کیلوگرم و شهاب قورجیلی در سنگین وزن به مدال برنز رسیدند. در رده‌بندی تیمی، تیم کشتی فرنگی ایران قهرمان شد و تیم‌های ترکیه و قزاقستان دوم و سوم شدند.

دختران دونده و پرنده ۱۶ کشور در مسابقات آسیایی تهران



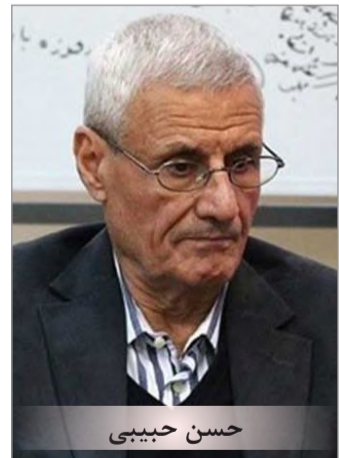
تیم‌های دو و میدانی زنان ۱۶ کشور برای رقابت در مسابقات دو و میدانی داخل سالن بانوان آسیا به تهران رفته‌اند. این بازی‌ها روز پنجشنبه این هفته به مدت سه روز و با شرکت ۳۰۰ ورزشکار (۳۳ نفر از ایران) در ۱۳ ماده برگزار می‌شود. پریسا بهزادی نایب رئیس بانوان فدراسیون دو و میدانی ایران گفت: در بعضی رشته‌ها شرکت‌کنندگان ایران شانس دریافت مدال دارند. آنها حتی ممکن است در موادی چون پرتاب وزنه، پرش با نیزه و ۶۰متر مدال طلا و نقره بگیرند او گفت: نفرات اول تا سوم مسابقه های قهرمانی کشور به دلیل میزبان بودن ایران امکان حضور در این مبارزه‌ها را به دست آورده‌اند. دختران شرکت‌کننده ایران در این مسابقات این ورزشکاران هستند: فرزانه فصیحی، فائزه نسائی و حمیده اسماعیل نژاد در دو ۶۰ متر، الهام کاکلی و مریم مجیدر در دو ۴۰۰ متر، هانیه تمزی، تکتیم دستارندان و ساجده فانی در دو ۸۰۰ متر، پریسا عرب، سمیرا زمانی و افسانه فریدی در ماده سه هزار متر. الناز کمپانی، سارا نراقی و جمیله سیفی در دو ۶۰ متر با مانع. سپیده توکلی، آیلین بابکی و مهسا کارگر در پرش ارتفاع. کیمیا پورخلخال و فاطمه جماعتی در پرش طول. ثریا قلیچ نیازی، سمانه کوهکن و مریم کاظمی در پرش

مذاکرات ناتینگام فارست با اشکان دژآگه



تیم ناتینگام فارست از دسته اول فوتبال انگلستان در روزهای اخیر گفتگوهایی با نمایندگان اشکان دژآگه کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران داشته است. دژآگه در حال حاضر عضو هیچ تیمی نیست. نشریه ناتینگام پست نوشته اشکان دژآگه فوتبال‌بست ۳۱ ساله ایرانی بعد از ترک باشگاه ولفسبورگ آلمان از چند تیم لیگ برتر ایران پیشنهاداتی داشته است و اکنون نیز تیم‌های تراکتورسازی، ذوب آهن و استقلال خواهان او هستند. اشکان به این نشریه گفته: دوست دارم پیش از حضور در جام جهانی روسیه به فوتبال اروپا بازگردم. دژآگه در جام جهانی گذشته در تیم فوتبال ملی ایران بازی کرد.

حسن حبیبی: در فوتبال ایران هیچکس سر جای خودش نیست



وی اضافه کرده بازیکنان تیم ملی فوتبال و تیم امید سال ۹۸ اکثراً شاگردان من بودند اما امروز شرایط متفاوت است و اصلاً نیازی به حضور امثال من در فوتبال ایران نیست. حبیبی که با خبرگزاری ایرنا گفتگو می‌کرد یادآور شده بعد از ساخت آن تیم رویایی خیلی به من بی‌مهری شد و حتی مدت‌ها به باشگاه‌ها اجازه همکاری با من را نمی‌دادند. حسن حبیبی از بهترین مدافعان تاریخ فوتبال ایران بود و با درجه سرهنگی شهربانی بعد از انقلاب بازنشسته شد.

باشگاه‌ها مدت‌ها اجازه همکاری با من را نداشتند.

حسن حبیبی بازیکن پیشین تیم فوتبال ایران قبل از انقلاب و سرمربی تیم ملی می‌گوید: مسائل فوتبال ایران را مدتی است دنبال نمی‌کنم به این دلیل که دچار بی‌نظمی است و هیچکس سر جای خودش نیست. سال‌هاست کسانی که در راس فوتبال کشور قرار دارند هیچ اطلاعی از این رشته ندارند و کاربلدها نیز همه خانه‌نشین شده‌اند و با توجه به این شرایط تصمیم گرفتم دیگر مسئولیتی قبول نکنم. او افزوده موفقیت‌های امروز فوتبال ایران ظاهری است و به نظر من دور از شان یک فوتبال‌شناس است که با کسانی کار کند که دانش کمتری از خودش داشته باشند. حبیبی گفت: بعد از بازگشت من به ایران مسئولان فدراسیون خواستند حکم ریاست فنی فدراسیون را به من بدهند اما نپذیرفتم چون من در جایی مسئولیت قبول می‌کنم که چهارچوب فعالیت مشخص باشد ضمن آنکه متوجه شدم مدیریت کمیته فنی تنها یک حکم است و هیچ‌گونه اختیار و اجازه دخالت در امور تیم ملی را ندارد و برای همین آن را قبول نکردم.

افتتاح مسابقات جام تختی با حضور چند خانم عضو شورای شهر



در این مراسم تعدادی از بانوان عضو شورای شهر ماهشهر حضور داشتند. معروف دنیا شرکت دارند.

سی و هشتمین دوره مسابقات کشتی فرنگی جام تختی روز پنجشنبه در ماهشهر آغاز شد. پیش از شروع رقابت‌ها دکتر گلمرادی نماینده ماهشهر در مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از سوی فدراسیون کشتی از نماینده فدراسیون جهانی کشتی تشکر کرد.

پس از آن ارکستر موسیقی محلی منطقه ماهشهر برنامه‌هایی اجرا کرد و سپس افشین حیدری مدیر کل ورزش و جوانان خوزستان در حالی که با کفش معمولی روی تشک مسابقات رفت‌وآمد کرد (۱) به کشتی‌گیران شرکت‌کننده در این رقابت‌ها خوش آمد گفت.

فهرست بلند رقابت‌های تدارکاتی تیم فوتبال ایران: سنگ بزرگ علامت نردن؟



دیداری با «ازبکستان» برگزار خواهد کرد. همچنین ملی‌پوشان ایران روز ۲۱ اردیبهشت‌ماه با یکی از تیم‌های «سوریه»، «لبنان» یا «اردن» مسابقه خواهند داد.

۳۰ اردیبهشت‌ماه نیز دیدار ایران و «ترکیه» در خاک ترکیه قطعی شده و ۷ خردادماه تیم ملی دیدار خداحافظی خود را در تهران انجام خواهد داد که این مسابقه با یکی از تیم‌های بزرگ و مطرح خواهد بود، اما اسمی از تیمی برده نشده است.

تیم ملی فوتبال ایران همچنین ۱۲ خردادماه دیدار دوستانه دیگری را در یونان یا اتریش برگزار خواهد کرد که «لهستان» یا «آلبانی» جزو گزینه‌های مورد نظر کارلوس کیروش هستند. آخرین دیدار دوستانه تیم ملی پیش از شروع دیدارهای جام جهانی ۱۸ خردادماه در مسکو برگزار می‌شود و یکی از تیم‌های صعودکننده به جام جهانی ۲۰۱۸ کریف شاکردان کیروش خواهد بود.

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال برگزاری این دیدارها را تأیید کرده و ادعا کرده قرارداد دیدارهایی که به‌صورت قطعی اعلام شده به امضا رسیده است. تیم ایران در اولین دیدار خود در

اسم بیش از ۱۰ کشور مطرح شده که تیم ملی فوتبال ایران قرار است با حداقل ۵ تیم از میان آنها مسابقه تدارکاتی برگزار کند.

فدراسیون فوتبال تونس رسماً اعلام کرد که دیدار دوستانه تیم ملی این کشور با تیم ملی فوتبال ایران در ورزشگاه «المییک» برداس پایتخت تونس برگزار می‌شود.

رسانه‌های تونسی در هفته اخیر اخبار مختلفی درباره مکان برگزاری دیدار دوستانه تیم ملی این کشور با تیم ملی ایران منتشر کردند و خبر دادند سه کشور اتریش، فرانسه و تونس به عنوان گزینه‌های میزبانی این دیدار مطرح شده‌اند.

بسیاری از دیدارهای دوستانه تیم ملی فوتبال ایران به دلایل مختلف در سال‌های گذشته لغو شد. اگر این مسابقه شامل این لغو شدن‌ها نشود روز ۲۳ مارس (سوم فروردین) برگزار خواهد شد.

بیشتر رسانه‌های داخلی گزارش داده بودند در صورت موافقت تونس و توافق بر سر مسائل مالی، شاید این بازی در اتریش برگزار شود.

همچنین اعلام شده بود تیم ملی ایران برای آمادگی حضور در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه قرار است هفتم فروردین نیز در اتریش به مصاف تیم «الجزایر» برود. ایران قرار است تا برگزاری رقابت‌های جام جهانی روسیه دو اردوی آمادگی برگزار کند. اردوی اول که از اواخر اسفند ماه آغاز خواهد شد احتمالاً در اتریش خواهد بود.

همچنین از ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۹۷ مرحله دوم اردوی تیم ملی برگزار خواهد شد که گفته شده در این اردو

سرمازدگی ۱۴۶ نفر و جان باختن یک نفر در استان تهران



سرمای شدید و برف سنگین در تهران و برخی استان‌های دیگر کشور مردم و نیروهای امدادی را غافلگیر کرد. در تهران و در بزرگراه‌های تهران-کرج و تهران-قم تعداد زیادی از اتومبیل‌ها تا صبح در برف گرفتار ماندند.

سرمای شدید و برف سنگین در تهران و برخی استان‌های دیگر کشور مردم و نیروهای امدادی را غافلگیر کرد.

سخنگوی اورژانس اعلام کرد ۱۴۶ نفر در استان تهران دچار سرمازدگی شدند که یک نفر از آنها جان خود را از دست داده است.

در حالیکه بهزیستی از اسکان بی‌خانمان‌ها و کارتن‌خواب‌ها در گرم‌خانه‌های تهران، دو برابر ظرفیت ۸۰۰ نفره آنها خبر داده بود، امروز سخنگوی اورژانس می‌گوید در طول دو روز گذشته ۱۴۶ نفر در تهران دچار سرمازدگی شدند که به نظر می‌رسد اغلب آنها بی‌خانمان بوده‌اند. این مقام مسئول گفته که از این ۱۴۶ نفر، ۱۳۸ نفر به بیمارستان منتقل شده‌اند و یک نفر هم بر اثر

قیچی جراحی در شکم بیمار جاماند

قیچی نسبتاً بزرگ جراحی در شکم بیمار جا مانده است! محمدحسین مقامی رئیس بیمارستان «بهشتی» در اردستان گفته است البته این اتفاق قصور پزشکی است و باید به دنبال هر عمل جراحی تعداد قیچی‌ها و دیگر آلات و مورد این کار انجام نشده بود. او اما تأکید کرده که غالباً در جریان عمل‌های جراحی این‌گونه اتفاقات در بیمارستان‌ها رخ می‌دهد اما مسئولان بیمارستان نمی‌گذارند خبر به گوش رسانه‌ها برسد! به هر حال ما از مردم عذرخواهی می‌کنیم و قول می‌دهیم این قبیل غفلت‌ها تکرار نشود.

دانشجوی دکترا جزو باند سرقت از ویلاهای ثروتمندان

بیکاری تحصیل‌کرده‌ها در ایران باعث شده تا آنها برای گذران زندگی به هر کاری حتی دزدی دست بزنند. یک راننده با همدستی چهار جوان و یک دانشجوی رشته مهندسی فنی که با اطلاع از غیبت ساکنان ویلاهای نقاط اعیان‌نشین اموال قیمتی را از این خانه‌ها سرقت می‌کردند، سرانجام به دام افتادند. اخیراً مردی به پلیس شکایت کرد که وقتی از میهمانی به خانه بازگشتم متوجه شدم دزدان گاو صندوق منزل را شکسته و پول و جواهرات داخل آن را به ارزش دو میلیارد تومان به سرقت برده‌اند.

در طول چند ماه پلیس با شکایت‌های مشابه روبرو شد. در بین کسانی که خانه‌شان مورد دستبرد قرار گرفته یک استاد دانشگاه نیز وجود داشت که سارقین ۴۵ سکه طلا، پنجاه هزار یورو، گردنبند طلا، ۱۰ هزار دلار و ۵ میلیون تومان از ویلاهای او دزدیده بودند. مأموران با بررسی دوربین‌هایی که در این ویلا قرار داشت تصویر دزدان را به دست آوردند و برخی از آنها را شناسایی کردند اما مدتی موفق به دستگیری آنها نشدند تا آنکه پلیس کلاتری قلهک به اتومبیلی در آن منطقه مشکوک شد و بعد از متوقف کردن آن سه سرنشین اتومبیل را دستگیر کرد که در سرقت‌های بزرگ ویلاها شرکت داشته‌اند. دزدان به جرم خود اعتراف کردند. پسر جوانی که دانشجوی دوره دکترا است به مأموران گفت: بیکار بودم و وضع مالی‌ام خوب نبود، می‌دیدم دوستانم که تحصیلاتی در حد من ندارند وضع مالی به مراتب بهتری از من دارند و به همین دلیل به تیم سارقین ویلاهای تهران پیوستم و بعد از چند سرقت دستگیر شدم.

ورود ۶۲۰۰ ورزشکار به دهکده المپیک زمستانی آغاز شد، پوتین از اعضای کاروان روسیه معذرت خواست



تعداد قابل توجهی از اعضای کاروان ورزش‌های زمستانی روسیه به دلیل استفاده از مواد نیروزا از حضور در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۸ کره جنوبی که از ۹ تا ۲۵ فوریه در پیونگ‌چانگ برگزار می‌شود محروم شده‌اند.

چندی پیش یکی از مسئولان کمیته ملی المپیک روسیه که از ماجرای حمایت دولت از دوپینگ ورزشکاران روسیه در مسابقات جهانی و المپیک پرده برداشت به آمریکا پناهانده شد. گفته می‌شود ویلادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری آن کشور هرگز مخالفتی با دوپینگ شرکت‌کنندگان روسی در رقابت‌های بین‌المللی نداشته است.

از بیش از ۴۰۰ ورزشکاری که برای سفر به کره جنوبی انتخاب شده بودند، تنها ۱۶۹ نفر در این المپیک شرکت می‌کنند. روز پنجشنبه رئیس‌جمهوری روسیه در اردوی ورزشکاران اعزامی به کره جنوبی حضور یافت و ضمن گفتگو با آنها از اینکه دولت به دلیل گرفتاری‌های زیاد نتوانسته به موقع از اتهام دوپینگ همکاران آنان دفاع کند عذرخواهی کرد. او محرومیت قهرمانان روسی را از حضور در بازی‌های پیونگ‌چانگ کاملاً سیاسی خواند.

۲۵۰۰ ورزشکار در ورزش‌های روی برف و ۲۷۰۰ ورزشکار در ورزش‌های روی یخ در این المپیک حضور دارند و در ۱۰۲ رشته با یکدیگر مبارزه خواهند کرد که از این میان ۴ رشته برای نخستین بار وارد این بازی‌ها شده است. اعضای کاروان ورزشی نروژ نخستین گروهی بودند که وارد دهکده المپیک شدند. ورزشکاران مجارستان، جمهوری چک و نیوزیلند نیز تاکنون به پیونگ‌چانگ رسیده‌اند. این هفته پرچم ایران نیز در دهکده المپیک برافراشته شد. ایران هم چند شرکت‌کننده در المپیک زمستانی ۲۰۱۸ دارد. روز پنجشنبه کمیته بین‌المللی المپیک خبر از رای دادگاه سوییس در مورد لغو محرومیت ۲۸ ورزشکار روس که به اتهام مصرف مواد نیروزا در سال ۲۰۱۴ برای همه عمر از حضور در رقابت‌های داخلی و خارجی محروم شده بودند داد.

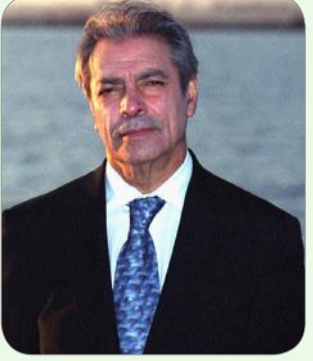
پزشکی قانونی و ۳۶ هزار مرگ مشکوک در یک سال



مسئولان سازمان پزشکی قانونی ایران می‌گویند امسال ۳۶ هزار و ۴۴۲ مرگ مشکوک داشته و ۳ هزار و ۷۰۸ پرونده مربوط به خطای پزشکی را بررسی کرده‌اند. متخصصان این سازمان سوای کارهای روزمره در حال حاضر سرگرم نمونه‌گیری از خانواده‌های کارکنان کشتی نفتکش ایرانی هستند که اخیراً در دریای چین کاملاً در آتش سوخت و نه از خود کشتی اثری باقی ماند و نه از بیش از سی تن کارکنان آن کسی زنده ماند. پزشکی قانونی در حال حاضر منتظر است چینی‌ها باقی‌مانده اجساد را به ایران بفرستند اما آنها می‌گویند شما نمونه‌ها را بفرستید تا ما کار تطبیق برای شناسایی کارکنان کشتی را انجام دهیم. سازمان پزشکی قانونی در دو سال گذشته درگیر حوادثی مانند ساختمان پلاسکو در تهران، کشتی ایرانی سانچی در آب‌های چین و

پزشکی قانونی و ۳۶ هزار مرگ مشکوک در یک سال

آتش‌سوزی قطار تبریز - مشهد بوده. پزشکی قانونی به گفته دست اندرکاران آن تنها ۸۰۰ پزشک در سراسر ایران دارد که یک سوم پزشکان مورد نیاز برای همه نقاط کشور است. پزشکی قانونی همچنین فعالانه بین چهار تا پنج میلیون مراجع دارد که ۳ درصد آن مربوط به اجساد است. کار با جسد سخت وقت‌گیر است. در سال ۹۵، پنجاه و هشت هزار و ۱۸۱ جسد به این سازمان آورده شده بود.



داروش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داروش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

داروش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقهای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۵۵)

باز نشر

(کیهان لندن شماره ۱۲۳۶)

احمد احرار

همایونی استدعا کردند فسخ عزیمت فرموده از تهران خارج نشوند. بعداً مسلم شد که صلاح در همین بوده است. واگر فکر تغییر پایتخت قطعیت یافته و عملی شده بود مخاطرات جبران‌ناپذیری برای سلطنت و مملکت ایران به‌بار می‌آورد. چنان که دیدیم، آنها که لجاج ورزیده از پایتخت خارج شدند هیچکدام فایده‌ای از این کار نبردند و فایده‌ای هم به مملکت نرساندند. امروز هم بنده در عالم خیراندیشی و دولتخواهی صراحتاً عرض می‌کنم خروج پادشاه و ارکان دولت از پایتخت مطلقاً موافق مصلحت نیست. این عمل را نه فقط برای ایران، بلکه برای روس و انگلیس هم مضر می‌دانم، به سفیر روس نیز همین را گفته‌ام.

استراتژی تهاجم به سمت ایران، که ژنرال علی احسان اجرای آن را برعهده داشت بر اساس طرح توسعه‌طلبی دولت عثمانی بنا شده بود. این طرح که «ترک اجاقی»

پیشرفت قوای عثمانی در نواحی غرب ایران، تغییر دولت و روی کار آمدن کابینه‌ای را که کمتر مورد بی اعتمادی «متحدین» باشد، ایجاب کرد. سپهسالار رفت و وثوق‌الدوله تشکیل دولت جدید را برعهده گرفت (۲۲ مردادماه ۱۲۹۵ / دوازدهم اوت ۱۹۱۶).

با آن که ژنرال باراتف اطمینان می‌داد که سپاه وی مانع رسیدن عساکر عثمانی به تهران خواهد شد، عقب‌نشینی روسها و تصرف کرمانشاه و همدان توسط عثمانی‌ها اعتباری برای فرمانده ارتش تزاری در ایران باقی نگذاشته بود. حتی دیپلماتهای انگلیس و روس در صحت ادعای ژنرال باراتف تردید داشتند و به سرعت دست و پای خود را جمع می‌کردند تا به محض آن که سپاه عثمانی از همدان به سوی قزوین سرازیر شد، تهران را ترک گفته به یکی از ولایات شمالی (منطقه نفوذ روسیه) یا جنوبی (منطقه نفوذ انگلستان) نقل مکان کنند.

این بار نوبت آنها بود که شاه و دولت را نیز به ترک تهران و تغییر پایتخت ترغیب کنند.

احمدشاه بر سر یک دو راهی خطرناک و حساس، حیران مانده بود و نمی‌دانست در کدام راه قدم بگذارد. مجلس شورای ملی از هم پاشیده و عملاً منحل شده بود. دولت وجود خارجی نداشت و وثوق‌الدوله هنوز نتوانسته بود وزرای خود را برگزیند و معرفی کند. رجال و معاریف هر کدام به فکر حفظ مال و مقام خود بودند، در ظاهر به انگلیس و روس چشمک می‌زدند و در خفا با عوامل آلمان و عثمانی ترد محبت می‌باختند. غرب ایران در تصرف قوای عثمانی بود. روسها صفحات شمالی و بخشی از فلات مرکزی ایران را در تصرف داشتند. نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان بر منطقه شرق و نواحی جنوب ایران سایه می‌افکند. دو سال از شروع جنگ می‌گذشت در حالی که هیچکس نمی‌توانست سرنوشت آن را پیش‌بینی کند.

احمدشاه قادر به تصمیم‌گیری نبود. تردید و تعلل او در اخذ تصمیم، خویشاوند روسیه و انگلستان نبود. وزرای مختار روس و انگلیس یادداشتی به دولت دادند و متذکر شدند که چون ایران در طول جنگ سیاست بیطرفی متمایل به «متفقین» داشته است، اکنون که نمایندگان سیاسی روسیه و انگلستان تصمیم به ترک تهران گرفته‌اند و دولت و مجلسی هم در میان نیست، مقتضی است شاه ایران شخصاً در باب تغییر پایتخت تصمیم بگیرد و از تهران خارج شود.

دولت ایران ناگزیر بود به این یادداشت پاسخ دهد. احمدشاه با تنی چند از رجال موثق و خیرخواه به مشورت پرداخت و طبق توصیه اینان، تصمیم‌گیری درباره انتقال پایتخت را به یک مجلس عالی مرکب از علما و شاهزادگان و رجال و اعیان محول کرد. به وزرای مختار دو کشور نیز شفاهاً اطلاع داده شد که چون مجلس شورای ملی به‌حالت تعلیق و تعطیل درآمده و دولت جدید هنوز تکمیل نشده است و موافق نظامات حکومت مشروطه، پادشاه از مسؤولیت میراست، دربار ایران موضوع تغییر پایتخت و خارج شدن پادشاه و ارکان دولت از تهران را به رای مجلس عالی واگذار می‌کند، علی‌هذا جواب یادداشت سفارتین موکول است به اعلام نظر مجلس عالی مشورتی.

شورای عالی، مرکب از سی و پنج تن، روز شنبه نوزدهم شوال ۱۳۳۴ (نوزدهم اوت ۱۹۱۶) در قصر صاحبقرانیه تشکیل شد. مجلس را رئیس‌الوزراء (وثوق‌الدوله) به‌نام شاه افتتاح کرد و سخنرانان به ایراد سخن پرداختند. سعدالدوله (میرزا جوادخان) اظهار داشت «یک سال پیش وقتی قضیه تغییر پایتخت به‌دلیل نزدیک شدن قوای روسیه عنوان شد، اشخاص خیرخواه و مصلحت‌اندیش این کار را به‌مصلحت ندیدند و از خاکپای اعلیحضرت



میرزا جوادخان سعدالدوله

تغییر پایتخت موافق نیست. مع‌هذا برای آن که فارغ از هر ملاحظه‌ای تصمیم اتخاذ شود، موضوع به رای مخفی‌گذارده شد و از ۳۵ تن اعضای مجلس، سی و سه تن رای مخالف دادند و تنها دو تن رای موافق.

در خاتمه مجلس، قرار شد گزارش امر به‌عرض شاه برسد و از طرف دولت یادداشتی در جواب سفارتخانه‌های روس و انگلیس تهیه شود مبنی بر این که مجلس عالی حرکت شاه و دولت را تصویب نکرد و مناسب است که وزرای مختار روسیه و انگلستان و سایر دیپلماتهای خارجی موضوع تغییر پایتخت را منتفی تلقی کرده در تهران بمانند و به دولت ایران فرصت دهند با ادامه سیاست بیطرفی، مسؤولیت خود را در قبال حفظ حقوق و حدود و امنیت و سلامت نمایندگان سیاسی دول خارجه ایفا کنند. ضمناً، مجلس عالی به مشیرالدوله (میرزااحسن خان) مأموریت داد بر تهیه یادداشت جوابیه سفارتین نظارت کند و تحت نظر وی، یادداشت مشابهی حاکی از جریان امر به کلیه سفارتخانه‌ها و نمایندگان سیاسی ایران در خارج نوشته شود.

همزمان با تشکیل مجلس ملی، تظاهرات وسیعی در تهران به مخالفت با تغییر پایتخت انجام گرفت و چون از بابت عکس‌العمل روس و انگلیس در قبال تصمیم مجلس ملی نگرانی وجود داشت برای آن که نشان داده شود دولت ایران به حفظ و رعایت بیطرفی مقید و متعهد است، یک هیأت سفنری مرکب از قوام‌السلطنه (میرزا احمدخان)، محتشم‌السلطنه (میرزا حسن‌خان) و مشاورالممالک (علیقلی خان) از سوی مجلس عالی مشورتی تعیین و مأمور شد که به

ادامه دارد»

عوامزدگی و سرآمد گرایی

کیهان لندن شماره ۱۳۳۵ - ۱۱ آذر ماه ۱۳۸۹

و کمک‌های مالی پشت سر دارند. اما مسأله بزرگتر تلاش همه سوبه‌ای است که برای زدودن زیبایی و والائی از سراسر جامعه می‌شود. دار و دسته فرمانروا می‌داند که برای ماندن می‌باید فتوای بهشتی را به تمام اجرا کند: ایران را به اندازه رژیم برساند.

سیاستگران و فرهنگ‌سازان ما با وظیفه برگرداندن موج ابتذال و هرچه پائین‌تر رفتن مخرج مشترک روبرویند و زیان نخواهند کرد اگر میان عوام‌گرایی به نام نزدیک شدن



به مردم؛ و سرآمدگرایی به معنای بالاتر بردن سطح فرهنگ عمومی و بحث سیاسی، دومی را برگزینند. مردم ما نشان داده‌اند که قدر سرمشق‌های والا را می‌گزارند. پرهیز از روستائی‌بازی نه اهانت به کسی یا گروهی است نه به‌عقد حذف آنها. هر کس حق دارد معیارهای خود را داشته باشد. سرآمد گرایی و پوشش والائی در هیچ جامعه و هیچ زمانی عیبی نیست که توده‌گرایی (در سیستم آمریکائی) به عوامگرایی دامن می‌زنند.

دموکراسی آینده ما می‌تواند از سپردن انتخابات به کمک‌های مالی خصوصی، و از انحصار تلویزیون تجارتي بر افکار عمومی که خطری کمتر از انحصار شبکه تلویزیونی دولتی نخواهد بود تهدید شود. ولی اینها مسائل آینده است. مسأله امروز ما پذیرفتگی زشتی و ابتذال در پهنه سیاست و فضای فرهنگی کشور است، فرو کشیدن هر چیز به پائین‌ترین‌است که می‌تواند مایه شرمساری باشد ولی عرف رایج شده است.

(یک صحنه شاید همه منظره بیزاری‌آور حکمرانی در بالاترین سطح، و از انحصار تلویزیون تجارتي بر افکار عمومی که خطری کمتر از انحصار شبکه تلویزیونی دولتی نخواهد بود تهدید شود. ولی اینها مسائل آینده است. مسأله امروز ما پذیرفتگی زشتی و ابتذال در پهنه سیاست و فضای فرهنگی کشور است، فرو کشیدن هر چیز به پائین‌ترین‌است که می‌تواند مایه شرمساری باشد ولی عرف رایج شده است.)

بیم جدا افتادن از مردم نمی‌باید از خود جدا افتاد. اگر خواننده‌ای خرده می‌گیرد که چرا از سعدی گفتاورده می‌آید سعدی رانی‌توان دور انداخته و شنونده را می‌باید به اندکی مایه گذاشتن از خود نیز عادت داد. نقش فرهنگ‌سازان در هر جا آن است که معیارها و نمونه‌ها را بگذارند تا در جامعه منتشر شود. هیچ درجه بهبود و پیشرفت بس نیست.

از پدران محافظه‌کاری ترقی خواه بریتانیاست پس از انتخاب شدن، به رای‌دهندگان گفت من در وست مینستر نه به آنچه شما می‌خواهید بلکه به آنچه به‌نظرم می‌رسد برای شما بهتر است رای خواهیم داد.

عصر واقعی توده‌ها بارسانه‌های تازه سده بیستمی آغاز شد که شمشیرهای دودم هستند. تلویزیون تجارتي طبعاً به ساده‌ترین و مردم‌پسندترین می‌پردازد و مخرج مشترک را هرچه

در یک فرهنگ سیاسی استبدادزده که میان فرمانبری و پیروی کورکورانه و مخالفت و کشاکش دشمنانه در نوسان است این همه تکیه بر مردم و خواست مردم که از چپ و راست می‌بینیم دلگرمی می‌آورد. ولی آیا مردم برای همه یک معنی می‌دهد و در تحلیل آخر هر گروه در واقع خودش را به‌نام مردم در نظر ندارد؟ درباره تازه‌کارانی که مانیم چنین تردیدهایی می‌توان داشت. مردم تا نظرشان دانسته نشده است تعبیری انتزاعی هستند و باورها و رویکردهایی که به آنان نسبت داده می‌شود هیچ مسلم نیست و به هر حال گوناگونی مردمان را نا دیده نمی‌توان نادیده گرفت. درست‌تر آن است که هر کس نظر خود را بگوید و بکوشد آن تعبیر انتزاعی را واقعیتی شناختنی گرداند. اما این گذاشتن خود به‌جا و به‌نام مردم، تنها انحراف در مردمگرایی ما نیست. انحراف بدتر، عوامگرایی و عوامزدگی به‌نام دموکراسی است. در یک جامعه لایه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی در کنار هم و در رقابت با هم‌اند و همه آنها مردم‌اند. درست است که لایه‌های فرهنگی پائین‌تر اکثریت دارند ولی یک، اکثریت داشتن آنها وجود، اهمیت، و ضرورت لایه‌های دیگر را نفی نمی‌کند و دو، لازم نیست آن اکثریت همواره به همان حال نگهداشته شود. طبیعت انسانی رو به بالاتر رفتن دارد. مردم می‌باید به آن درجه آگاهی برسند که هم بخواهند و هم بتوانند بالاتر روند. این وظیفه لایه‌های فرهنگی بالاتر است و در اینجاست که بحث عوامگرایی و سرآمدگرایی elitism یا شایسته‌سالاری در دموکراسی‌ها پیش می‌آید که برجسته‌ترین نمونه‌های هر دو را در آمریکا و بریتانیا می‌توان نشان داد.

دموکراسی آمریکائی که روزافزون عوامگرا بوده است اکنون به‌گونه‌ای زنده عوامزده می‌شود. رای‌دهندگان فراوان نه‌تنها می‌خواهند نمایندگانشان از خودشان باشند که طبیعی است، اصرار دارند که در سطح خودشان باشند. در انتخابات میان‌دوره امسال کنگره، شایستگی و سطح بالای دانش و انتلکت در بسیاری جاها کفایت داده شد. امروز سرآمدگرایی مانند لیبرالیسم برجسیبی شده است که شکست را نزدیک به مسلم می‌سازد. سیاست و دستگاه حکومتی آمریکا به چنان وضع تأسف‌آوری افتاده است که تنها پویائی و آفرینندگی بی‌مانند جامعه آمریکائی آن را جبران می‌کند. در برابر، بریتانیا هنوز یک دموکراسی سرآمدگرا مانده است. رای دهنده بریتانیائی هیچ مشکلی با کاندیداهائی فراورده پاره‌ای بهترین دانشگاه‌ها و مناظره‌های دانشجویی مشهور آنها ندارد. در حالی که حزب مخالف در آمریکا با یک مانیفست انتخاباتی سراسر وعده‌های بی‌پایه و متناقض یک پیروزی دست می‌یابد در بریتانیا رهبر حزب مخالف به نیروی راستگویی و صراحتی که سخنرانی مشهور «اشک و عرق و خون» چرچیل را در رسیدن به نخست‌وزیری به‌یاد می‌آورد پیروز می‌شود. با آنکه دیگر نمی‌توان انتظار داشت یک نماینده مجلس عوام مانند آدموند برک (سده هژدهم) سخن بگوید انضباط سخت احزاب بریتانیائی، به نمایندگان در برابر رای دهندگان خود آزادی عمل بیشتری می‌بخشد. (برک که از فیلسوفان سیاسی برجسته و

پائین‌تر می‌آورد. در همان حال توده‌ای که به این صورت «آگاه» می‌شود می‌تواند به‌یاری رسانه تازه، پیرامون شعارها و شخصیت‌هایی گرد آید که لزوماً بهترین نیستند. اینترنت امکان آن را می‌دهد که همفکران (هر فکری) از هر جا گرد هم آیند و نیروئی شوند. این هر دو در نبود اسباب دیگر پرورش فکری توده‌ها و زیر تأثیر نقش مسلط پول در انتخابات (در سیستم آمریکائی) به عوامگرایی دامن می‌زنند.

دموکراسی آینده ما می‌تواند از سپردن انتخابات به کمک‌های مالی خصوصی، و از انحصار تلویزیون تجارتي بر افکار عمومی که خطری کمتر از انحصار شبکه تلویزیونی دولتی نخواهد بود تهدید شود. ولی اینها مسائل آینده است. مسأله امروز ما پذیرفتگی زشتی و ابتذال در پهنه سیاست و فضای فرهنگی کشور است، فرو کشیدن هر چیز به پائین‌ترین‌است که می‌تواند مایه شرمساری باشد ولی عرف رایج شده است.

قزاق محبوب و ناآرام



آلکساندر سولژنیستین

روس‌ها سولژنیستین را «فرزند اکتبر» نامیدند. کمونیست‌ها این لقب را برای کسانی به کار می‌بردند که در حوالی اکتبر ۱۹۱۷ به دنیا می‌آمدند و انتظار داشتند که آنها ساختار اجتماعی باشکوه معماران کمونیسم را در تمامی جهات به کمال رسانند اما حداقل در مورد سولژنیستین این انتظار، عبت از کار درآمد. سولژنیستین در خانواده‌ای قزاق متولد شد و تحصیلاتش را در علوم به پایان رساند، عضو ارتش سرخ شد و به میدان جنگ جهانی دوم اعزام شد. در همین دوران، درباره سیاست‌های استالین دچار تردید جدی شد و این موضوع را در یکی از نامه‌هایش ابراز کرد اما نامه‌ها به طور دقیق بررسی می‌شدند؛ بنابراین به ۱۱ سال حبس و اعزام به اردوگاه‌های کار اجباری محکوم شد. در ۱۹۵۱، خاطراتش از دستمایه کتاب «یک روز از زندگی ایوان دنیسویچ» کرد که ماجرایش در اردوگاه‌های مخوف سبیری می‌گذشت؛ او واقعیت خشن زندگی یک محکوم را وصف کرده بود که خیال آزادی را هم فراموش کرده است. این کتاب با دخالت مستقیم خروشچف منتشر شد و اقبال فراوانی یافت. نامه‌های زیادی به نویسنده رسید از کسانی که خودشان طعم تلخ زندگی در سبیری را چشیده بودند. سولژنیستین با بسیاری از

دهخدا، خدایگان ادب فارسی



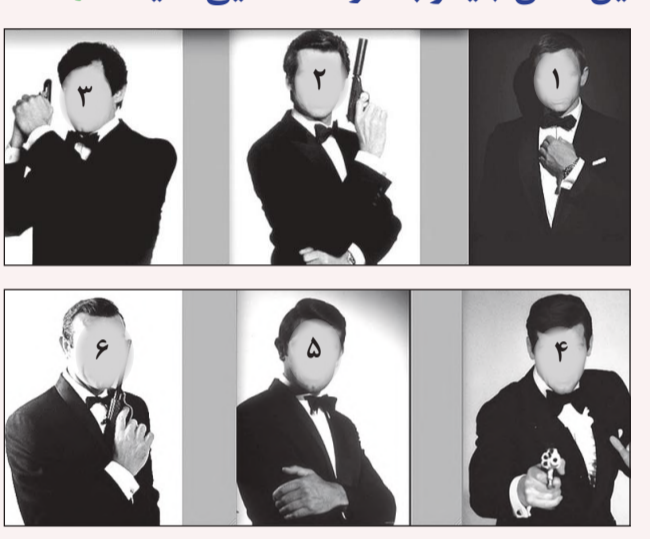
علی اکبر دهخدا

علی اکبر دهخدا فرزند خانیبا قزوینی، از خاندان مالکان متوسط آن دیار بود. در سال ۱۲۵۷ هجری شمسی در تهران به دنیا آمد و علوم قدیمه را در پایتخت فرا گرفت و از محضر آقا شیخ هادی نجم‌آبادی کسب فیض کرد و مدتی در مدرسه علوم سیاسی به تحصیل کمال پرداخت و زبان فرانسه آموخت و چندی در اروپا سمتی رسمی و دولتی داشت و پس از بازگشت که مصادف بود با نهضت مشروطیت، نویسندگی روزنامه معروف «صوراسرافیل» را به عهده گرفت و با شادروان میرزا جهانگیر خان همکاری می‌کرد و مقالات گوناگون و پرمعنایی زیر عنوان «چرند و پرند» به امضاء «دخو» می‌نوشت که خوانندگان فراوان داشت و اثری ژرف در افکار باقی گذاشت. دهخدا پس از بمباران مجلس در ۱۳۲۶ هـ. ق. به فرنگ گریخت و چهار شماره از «صوراسرافیل» را در سوئیس منتشر کرد از آن پس با روزنامه «سروش» استانبول همکاری داشت و بعد از سقوط حکومت محمد علیشاه به ایران بازگشت و به نمایندگی مجلس شورای ملی منتخب گشت و

۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ

- در صفحه ۱۷
- شهرستان «پاوه» در کدام استان ایران قرار دارد؟
 - کرم‌ناشاہ ۲ - کردستان ۳ - لرستان ۴ - آذربایجان غربی
 - بشر به طور متوسط چند بار در روز پلک می‌زند؟
 - ۵۰۰ بار ۲ - ۱۵۰۰ بار ۳ - ۲۵۰۰ بار ۴ - ۱۵ هزار بار
 - حدوداً چند درصد مردم جهان چپ دست هستند؟
 - ۱۳ درصد ۲ - ۲۳ درصد ۳ - ۳۳ درصد ۴ - ۴۳ درصد
 - کدام شطرنج باز جهان از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ قهرمان مطلق شطرنج جهان شد؟
 - ۱ - بابی فیشر ۲ - ویکتور کورچنوی ۳ - آناتولی کارپف ۴ - کاسپاروف
 - کدام قهرمان کشتی فرنگی ایران ۵ بار قهرمان جهان شد؟
 - ۱ - محمد پذیرایی ۲ - حمید سوربان ۳ - فردین معصومی ۴ - محمد فرهنگ دوست
 - کدام تنیس باز جهان در یک سال تورنمنت‌های: ویمبلدون، رولند گاروس، یواس. اوپن و استرالیا را برد؟
 - ۱ - راد لیور ۲ - جان مک انرو ۳ - آرتور اش ۴ - راجر فدرر
 - «کنلن معمر قذافی» در چه سالی در کشور لیبی به قدرت رسید؟
 - ۱ - ۱۹۶۸ ۲ - ۱۹۶۹ ۳ - ۱۹۷۰ ۴ - ۱۹۷۱
 - نقش اول فیلم پلیسی «بولت» به معنای «گلوله»، ساخته شده در سال ۱۹۶۸ را چه کسی بازی کرد؟
 - ۱ - رابرت ردفورد ۲ - پل نیومن ۳ - کلینت ایستوود ۴ - استیو مک کوئین
 - نام شمشیر حضرت علی چه بود؟
 - ۱ - ذوالجناح ۲ - ذوالقدر ۳ - ذوالفقار ۴ - ذوالیمین
 - شهر «هیبرنیا» در کجا قرار دارد؟
 - ۱ - انگلستان ۲ - ولز ۳ - ایرلند شمالی ۴ - اسکاتلند

این شش جیمز باند را شناسایی کنید!



۴	۵		۶		
	۷		۲	۵	۴
	۸				۹
		۵		۹	
		۵		۴	۷
۱	۳		۲		۵
۸		۶			۲
	۶	۹	۳		
	۷				۱
					۴

جدول اعداد (سودوکو)

۳					
		۱			
	۲				
		۴		۵	
			۶	۲	

عمودی:

- داستانسرا و چهارپایان نویسنده معروف معاصر و فقید ایران و خالق «ثریا در اغما»
- نام یکی از جنگهای عمر با آخرین پادشاه ساسانی - بی‌دینان
- از دام‌ها - پریشان و مضطرب - شهری قدیمی در ایران
- تاج محل در آنجاست - مخلوطی از شن، ماسه و آهک
- درخشان - از

حل جدول شماره قبل

۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵
۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶	۶
۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷
۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸	۸
۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰
۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱

افقی:

- از شعرای پارسی‌سرای شبه‌قاره هند
- موفق و هماهنگ - از مرکبات
- رسم روز - پایتخت کشوری است - جنس مؤنث
- از شعرای برجسته و معاصر ایران
- خوشی و لذت - مؤثر
- پرو یکی از ادیان - گلی است
- اخذ کردن و فرا گرفتن
- قسمتی از صورت -

جدول اعداد (سودوکو)

عمودی:

- گوبنده توانا و قدیمی تلویزیون ملی ایران
- کوچ کننده - عصاره - قصری در اروپا
- خاوروبار - گوشت خردشده تفت داده شده - مزاج و شوخی
- ثنا - زخم‌بندی
- از رؤسای پیشین دانشگاه تهران - علمی است
- تکرار یک حرف - ناشنوا - جلگه‌ای در جنوب تهران
- تهور - حماسه‌سرای نامدار یونانی و خالق «پلیاد» و «ادیسه» - از حرکات آب - مادر به‌عربی
- منسوب به دین - ستاره - همشکلی
- نوشته شده - به دور ماه است - خاندان
- از اعضای داخلی بدن انسان - اندام - تهمت
- لاغر و ضعیف - گلی است - آینده - طولانی‌کننده
- بیماری‌ها - مکاتبه
- «سوی» را به‌هم بریزید - پایتخت کشوری است - دشمن نقد
- نوار تزئینی - صدایی در اپرا - شهری در ایران - از ادوات استفهام
- داخلی - موقعیت

افقی:

- پایتخت کشوری است - وسط
- آب جاری - از شاهان کیانی - خواننده‌ای خوش صدا و قدیمی از کشور ما
- کنار گذاشته شده - از شاهان ساسانی
- نویسنده، متفکر و مترجم گرانمایه و فقید معاصر ایران - بلندی
- از امراض - گردآوردن
- دودی - قسمتی از بال هواپیما - پدر
- اثری از بزرگ علوی
- کانال - صاحب - پاپوشی است
- تنیس‌باز قدیمی ایران با شهرت جهانی
- بلندی‌های زمین - ترساندن
- جنس مذکر - سرزنش

خوانندگان عزیز ما با نام اشرف یزشکیور (ا.ب.تکزیاس) و رشحات قلمی ایشان - به قول قدما - آشنایی دارند.

آقای یزشکیور، از صاحب منصبان وزارت کشور و از آن جمله «جوانان سابق» است که گذر عمر خوشبختانه از ذهن فعال و طبع و قواد ایشان چیزی نکاسته و شاهد آن، علاوه بر مطالبی که گهگاه در «کیمیا» نگاشته‌اند، دفتر خاطراتی است که با عنوان «گذر عمر» به چاپ رسانده‌اند.

بخشی از این دفتر، به خاطراتی از دوران خدمتشان به عنوان فرماندار همدان، شهردار مشهد، فرماندار تبریز و معاون استاندار آذربایجان و دیگر مأموریت‌های دولتی اختصاص دارد و بخش دیگر - که آن را ما برای مطالعه شما برگزیده‌ایم - به خاطرات جوانی و دوران تحصیل.

در این قسمت، نویسنده کتاب شما را با خود در فضای اجتماعی و فرهنگی ایران هفتاد سال پیش، در کوچه و خیابان تبریز و تهران گردش می‌دهد و از مردم آن روزگار، از مدرسه‌ها، از معلمان، از دانشکده حقوق و استنادی چون دکتر ولی‌الله خان نصر، صدیق حضرت مظاهر، ابوالحسن فروغی، شیخ محمد سنگلجی و ذکاءالدوله غفاری یاد می‌کند.

خاطرات، از آن رو که با بیان شیرین و نثر روان و نکته‌ها و تلمیحات همراه است، خواننده را به دنبال می‌کشاند. با هم می‌خوانیم...

در تلاش معاش و جستجوی کار

بعد از این مقدمه که متأسفانه طولانی هم شد به نظر آمد که برای سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت و بیکاری گوشه‌هایی از خاطرات دوران حیات و خدمت در دستگاه‌های دولتی را که ممکن است از نظر تاریخی و اوضاع اجتماعی در شصت هفتاد سال پیش جالب و خواندنی باشد، برای آگاهی فرزندان و آمدگان و نامآمدگان به رشته تحریر درآورم، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. اما درباره دواستان و سرورانی که این مجموعه به عنوان هدیه از طرف ارادتمند و یا بر حسب تصادف به دستشان می‌رسد، ناگزیر از اشاره به داستان آن مفتش هستم که در رسیدگی به شکایات مأمورین در یک شهرستان و در برخورد با یک نفر از شاکیان که خیلی هارت و پورت می‌کرد، از او پرسید مواجبت چند است؟ جواب داد سی و دو تومان. مفتش بی‌درنگ به او گفت به اندازه مواجبت حرف بز. (گفتنی است در آن ایام که ما را وقت خوش بود، حقوق یک کارمند پایه یک، با دو تومان اعطائی ملوکانه، جمعاً بالغ بر سی و دو تومان می‌شد.) حال شما خواننده گرامی قدرت ریال و این پول به ظاهر ناقابل را بنگرید که یک کارمند زندگی، یک عائله را بدون آنکه نیاز به فعالیت‌های جنبی و کار دوم و سوم نظیر آنچه که در حال حاضر در میهن ما مأمورین دولت باری گذران زندگی ناگزیر از آن هستند داشته اداره می‌کرد و خم به ابرو نمی‌آورد!

مقصودم از این حکایت آن است که اگر شما خواننده گرامی هم آماده خواندن و شنیدن خاطرات یک مواجب بگیر سی و دو تومانی باشید و توقع و انتظار بیش از حد و مواجب او را نداشته باشید، زهی مایه امتنان و سیاسی است.

از آنجا شروع می‌کنم که بعد از فراغت از تحصیل و در پایان خدمت وظیفه، به فکر استخدام در دستگاه‌های دولتی افتادم و چون رشته تحصیلی من علوم سیاسی بود، در درجه اول به درد استخدام در وزارت خارجه می‌خورد. یک روز به همراه یکی از رفقا برای تقدیم درخواست شغل در وزارت امور خارجه، خدمت رئیس اداره کارگزینی رسیدیم. ایشان بعد از مطالعه درخواست، نگاهی به سراپای ما دو جوان انداخت و گفت در حال حاضر پست خالی برای استخدام نداریم اما شما می‌توانید چند ماه به طور استاژ در یکی از ادارات مشغول کار شوید که به طرز کار اداری آشنا شوید اگر در این مدت پست خالی پیدا شود، استخدام می‌شوید.

گذر عمر: خاطراتی از گذشته‌های دور (۶)

سرنوشت، مرا که لیسانسیه حقوق سیاسی بودم از ورود به وزارت خارجه بازداشت و روانه وزارت کشور کرد! **هوایماهای شوروی بر سر شهر بمب می‌ریختند و استاندار و همراهان به زیرزمین تنگ و تاریک بنای قدیمی شمس‌العماره پناه برده بودند**

کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین



اشرف یزشکیور در میان پدر و برادرانش

بودند، از قرار نامه‌ای به فرمانده لشکر، سدید شاه بختی سرلشکر آن روز می‌نویسند. در جواب نامه‌ای از رئیس ستاد لشکر به این مضمون می‌رسد، که نامه شما به عرض رسید، این طور مقرر فرمودند. البته مستوفی کسی نبود که این بی‌احترامی را بی‌پاسخ بگذارد. در جواب نامه را به ستاد بر می‌گرداند و می‌نویسد، این طرز نامه‌نگاری شاه بختی در جواب می‌نویسد اگر بخوایم وارد این مسائل بشویم و ایراد بگیریم، گفتنی زیاد است. بهترین شاهد با اینکه حسب الامر جهان مطاع‌القاب و عناوین بکلی ملغی شده، هنوز هم مردم به شما حضرت اشرف خطاب می‌کنند و شما ایراد که نمی‌گیرید سهل است خوشتان هم می‌آید. در اینجا باید یادآور شوم که من دسترسی به اصل نامه‌ها نداشتم و آنچه در اینجا می‌آورم، مسموعات و نقل به مضمون است.

مستوفی در جواب می‌نویسد: «اگر نادانان گاهی به من و متعلقان همیشه به شما حضرت اشرف خطاب می‌کنند...» متأسفانه باقی داستان را نمی‌دانم. اینجا باید یادآور شوم در تبریز هم ایشان را حضرت اشرف خطاب می‌کردند و می‌کردم و ایراد نگرفتند، اما یادم هست وقتی شادروان حاج مکاتباتشان با لقمان نفیسی رئیس اداره کل غله که برای حل مشکل نان در آذربایجان به خراسان تبریز آمده بود. با آن سبک مخصوص و قلم کوبنده امان طرف را می‌پریدند و با وزارتخانه‌ها هم همین رویه را به کار می‌بردند. چنانکه یک بار مرحوم علی اصغر حکمت وزیر نوشت در فلان نامه به وزارت کشور اهانت شده نویسنده پیش‌نویس را معرفی کنید تا مورد مؤاخذه قرار گیرد. مستوفی در جواب نوشت، در این استان نامه‌ای صادر نمی‌شود مگر آنکه نامه را خودم انشا کرده باشم، یا دستور جواب را پای نامه داده باشم و در آن نامه هم خدای ناکرده از ره توهین به مقام وزارت، بل نظر تنبیه کارمندان و مسؤولین ادارات بوده بر نمد چوبی، اگر آن مرد زد بر نمدکی چوب زد برگرد زد، معروف است. موقعی هم که استاندار آذربایجان غربی

«شرح زندگانی من و تاریخ دوران قاجاریه» مستغنی از تعریف و توصیف است از افتخارات و شانس‌های خودم در دوران خدمت می‌دانم. هرگز آن روزها و آن موقعیت بسیار گرانبها را که تقدیر بر سر راه من قرار داده بود و در واقع برای من حکم تحصیل در یک دانشگاه را داشت، فراموش نمی‌کنم. اما اعتراف می‌کنم که متأسفانه آن زمان من جوان بودم و تجربه امروز را نداشتم اگر چه به قدر استعداد و توانم سعی خودم را کردم که از فیض حضور و خدمت در

یک روز بعد از ظهر حضور مرحوم که به وزارتخانه رفته معلوم شد اعلام موافقت کرده‌اند و من با پایه سه و حق‌الکفاله پایه ۵ با ۲۹ تومان حقوق، به سمت رئیس دفتر استانداری منصوب و عازم تبریز شدم.

امروز وقتی فکر می‌کنم که اگر به جای تبریز، مجبور به اقامت در تهران و یا عزیزمت به مأموریت در یک شهرستان می‌شدم، چگونه می‌توانستم با این حقوق زندگی کنم، جای تأمل دارد.



اعضای دولت موقت ملی از چپ: محمد علی نظام مافی، امان‌الله اردلان، سید حسن مدرس، رضاقالی مافی، محمد علی فرزین، حسین سمیعی، قاسم صوراسرافیل

مستوفی شرفیاب شدم. ایشان به گرمی مرا پذیرفتند، از تحصیلاتم پرسیدند و اینکه آیا فرانسه می‌دانم و می‌توانم صحبت کنم یا خیر که جواب من نیز مثبت بود، چون پدرم موقعی که من در کلاس ششم ابتدایی بودم، به من و خواهرم در اوقات فراغت فرانسه درس می‌داد. یادم هست ابتدا صرف دو فعل کمکی داشتن و بودن را که در دانستن زبان فرانسه نقشی مهم دارد، یاد گرفتیم و به تدریج با این زبان آشنا شدم.

خلاصه کارم را شروع کردم که در بادی امر خدمت زیر دست مردی مانند عبدالله مستوفی به نظرم مشکل می‌نمود، و چون به طرز کار اداری آشنا نبودم، پیش‌نویس‌ها را منشی‌ها می‌نوشتند. معمولاً ایشان قبل از پاک‌نویس پیش‌نویس‌ها را می‌دیدند که پاراف می‌کردند و گاهی هم تصحیح می‌کردند. یک روز به من گفتند من به خط شما پیش‌نویس نمی‌بینم، فرزند تو مایه‌داری، بنویس. و از آن به بعد من شروع به نوشتن کردم و در مدت کوتاهی چم و خم کار را به دست آوردم. باید اذعان کنم در قبال تأسفی که از انصرافم از استخدام در وزارت امور خارجه در دل داشتم این حسن تصادف و آغاز خدمت در مکتب شادروان عبدالله مستوفی را که اثر معروف او

گفت استاندار آن روز به من قول داد که در تبریز خواهد ماند و پست خود را ترک نخواهد کرد. آن روز گذشت و عصر شد و من در دفتر مشغول کشف تلگرام رمز سهیلی وزیر کشور بودم که نوشته بود دیشب شرفیاب شدم، اعلیحضرت فرمودند پس استاندار چه می‌کند، چرا از تحرکات آن سوی مرکز گزارش نمی‌دهد. روس‌ها دارند تدارک حمله می‌بینند، استاندار خبر ندارد. با شنیدن صدای پرواز هواپیما فوری خودم را به استاندار که به همراه فرماندار با نگرانی پرواز هواپیماها را تماشا می‌کردند، رساندم. با نزدیک شدن هواپیماها دیگر مجال درنگ نبود، با عجله خودمان را به طبقه زیرزمین شمس‌العماره رساندیم که لابی‌رنت عجیبی بود و دهلیزهای تو در تو و پیچ در پیچ خطرناک داشت که من تا آن روز آن طبقه را ندیده بودم و به تصور اینکه در آنجا از خطرات احتمالی بمباران در امان خواهیم بود، لحظات بسیار وحشتناکی را گذراندم. در طول آن چند دقیقه که فکر می‌کردیم در پناهگاه و جای امن قرار داریم. طولانی‌تر از سال به نظر آمد. هر بار که صدای انفجار بمب‌ها را در بالای سرمان در اطراف استانداری می‌شنیدیم. عمارت کهنه و قدیمی شمس‌العماره طوری به لرزه در می‌آمد که هر آن انتظار فرو ریختن ساختمان را بر سرمان داشتیم و ناخودآگاه در همان دهلیز تنگ و کوتاه سرمان را خم کرده و دولا دولا با دو دست کمر نفر جلویی را گرفته و سعی می‌کردیم به هم بچسبیم تا مگر از خطر در امان باشیم و در این حالت بمب بر سر ما فرود نیاید یا اگر آمد، کاری نکنند!

خلاصه الآن هم که بعد از گذشت سالیان دراز مشغول نوشتن خاطره آن روز شوم هستم، خودم را در آن حال و هوا می‌بینم و ترس بر می‌دارد و با خودم می‌گویم «ما را به سخت جانی خود، این گمان نبود!» باری، صدای پرواز هواپیماها قطع شد و ما از زیرزمین بیرون آمدیم. تا یادم نرفته بگویم خانواده استاندار همان روز سوم شهریور به اتفاق خانواده‌های فرمانده لشکر «به همراه رئیس شهرپای» و خانواده‌اش تبریز را به مقصد تهران ترک گفته بودند. من به استاندار پیشنهاد کردم ماندن شما در اینجا و در این موقعیت به نظر بنده درست نیست، لطف کنید به اتفاق آقای هدایت تشریف بیاورید منزل پدرم ببینیم تا چه زاید سحر. مرحوم اردلان در جواب من گفتند، بیائیم منزل شما، رئیس دفتر استاندار که هستی، بهائی هم که هستی، فردا مردم می‌ریزند سرمان. نه این کار را صلاح نمی‌دانم. من جوابی به ایشان ندادم اما از طرز نگاه من ایشان متوجه ناراحتی من شدند. گفتند مگر تو بهائی نیستی؟ عرض کردم تعجب می‌کنم از این که یک سال است در خدمتتان مشغول کارم و مرا نشناختید. خندیدند گفتند با مزه است. اوایل ورود آمدند به من گفتند کارها همه درست است اما یک اشکال در کار است و آن اینکه رئیس دفتر شما بهائیت است. این اولین اتهام در طول خدمت در وزارت کشور بود که بر من وارد شد، دومی و سومی را هم بعدها از سر گذراندم که شرحش به موقع خواهد آمد. باری، بعد از این مکالمه، استاندار متقاعد شد که شب را در خانه پدرم بخواهد. در این موقع یک سرباز موتور سوار آمد، پیغامی از طرف فرمانده لشکر آورد که از استاندار خواسته بود فوری به دیدن او بروند. قرار شد من و آقای هدایت برویم خانه و منتظر ایشان باشیم. ما رفتیم و از ترس بمباران در زیر زمین خانه در روشنایی یک شمع برای احتفا از دید هواپیماها نشستیم و منتظر استاندار بودیم که یک ساعت بعد راننده استاندار با پیامی از طرف ایشان برای آقای هدایت آمد که از او خواسته بود هر چه زودتر به استانداری برود و معلوم شد شبانه تبریز را ترک گفتند. من عقیده دارم استاندار ابتدا قصد رفتن و ترک تبریز را نداشته ولی ندانستم در ملاقات با سرلشکر موعوبی چه گفتند و شنیدند که تصمیم به رفتن گرفتند. آن روز و آن شب وحشتناک گذشت، دیگر شهر بی‌صاحب شده بود.

تصویب بی سروصدای «کنوانسیون پالمو» با چراغ سبز «رهبر»



نشست مربوط به کنوانسیون پالمو، نوامبر ۲۰۰۰

ساختن فعالیت‌های اقتصادی سپاه با استفاده از اختیارات شخصی به عنوان «رهبر» چند میلیارد دلار از بودجه صندوق اضطراری برای تقویت تسلیحاتی سپاه اختصاص یافت.

علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و روابط خارجی مجلس شورای اسلامی برای شاکیان توضیح داده امتیازات و منافع این کنوانسیون برای ایران که در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها، دستش از تمامی مراکز مالی و بانکی بین‌المللی کوتاه شده و با مشکلات گوناگون در زمینه داد و ستد با بقیه دنیا و دریافت پول فروش نفت ندارد زیرا هم دست اندرکاران رژیم هم مردم به خوبی می‌دانند که اقتصاد دیگر در این زمینه است.

او به این ترتیب سعی کرده بگوید برای کشورهایی از نوع ایران راهی جز تبعیت و همکاری با سیستم اقتصادی مالی و بانکی جهان پیشرفته وجود ندارد زیرا هم دست اندرکاران رژیم هم مردم به خوبی می‌دانند که اقتصاد دیگر در این زمینه است.

بروجردی ادامه داده بعد از امضای توافق هسته‌ای نیز سیستم بانک‌های بزرگ دنیا با ایران فعال نشد. او در پاسخ به انتقاد بعضی نماینده‌ها به

مینو یگانه - یکی از مسئولان رژیم سرانجام به انتقاد و اعتراض برخی از خودی‌ها به دلیل تصویب کنوانسیون پالمو در مجلس واکنش نشان داده است.

علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و روابط خارجی مجلس شورای اسلامی برای شاکیان توضیح داده امتیازات و منافع این کنوانسیون برای ایران که در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها، دستش از تمامی مراکز مالی و بانکی بین‌المللی کوتاه شده و با مشکلات گوناگون در زمینه داد و ستد با بقیه دنیا و دریافت پول فروش نفت ندارد زیرا هم دست اندرکاران رژیم هم مردم به خوبی می‌دانند که اقتصاد دیگر در این زمینه است.

بروجردی به معترضین به دور شدن جمهوری اسلامی از حزب‌الله به دلیل پایبند شدن به این کنوانسیون که تشکیلاتی مانند حزب‌الله و سپاه و بسیج را تروریست می‌داند با زبان بی‌زبانی یادآور شده که در حال حاضر



علاءالدین بروجردی

دلیل پیوستن به این کنوانسیون و خیانت‌آمیز خواندن آن توضیح داده معمولاً در این توافق‌ها و کنوانسیون‌ها از مسائلی که مد نظر بعضی کشورهای عضو نیست به عنوان تحف یا رزرویشن یاد می‌شود و دولت‌ها با استفاده از این حق بخشی از توافق را اجرا نمی‌کنند.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نیز در اطلاعیه‌ای ضمن برشمردن ویژگی‌های خاص و منافع مهم این کنوانسیون تاکید کرده که عضویت در این کنوانسیون زمینه مناسبی برای همکاری‌های بزرگ دنیا با ایران منطقه‌ای با دیگر کشورهای عضو در مقابل با تهدیدهای ناشی از جرایم سازمان یافته به ویژه در همکاری‌های قضایی و استرداد مجرمین فراهم می‌کند و در مسائلی مانند قاچاق اموال و اشیاء تاریخی برای کشور جمهوری اسلامی می‌تواند با استفاده از امکانات این کنوانسیون در سطح بین‌المللی اقدامات قضایی خود را ارتقاء دهد.

تصویب بی سر و صدای کنوانسیون پالمو در مجلس شورای اسلامی بدون مخالفت نمایندگان و به دنبال آن تأیید و توجیه همه جانبه رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی جای تردید باقی نمی‌گذارد که این کنوانسیون با چراغ سبز «رهبر» و به دلیل نگرانی‌های وی از نابسامانی‌های اقتصادی و عواقب اجتماعی آن و جلوگیری از تکرار تظاهرات و اعتراضات سراسری انجام گرفته است.

اولویت با تأمین منافع حیاتی حکومت است که با تصویب کنوانسیون پالمو می‌توان به برداشته شدن هر چه زودتر موانع موجود در راه برقراری رابطه با موسسات و مراکز مالی و بانکی جهان و جلوگیری از تکرار حوادثی مانند طغیان اخیر مردم در ایران که به گفته تحلیل‌گران وابسته به «بیت رهبری» نیز فقر و بیکاری در آن نقش بسیاری داشته جلوگیری نمود. وی به‌طور خلاصه به دلیل تصویب کنوانسیون پالمو اشاره کرده و گفته به علت فشارهای آمریکا سیستم‌های مالی بانک‌های بزرگ دنیا با ایران فعال نشده‌اند و در این مدت در تنگنا قرار داشته‌ایم.

این اعتراف یعنی آنچه در این سال‌ها رهبر رژیم، فرماندهان سپاه، بسیج و مقامات دیگر حکومت درباره اینکه تحریم‌ها باعث خودکفا شدن بخش‌های نظامی و صنعتی کشور شده ادعایی توخالی بیش نبوده است. ضمن آنکه به دلیل اعتراضات و شعارهای معترضین حوادث اخیر در رابطه با هزینه‌های غیرلازم رژیم در داشتن پایگاه و هزاران نیرو در سوریه و کمک‌های مالی به حزب‌الله لبنان و حماس، خامنه‌ای ناچار شد برای ساکت کردن آنها فعالیت‌های اقتصادی غیر مرتبط را برای ارتش و سپاه ممنوع اعلام کند اما به منظور سیر کردن شکم صدها هزار نیروی شاغل در بخش‌های نظامی و خرید جنگ‌افزار همچنان به میلیاردها دلار نیاز است؛ به همین دلیل چند روز پس از دستور جهت پیگیری محدود

نشست «شفافیت و رسانه» در غیبت امنیت شفافیت و آزادی رسانه‌ها

گزارش کیهان لندن از تهران:



استقبال مخاطبان از نشست «شفافیت و رسانه»

رسانه‌ها اطلاع‌رسانی نکنند و بدی‌ها و خوبی‌ها را نگویند کسی هم نمی‌تواند نپهی از منکر کند. اگر امروز می‌خواهیم جامعه اسلامی داشته باشیم باید به رسانه‌ها فرصت شفاف‌سازی بدهیم. رسانه‌ها باید بتوانند شفاف و آزاد سخن بگویند که در کشور ما آن‌طور که باید این شرایط حاکم نیست؛ البته در این میان برخی از رسانه‌ها هم به خاطر منافع و روابطی که دارند برخی موضوعات را اصلاً عنوان نمی‌کنند.

توکلی ادامه داد: «در دادگاه‌هایی که شرکت کرده‌ام بارها به قضات گفته‌ام که روش‌تان اشتباه است و حرف زور و مستقیم‌تر جامعه قبول نمی‌کند. بنده عقیده دارم که روش BBC در القاء مطلب درست است.»

این عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام رژیم سپس افزود: «اگر قرار باشد رسانه‌ها حرف بزنند و شفاف‌سازی کنند باید بپذیریم که اشتباهات آنها نیز اجتناب‌ناپذیر است و نباید آنها را برای اشتباهاتی که به عمد انجام ندادند، مواخذه کرد. به هر حال ما برای مبارزه با فساد به شفافیت نیازمندیم و باید نگاهمان به تأمین‌کنندگان شفافیت یعنی همان رسانه‌ها متفاوت باشد.»

احمد توکلی در ادامه تأکید کرد، «باید افشاجاری در مورد مسئولان خط قرمز باشد این در حالیست که دادگاه بین‌خبر و نظر فرق نمی‌گذارد، نباید بگوید نظر را سانسور کنید.»

حاشیه‌های نشست: با قانون مطبوعات فعلی هیچ کاری نمی‌شود کرد

یکی از مهمانان این نشست مینو خالقی، منتخب پیشین اصفهان در مجلس شورای اسلامی بود؛ همان نماینده‌ای که اعتبارنامه او را به پنهان عکس‌هایی که از وی منتشر شده بود باطل کردند و شورای نگهبان او نمایندگی وی را رد کرد. او در پایان این جلسه خطاب به محمود صادقی گفت که شما نمایندگان باید برای اصلاح قانون مطبوعات تلاش کنید.

وی همچنین گفت، «ما نمی‌توانیم شکل را از فرانسس بیاوریم ولی از سوی دیگر چیزی دیگر را اجرا کنیم.» مینو خالقی همچنین تأکید کرد، «ما به صورت بنیادی در موضوع رسانه و نظارت با اشکالات جدی روبرو هستیم که بنده معتقدم با قانون مطبوعات فعلی هیچ کاری نمی‌شود کرد.»

این جلسه با نمایش یک دوگانگی واقعی بین حرف و عمل مدعیان «شفافیت» به پایان رسید. احمد توکلی که مدیر موسسه‌ای است که عنوان «شفافیت» را یدک می‌کشد گرفتار مشکل و دوگانگی بین حرف و عمل شد؛ یکی از مهمانان خطاب به او گفت: «در افشاجاری‌ها به صادقی کمک کنید» و توکلی پاسخ داد: «انشالله، حالا ببینیم چی میشه!»

در سال ۲۰۰۰ به معیارهای اصلی رسانه‌های مستقل و آزاد از دید خود از ۲۰۰ سال پیش برمی‌گردد یا اینکه صدا و سیمای ما در انحصار حکومت است موضوعی است که ممکن است در دنیا فقط سه کشور اینگونه باشند.» این استاد ارتباطات با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بیان کرد: «وقتی انقلاب شد عضو هیات علمی دانشگاه بودم و بسیار خوشحال بودم از اینکه نظام کشور ما قرار است دموکرات شود. بعد از دولت آقای بازرگان، وزیر ارشاد آن دوره از بنده و چند نفر دیگر دعوت کرد تا در جلسه‌ای حاضر شویم. در آن جلسه ما مطرح کردیم که روابط عمومی می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. او در پاسخ به صحبت‌های ما گفت که حرف‌های غربی نزنید. کار روابط عمومی این است که مردم را بگذارد توی قطار و ببرد همان جایی که امام گفته است. من در پاسخ به او گفتم چه تضمینی است که در راه مردم پیاده نشوند؟» یادآوری

از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأیید بگیرند و این قانونی است که به بیش از ۲۰۰ سال پیش برمی‌گردد یا اینکه صدا و سیمای ما در انحصار حکومت است موضوعی است که ممکن است در دنیا فقط سه کشور اینگونه باشند.» این استاد ارتباطات با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ بیان کرد: «وقتی انقلاب شد عضو هیات علمی دانشگاه بودم و بسیار خوشحال بودم از اینکه نظام کشور ما قرار است دموکرات شود. بعد از دولت آقای بازرگان، وزیر ارشاد آن دوره از بنده و چند نفر دیگر دعوت کرد تا در جلسه‌ای حاضر شویم. در آن جلسه ما مطرح کردیم که روابط عمومی می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد. او در پاسخ به صحبت‌های ما گفت که حرف‌های غربی نزنید. کار روابط عمومی این است که مردم را بگذارد توی قطار و ببرد همان جایی که امام گفته است. من در پاسخ به او گفتم چه تضمینی است که در راه مردم پیاده نشوند؟» یادآوری

بخشی از صحبت‌های صادقی نیز به فضای مجازی اختصاص داشت که



انتقادات کنایه‌آمیز مینو خالقی

گفت: «امروز با گسترش شبکه‌های اجتماعی انحصار صدا و سیما تا اندازه‌ای شکسته شده است و مردم اخبار را بیشتر از شبکه‌های اجتماعی پیگیری می‌کنند؛ البته منظور من این نیست که تسلیم این شرایط شویم اما همین شرایط به‌گونه‌ای انحصار صدا و سیما را کاهش داده است.»

به بنده می‌گویند احتیاط کن!

وی در ادامه با اشاره به افشاجاری‌هایی که گاهی از سوی او منتشر می‌شود اظهار کرد: «برخی نمایندگان در مجلس مدام به بنده می‌گویند احتیاط کن، که بنده بارها در پاسخ به همکارانم گفتم‌ام که اگر قرار بود بنده احتیاط کنم و یا حرفی نزنم اصلاً نماینده نمی‌شدم.» وی همچنین عنوان کرد در مجلس کسانی هستند که اطلاعاتی درباره فساد دارند که به دلیل اینکه ممکن است پس از افشای اینگونه اخبار از سوی برخی نهادها تهدید شوند اخبار را منتشر نمی‌کنند. او تأکید کرد «در کشور ما افرادی که می‌خواهند فساد را افشا کنند، احساس امنیت نمی‌کنند.»

اطلاع‌رسانی: امر به معروف و نهی از منکر!

آخرین سخنران نشست «شفافیت و رسانه» احمد توکلی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رییس «دیده‌بان شفافیت و عدالت» بود. او ابتدا گفت که تلاش می‌کند از منظر دین به موضوع شفافیت در رسانه‌ها بپردازد؛ سپس در اظهارتی که یک سرش به عبادت و امر به معروف و نهی از منکر می‌رسید و سر دیگری به موضوع اطلاع‌رسانی، گفت: «اگر

محسنیان راد: با سیستم موجود حاکم بر رسانه‌ها در ایران کشف فساد و دیده‌بانی از سوی رسانه‌ها امکان‌پذیر نیست.

محمود صادقی: در کشور ما افرادی که می‌خواهند فساد را افشا کنند، احساس امنیت نمی‌کنند.

احمد توکلی: در دادگاه‌ها گفتم روش‌تان اشتباه است و حرف زور را جامعه قبول نمی‌کند، روش BBC در القاء مطلب درست است.

عصر روز دوشنبه، نهم بهمن، نشست با عنوان «شفافیت و رسانه» با رویکرد بررسی «چالش آزادی رسانه‌ها در مبارزه با فساد» با حضور مهدی محسنیان‌راد، احمد توکلی و محمود صادقی نماینده مجلس دهم که این روزها افشاجاری‌های او در مورد وضعیت بازداشتی‌های اعتراضات سراسری و سعید طوسی متجاوز قرآنی جنجالی شده در تهران در سالن پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد.

به گزارش کیهان لندن از تهران، مهدی محسنیان‌راد استاد علوم ارتباطات در ابتدای این نشست ضمن ارائه مقدمه‌ای درباره جوامعی که مبنای تفکر و تصمیم‌گیری آنها اسلام است به گزارش «سازمان ادراک شفافیت» [که زیر نظر احمد توکلی اداره می‌شود] پرداخت که خلاصه‌اش در مورد «احساس فساد» در بین مردم کشورهای مختلف جهان است.

محسنیان‌راد گفت، موسسه ادراک شفافیت مدعی است که احساس فساد را اندازه‌گیری می‌کند؛ نه اینکه چقدر یک ساختار فاسد است. طبق آمار ۲۰۱۷ این سازمان مردم‌دانشان ۹۰ کمترین احساس فساد را دارند و کشور ایران نیز نمره ۲۹ را به دست آورده که طبق این آمار میانگین احساس فساد در کشورهای اسلامی رتبه خوبی ندارد.

او ادامه داد: «مطمئنم این موضوع بیشتر در نحوه اداره این جوامع ریشه دارد تا اینکه بر مبنای متون اصلی مذاهب گوناگون باشد. سهم عمده‌ای از این کشورهای اسلامی مستعمره بوده‌اند و در این میان ایران جزو معدود کشورهایی است که مستعمره نبوده است. به طور کلی می‌توان گفت کشور ایران در جهان استثنا و همچنان در گذر از سنت به مدرنیته است.»

وی تصریح کرد: «باید‌های بدون استراتژیک مشکل اصلی جامعه امروز ماست. مجموعه باید‌ها در این ۴۰ سال طی شده بدون اینکه بگویند از چه مسیری و چگونه و این از جمله همین اختلالات است.»

اشکالات اساسی در قانون اساسی

محسنیان‌راد در ادامه سخنان خود کمی وارد خط قرمزهای نظام نیز شد و با اشاره به قانون اساسی جمهوری اسلامی اظهار کرد: «قانون اساسی ما اساساً چند مشکل اساسی دارد. در یکی از مفاد آن گفته می‌شود آزادی عقیده وجود دارد؛ در حالی که این عبارت در جامعه امروزی معنای چندانی ندارد و باید گفته شود بیان عقیده آزاد است یا در بخش دیگری که انحصار تلویزیون و رادیو در اختیار حکومت داده شده است، اصل چندان قابل قبولی نیست. امروز رادیو و تلویزیون ما در انحصار حکومت است. روزنامه جام جم برای تلویزیون، روزنامه همشهری برای شهرداری و روزنامه ایران برای دولت است؛ عملاً مطبوعات پرتیراژ ما هیچ‌کدام مستقل نیستند و شرایط به‌گونه‌ای شده است که همه به روزنامه‌نگاران می‌گویند که چه کارهایی را باید و چه کارهایی را نباید انجام بدهند. در نتیجه همین موارد است که امروز در کشور ما روزنامه‌نگاری تحقیقی وجود ندارد.»

در دنیا فقط در سه کشور رادیو و تلویزیون در انحصار حکومت است

وی با بیان اینکه به‌طور کلی ساختار رسانه‌ای ما به بازسازی نیاز دارد، یادآور شد: «امروز کتاب‌ها و نشریات ما باید

واکنش فرمانده «ارتش انقلابی» به گزارش کیهان لندن:

خدا را شکر صدای ضدانقلاب در آمده!



پنج پج‌های شاه‌صفی فرمانده نیروی هوایی با موسوی. گزارش‌ها در مورد ارتباط فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و دعانویسان قم کم نیست!

برابر فشارهای سنگین دشمنان از ویژگی‌های یک فرمانده انقلابی است.»
فرمانده ارتش جمهوری اسلامی به «پایبندی به استقلال کشور در همه زمینه‌ها» و «حساسیت در برابر دشمن و عدم تبعیت از راه و روش دشمنان» هم اشاره کرد و گفت که اینها نیز از ویژگی‌های یک «فرمانده انقلابی» است.
او سپس بار دیگر به گزارش‌ها و اسنادی که منتشر شده اشاره کرد و با تاکید بر لزوم داشتن «بصیرت» و «خطاب به حاضران گفت «دشمن از تک تک سخنان، موضع‌گیری‌ها و حرف‌ها و رفتارهای ما امکان سوء استفاده دارد و بنابراین باید مراقب رفتار و اعمال فردی و سازمانی خود باشیم.»

بخش دیگری از سخنان او نیز مربوط به شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بود که از آن به عنوان «جنگ‌های نوین» نام برد و گفت: «در این حوزه سیال و در این وضعیت و فضای گسترده، یگان‌هایی می‌توانند پاسخگو باشند که منعطف عمل کنند و فرماندهانی در آینده موفق خواهند بود که قابلیت مدیریت یگان‌های منعطف را در فضای سیال و گسترده نبرد داشته باشند.»

در همایش دانشگاه هوایی محمدحسینی رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، شاه‌صفی فرمانده نیروی هوایی، علیرضا شیخ معاون تربیت و آموزش ارتش، جمعی از فرماندهان ستادکل و تعدادی از فرماندهان و دانشجویان دانشگاه افسری نیروی هوایی و زمینی در سالن حضور داشتند. سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی بعد از حدود سه ماه رسماً به انتشار سند مربوط به تغییر هویت ملی-ایرانی ارتش و جایگزین کردن باورهای انقلابی-اسلامی واکنش نشان داد. او در سخنان خود با اشاره به اینکه مدیریت در ارتش بر مبنای «نظریه ارتش معنویت‌محور فرماندهی کل قوا» است درباره ویژگی‌های یک فرمانده انقلابی صحبت کرد.

موسوی تاکید کرد، «ما در جریانات اخیر چندین موضع‌گیری داشتیم که این تعیین مواضع برای عده‌ای گران آمد و صدای برخی افراد را درآورد که فلانی دارد ارتش ملی را به ارتش انقلابی تبدیل می‌کند. از لندن هم چند صفحه بد و بیراه برای ما نوشتند در این زمینه که شما دارید با مواضع اخیر، ارتش ملی ایران را به ارتش انقلابی تبدیل می‌کنید و بنده گفتم خدا را شکر، وقتی که صدای دشمن درمی‌آید قطعاً کار ما درست است.»

وی تاکید کرد که «انقلابی بودن مهم‌ترین ویژگی یک فرمانده است» و افزود که «پایبندی به مبانی اسلام و انقلاب تا لحظه آخر، هدف‌گیری اهداف انقلاب و تسلیم نشدن در هیچ‌یک از این موارد، از جمله: «بصیرت» و «خطاب به حاضران» و «عدم تبعیت از راه و روش دشمنان» هم اشاره کرد و گفت که اینها نیز از ویژگی‌های یک «فرمانده انقلابی» است.
او سپس بار دیگر به گزارش‌ها و اسنادی که منتشر شده اشاره کرد و با تاکید بر لزوم داشتن «بصیرت» و «خطاب به حاضران گفت «دشمن از تک تک سخنان، موضع‌گیری‌ها و حرف‌ها و رفتارهای ما امکان سوء استفاده دارد و بنابراین باید مراقب رفتار و اعمال فردی و سازمانی خود باشیم.»

بخش دیگری از سخنان او نیز مربوط به شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی بود که از آن به عنوان «جنگ‌های نوین» نام برد و گفت: «در این حوزه سیال و در این وضعیت و فضای گسترده، یگان‌هایی می‌توانند پاسخگو باشند که منعطف عمل کنند و فرماندهانی در آینده موفق خواهند بود که قابلیت مدیریت یگان‌های منعطف را در فضای سیال و گسترده نبرد داشته باشند.»

در همایش دانشگاه هوایی محمدحسینی رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، شاه‌صفی فرمانده نیروی هوایی، علیرضا شیخ معاون تربیت و آموزش ارتش، جمعی از فرماندهان ستادکل و تعدادی از فرماندهان و دانشجویان دانشگاه افسری نیروی هوایی و زمینی در سالن حضور داشتند. سرلشکر سیدعبدالرحیم موسوی بعد از حدود سه ماه رسماً به انتشار سند مربوط به تغییر هویت ملی-ایرانی ارتش و جایگزین کردن باورهای انقلابی-اسلامی واکنش نشان داد. او در سخنان خود با اشاره به اینکه مدیریت در ارتش بر مبنای «نظریه ارتش معنویت‌محور فرماندهی کل قوا» است درباره ویژگی‌های یک فرمانده انقلابی صحبت کرد.

موسوی تاکید کرد، «ما در جریانات اخیر چندین موضع‌گیری داشتیم که این تعیین مواضع برای عده‌ای گران آمد و صدای برخی افراد را درآورد که فلانی دارد ارتش ملی را به ارتش انقلابی تبدیل می‌کنید و بنده گفتم خدا را شکر، وقتی که صدای دشمن درمی‌آید قطعاً کار ما درست است.»
وی تاکید کرد که «انقلابی بودن مهم‌ترین ویژگی یک فرمانده است» و افزود که «پایبندی به مبانی اسلام و انقلاب تا لحظه آخر، هدف‌گیری اهداف انقلاب و تسلیم نشدن در هیچ‌یک از این موارد، از جمله: «بصیرت» و «خطاب به حاضران» و «عدم تبعیت از راه و روش دشمنان» هم اشاره کرد و گفت که اینها نیز از ویژگی‌های یک «فرمانده انقلابی» است.
او سپس بار دیگر به گزارش‌ها و اسنادی که منتشر شده اشاره کرد و با تاکید بر لزوم داشتن «بصیرت» و «خطاب به حاضران گفت «دشمن از تک تک سخنان، موضع‌گیری‌ها و حرف‌ها و رفتارهای ما امکان سوء استفاده دارد و بنابراین باید مراقب رفتار و اعمال فردی و سازمانی خود باشیم.»

ایران در قعر جدول شاخص آزادی بشر

رتبه	کشور	امتیاز	تغییر
154	Iran	4.35	▲ 0.31
155	Egypt	3.86	▼ 0.45
156	Yemen, Republic of	3.02	▼ 0.42
157	Libya	3.79	▼ 0.28
158	Venezuela	5.76	▼ 0.61

آزادی بیان و رسانه، آزادی اقتصادی و تجاری، حق تشکیل حزب و سازمان، و تجمع و اعتراض، همگی در کنار حیطه‌ی قدرت دولت، از جمله این شاخص‌ها هستند. شاخص‌های آزادی از یک تا ده درجه‌بندی شده‌اند. میزان متوسط آزادی‌های انسانی در جهان ۶.۹۳ است. معدل جمهوری اسلامی ایران در زمینه آزادی‌های فردی برابر با ۴.۳۵، آزادی‌های انسانی ۴.۸۳ و آزادی‌های اقتصادی ۵.۳۱ است. حد متوسط این سه شاخص ۴.۸۳ است و در نتیجه ایران ۲.۱ درصد زیر متوسط آزادی‌های انسانی در جهان قرار دارد.

وضعیت در جمهوری اسلامی ایران
در این گزارش به آزادی اقتصادی و تجارت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اشاره می‌شود. نویسندگان گزارش تاکید می‌کنند که آزادی‌های اقتصادی دامنه‌ی قدرت دولت‌ها را کاهش می‌دهد و دسترسی به دیگر آزادی‌ها را آسان‌تر می‌سازد. بدون حکومت قانون نیز، به گفته تهیه‌کنندگان این گزارش، بسیار مشکل است که بتوان از آزادی گسترده در زمینه فردی و اجتماعی برخوردار بود. حضور جمهوری اسلامی ایران در قعر جدول با توجه به اقتصاد رانتی و بیمار که توسط سپاه پاسداران و آقا‌زاده‌ها به اسارت گرفته شده است، تعجب برانگیز نیست. حکومت قانون هم در جمهوری اسلامی، با توجه به عملکرد قوه قضائیه و نیروهای امنیتی که حداقل حقوق مندرج در قوانین خود جمهوری اسلامی ایران را نیز رعایت نمی‌کنند، بدون شک در این جدول مورد نظر قرار داشته است.

قرار گرفته‌اند. البته بیشترین سقوط مربوط به سلطان‌نشین برونی با ۵۲ رتبه و جمهوری قیرقیزستان با ۴۶ رتبه است. در بسیاری از کشورهای آفریقایی وضعیت حقوق انسانی بهبود چشمگیری داشته است: سوازیلند ۲۵، سیرالئون ۲۳ و بوتسوانا ۲۲ رتبه صعود کرده‌اند.

سعود ایران و آمریکا
ایالات متحده آمریکا با تمام انتقادهایی که در زمینه محدودیت آزادی به کاخ سفید وارد شده است، با ۷ درجه ارتقا از رتبه ۲۴ به ۱۷ صعود کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز ۵ پله نسبت به سال گذشته ارتقاء پیدا کرده است. در گزارش قبل ایران در آخرین رتبه قرار داشت. از ۱۵۹ کشوری که در این جدول قرار دارند، شاخص آزادی‌های انسانی در ۶۱ کشور بهبود یافته و در ۹۷ کشور وضعیت بدتری قرار گرفته است.

ایران نیز ۵ پله نسبت به سال گذشته ارتقاء پیدا کرده است. در گزارش قبل ایران در آخرین رتبه قرار داشت. از ۱۵۹ کشوری که در این جدول قرار دارند، شاخص آزادی‌های انسانی در ۶۱ کشور بهبود یافته و در ۹۷ کشور وضعیت بدتری قرار گرفته است. در مقدمه این گزارش اشاره شده است که وضعیت آزادی‌های انسانی در جهان زیر ضربه قرار دارد و از جمله عواملی که از آنها به‌عنوان خطری برای آزادی‌های انسانی نام برده می‌شود، رشد پوپولیسم و عوام‌گرایی است. در این مقدمه به وضعیت روسیه و ترکیه به‌عنوان کشورهای که به‌نوعی آزادی قربانی رشد پوپولیسم شده‌اند اشاره می‌شود.

شاخص‌های آزادی
این جدول بر اساس شاخص‌های بسیاری تهیه شده است. حکومت قانون، امنیت شهروندان، آزادی مذهب، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی،

جمهوری اسلامی ایران
در جدول آزادی‌های انسانی در رتبه ۱۵۴ میان ۱۵۹ کشور قرار دارد. در گزارش قبلی در پایین‌ترین مقام قرار داشت.

اقتصاد و تجارت آزاد، یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی است که در این جدول، در کنار حکومت قانون، مورد نظر قرار گرفته است.

معدل آزادی‌های انسانی در جمهوری اسلامی ایران ۲.۱ واحد زیر میانگین جهانی است.

احمد رأفت - در سومین گزارش سالانه «آزادی‌های انسانی در جهان» که توسط نهاد کانادایی فریزر، بنیاد آلمانی فردریک نیومن و موسسه تحقیقاتی آمریکایی کاتو تهیه و منتشر شده، کشور سوئیس در مقام اول و جمهوری اسلامی ایران در قعر جدول در رتبه ۱۵۴، قرار دارند. پایین‌تر از ایران تنها نام پنج کشور مصر، یمن، لیبی، ونزوئلا و سوریه به‌چشم می‌خورد.

سال گذشته هنگ کنگ در مقام اول قرار داشت. امسال با یک رده سقوط بعد از سوئیس قرار دارد. نیوزلند در این جدول در مقام سوم قرار گرفته است. برخی از کشورهای اروپایی چون آلمان نیز در جایگاه پایین‌تری نسبت به گزارش قبلی

۶ مرکز جمع‌آوری پلاسما در حاشیه تهران اقدام به خرید پلاسما افراد نیازمند می‌کنند.

رئیس سازمان انتقال خون می‌گوید اجزای بدن انسان قابل معامله و خرید و فروش نیست و نباید اجازه معامله اجزای بدن را داد.

رئیس سازمان انتقال خون به تجارت پلاسما در ایران هشدار داد و گفت ۶ مرکز جمع‌آوری پلاسما هم در حاشیه شهر برای کسب درآمد راه‌اندازی شده است. ماجرای خرید و فروش پلاسما خون چند سالی است که با ورود بخش خصوصی به جمع‌آوری پلاسما به منظور تهیه داروهای مشتق از پلاسما با مجوز رسمی وزارت بهداشت و سازمان انتقال خون رواج یافته است. با توجه به اینکه بیماری‌های خونی از طریق پلاسما خون نیز قابل انتقالند، نگرانی‌هایی درباره سلامت پلاسماهای جمع‌آوری شده و همچنین داروهای تهیه شده از آنها وجود دارد. علی‌اکبر پورفتح‌الله رئیس سازمان انتقال خون با اعلام این هشدار گفت: «در همه جای دنیا مسئله جمع‌آوری پلاسما یک موضوع تئوریک است. نگاه عمومی دنیا این است که اهدای پلاسما هم مثل اهدای خون به سوی اهدای داوطلبانه و بدون چشم‌داشت پیش رود.»

او ادامه داد: «مطالعات متعددی نشان داده که خون و فرآورده‌های خونی از جمله پلاسما وقتی به کسب و کار و درآمد تبدیل می‌شود، می‌تواند مخاطبان را تغییر بدهد. افرادی که داوطلبانه این کار را انجام می‌دهند با افرادی که به خاطر پول این کار را می‌کنند، متفاوت هستند. قبل از تاسیس سازمان انتقال خون با پدیده خون‌فروشی روبه‌رو بودیم

هشدار رئیس سازمان انتقال خون به تجارت پلاسما در حاشیه تهران



و امروز همین موضوع درباره پلاسما وجود دارد.»
به عقیده پورفتح‌الله وقتی برای این موارد پول پرداخت می‌شود، مخاطبان از پایگاه‌های اجتماعی مختلف به این سمت می‌آیند و ممکن است بسیاری از مسائل را کتمان کنند: «به طور مثال یکی از بحث‌هایی که وجود دارد، دوره پنجره آزمایشگاهی است، یعنی زمانی که ویروس به میزانی نرسیده که در روش‌های آزمایشگاه تشخیص داده شود و در این مورد فقط با تکیه کردن با صداقت فرد اهدا کننده می‌توان از سالم بودن خون مطمئن شد، اما وقتی مسئله مالی مطرح می‌شود طبیعتاً ممکن است آن صداقت از بین برود.»
او همچنین گفت از نظر اخلاقی هم این مسئله به شدت در دنیا مورد توجه است که به خاطر کرامت انسانی، اجزای بدن انسان قابل معامله و خرید و فروش نیست و نباید اجازه معامله اجزای بدن را داد.
او معتقد است واگذار شدن شرکت پژوهش و پالایش سازمان انتقال خون به بخش خصوصی و تخلفات این شرکت باعث بروز مشکلاتی در این زمینه شده است: «جمع‌آوری پلاسما باید داوطلبانه و بدون چشم‌داشت باشد اما درمورد صنعت پلاسما مانند هر صنعت دارویی دیگر باید بخش خصوصی وارد شود. این بخش متأسفانه موفقیت چندانی نداشته زیرا نگاه بخش خصوصی به این موضوع وجود ندارد. ما دو فرایند را درمورد پالایشگاه‌ها در کشور طی کردیم. یکی پالایشگاهی که سازمان انتقال خون داشته و سال‌ها فعالیت می‌کرده و بعد به شرکت پژوهش و پالایش تبدیل و این شرکت به بخش خصوصی واگذار شده است.»

رئیس سازمان انتقال خون می‌گوید شرکت پژوهش و پالایش هنوز در مرحله جمع‌آوری پلاسما است: «در حال حاضر ۷ مرکز جمع‌آوری

پلاسما در حاشیه تهران اقدام به خرید پلاسما افراد نیازمند می‌کنند. رئیس سازمان انتقال خون می‌گوید اجزای بدن انسان قابل معامله و خرید و فروش نیست و نباید اجازه معامله اجزای بدن را داد. بیماری‌های خونی از طریق پلاسما خون نیز قابل انتقالند، نگرانی‌هایی درباره سلامت پلاسماهای جمع‌آوری شده و همچنین داروهای تهیه شده از آنها وجود دارد. علی‌اکبر پورفتح‌الله رئیس سازمان انتقال خون با اعلام این هشدار گفت: «در همه جای دنیا مسئله جمع‌آوری پلاسما یک موضوع تئوریک است. نگاه عمومی دنیا این است که اهدای پلاسما هم مثل اهدای خون به سوی اهدای داوطلبانه و بدون چشم‌داشت پیش رود.»

او ادامه داد: «مطالعات متعددی نشان داده که خون و فرآورده‌های خونی از جمله پلاسما وقتی به کسب و کار و درآمد تبدیل می‌شود، می‌تواند مخاطبان را تغییر بدهد. افرادی که داوطلبانه این کار را انجام می‌دهند با افرادی که به خاطر پول این کار را می‌کنند، متفاوت هستند. قبل از تاسیس سازمان انتقال خون با پدیده خون‌فروشی روبه‌رو بودیم

سخنگوی هیأت مذاکرات سوری‌های ... از صفحه ۶

یک دلیل دیگری که نمی‌توان نادیده گرفت، نظر بسیار منفی سوری‌ها نسبت به ایرانی‌هاست. ما می‌دانیم که این نظام مورد قبول اکثریت ایرانی‌ها نیست، ولی جنایاتی که جمهوری اسلامی در سوریه مرتکب شده است به این آسانی از حافظه مردم ما حذف نخواهند شد. متأسفانه اکثریت مخالفان ایرانی جمهوری اسلامی نیز با انفعال خود، حساب‌شان را به صورت قاطع از عملکرد رژیم حاکم بر تهران در سوریه جدا نکرده‌اند. غیر از یک استثنا، هیچ‌کدام از نیروهای مخالف نظام با ائتلاف مخالفان سوری حتی در تماس نیستند، با وجود اینکه ما بارها اعلام کردیم که خواهان همکاری با آنها هستیم. در شرایط کنونی جمهوری اسلامی ایران، دشمن مشترک مردم سوریه و ایران است. ما انتظار داشتیم که اپوزیسیون

شیما بابایی و داریوش زند از فعالان مدنی ایران بازداشت شدند



● داریوش زند در اعتراضات سراسری دی ماه بازداشت و پس از ۹ روز با قرار کفالت به طور موقت آزاد شده بود. ● شیما بابایی فعال مدنی و از فعالان علیه حجاب اجباری است که از سال ۹۵ دو بار بازداشت شده بود.

شیما بابایی و داریوش زند (آبدار) از فعالان مدنی در ایران، روز پنجشنبه، ۱۲ بهمن ماه، در شهر بهبهان بازداشت شدند.

به گزارش کیهان لندن ماموران وزارت اطلاعات با عنوان پستیچی به خانه پدری داریوش زند مراجعه و او را گرفتند. پس از گشودن در منزل ماموران اطلاعات به داخل خانه هجوم برده و اقدام به بازداشت داریوش زند و همسرش شیما بابایی کردند.

این دو فعال مدنی در ابتدا به اداره اطلاعات شهر بهبهان منتقل و پس از ساعاتی به شهر اهواز منتقل شدند. شیما بابایی پیشتر بارها از سوی وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود. این فعال مدنی در ۵ خرداد ۹۵ بازداشت و پس از یک هفته با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی از زندان اوین آزاد شد. در بهمن ماه سال ۹۵ برای ارائه آخرین دفاعیات به شعبه سوم دادسرای اوین احضار و شش اتهام «تبلیغ علیه نظام»، «اجتماع

و تبانی»، «نشر اکاذیب در فضای مجازی»، «توهین به رهبری»، «توهین به سران»، «ارتباط با بیگانه و رسانه‌های خارج از کشور» به وی تفهیم شد. او در تیرماه ۹۶ پس از مراجعه به دادسرای اوین متوجه می‌شود که حکم زندان تعلیقی برایش صادر شده است اما به دلیل اینکه حکم صادر شده در اختیار او قرار نگرفت متوجه نشد به چه مدت زندان محکوم شده است. این فعال مدنی همچنین ۲۸ مردادماه ۹۶ در پی احضار به پلیس امنیت تهران همراه با پدرش دکتر ابراهیم بابایی بازداشت و به دادسرا منتقل شده بود. در دادسرای شعبه اوین به اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «اخلال در نظم عمومی» تفهیم و به همراه پدرش با قرار کفالت به طور موقت آزاد شد. داریوش زند همسر شیما بابایی نیز اخیراً در تظاهرات سراسری دی ماه در شهر تهران بازداشت و پس از ۹ روز

از صفحه ۴

هر بابایی باشد منتشر می‌کند، مخفی ماندن هویت منابع یک اصل بسیار مهم و حیاتی است. ولی اگر خبری از کانال من پیش شد و یک در هزار صحت نداشت، و روشن شد اشتباه عمدی بوده، ناچارم منبع خبر را به مردم معرفی کنم. مشخصاً این تذکر تن ۱۰ به کسانی است که دارای موقعیت سیاسی در طیف اصلاح طلب و اصولگرا هستند و ارتباطی به مردمی که خود را به خطر انداخته و مسایل را بازتاب می‌دهند ندارد. اعتماد مردم بزرگترین سرمایه یک خبرنگار است. امیدوارم ما را وارد بازی های درون گروهی خود نکند. هدف ما بزرگتر از این هاست و در چارچوب این نظام غیرقابل اصلاح نمی‌گنجد.» این اقدام غیرمسئولانه سبب شده وقت زیادی صرف تشخیص درستی

ادامه اعتراضات سراسری ...

اقدام ناپسند بعضی خبرنگاران وابسته یا دل بسته به جناح‌های حکومت
اما در این میان هستند به اصطلاح خبرنگارانی که بر اساس منافع گروهی و وابستگی به جناح‌های حکومت دست پخش «خبر»های غیرواقعی و جعلی می‌زنند.

علی جوانمردی، گزارشگر صدای آمریکا در کانال شخصی خود نوشته «در شرایط کنونی و حساس ایران بسیاری از مردم به ما در خبرسانی کمک می‌کنند که جای تقدیر و قدر دانی است. ولی برخی منابع عمدتاً اصلاح طلب در چارچوب رقابت های سیاسی و یا گروهی خود خبرهایی را ارسال می‌کنند که حقیقت ندارد.» جوانمردی ادامه می‌دهد «برای من به عنوان خبرنگاری که حقیقت را به

برای سربهایی که ...

کمپین‌هایی که به دلیل ضعف سازماندهی و یا ناشناس بودن گرداندگانشان یا بنا بر نیاز دوره تاریخی شان نتوانستند، همچون کمپین «آزادی‌های یواشکی» و یا «چهارشنبه‌های سفید» صدادر شوند، اما همواره موضوع حجاب اجباری و مبارزه با آن را در تمام این سال‌ها زنده نگه داشتند. امیدوارم مسیح علی‌نژاد نیز با این گفته من موافق باشد که در سالی که او خود هنوز گرفتار اجبار بر سر گذاشتن کلاه به جای روسری کشور بود، بیش از ۳۰۰۰۰ زن در ایران به دلیل بد حجابی و یا بی حجابی

از صفحه ۱۸

دستگیر و بیش از ۴۶۰ هزار زن توبیخ و مجازات شدند. * و البته همه اینها باعث می‌شود مسیح خود رنج این اجبار را حس کرده و جزئی لاینفک از بدنه کمپین‌اش شود و همه این مسیر بایستی با محوریت منافع زنایی باشد که از جان و دل خطر می‌کنند تا از حق خود بر بدن و زندگی آزاد سخن گویند و آن را علنی و در تقابل با همه دستگاه پلیس و گشت ارشاد و لباس شخصی‌ها و ... شجاعانه به نمایش می‌گذارند. چنین است که این حرکت، از آن همه زنایی است که دلشان برای رهایی تنگ شده و برای آزادی قدم بر می‌دارند. در این چند روز همه این استدالات

پاسخ سؤالات (۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ) از صفحه ۱۳

۱- استان کرمانشاه ۲- ۱۵ هزار بار ۳- ۱۳ درصد ۴- آناتولی کاریف ۵- حمید سوریان ۶- راد لیور ۷- ۱۹۶۹ ۸- استیو مک کوئین ۹- ذوالفقار ۱۰- اسکاتلند

پاسخ شناسایی شخصیت‌های جیمز باند از صفحه ۱۳

۱- دانیل کریگ ۲- پیرس بروزنن ۳- تیموتی دالتون ۴- راجر مور ۵- جورج لازبونی ۶- شون کانری

سعید طوسی، قاری نزدیک به «بیت رهبری» را از اتهام آزار جنسی تبرئه کردند



● محمود صادقی سندی را به عنوان «مدیرک اعمال نفوذ در پرونده کودک آزار قرآنی» در توییت منتشر کرد. ● شاکیان این پرونده که گفته می‌شود ۱۰ نفر هستند پیشتر گفته بودند در پرونده اعمال نظرهایی می‌شود و به آنها برای پس گرفتن شکایت فشار آورده شده است.

سعید طوسی، قاری قرآن و از افراد نزدیک به بیت علی‌خامنه‌ای، از اتهام آزار جنسی کودکان تبرئه شد. محمود صادقی اعلام کرده است این تبرئه با اعمال نفوذ در پرونده این متهم صورت گرفته است. محمود صادقی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، روز جمعه، ششم بهمن ماه، با اعلام این خبر در توییت نوشت: «شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر تهران بدون امضای رئیس دادگاه با رأی دو مستشار از شعبه دیگر حکم صادره علیه مربی صوت و لحن مبنی بر ۴ سال حبس را نقض و او را تبرئه کرد؛ اسناد پرونده حاکی از اعمال نفوذ آشکار در فرایند دادرسی است. حدود ۲ سال بود که مدیرکل دادگستری پرونده را از دادگاه گرفته بود.» محمود صادقی همچنین ساعاتی بعد سندی را به عنوان «مدیرک اعمال نفوذ در پرونده کودک آزار قرآنی» در توییت منتشر کرد. سعید طوسی نیز بلافاصله در گفتگو با انصاف نیوز با تأیید خبر تبرئه خود در دادگاه، در پاسخ به ادعای زد و بند در این پرونده از سوی محمود صادقی گفت: «من این آقا را اصلاً نمی‌شناسم! قطعاً ایشان هر کسی هست دروغ می‌گوید و ادعای بی‌خودی دارد و برای خودش حرف زده است. اگر ایشان مشکلی دارند با وکیل، آقای حمید هروی تماس بگیرند تا توجیه شوند.» بیش از یک سال و نیم پیش خبری درباره اتهام آزار جنسی کودکان از سوی محمد گندم نژاد طوسی، معروف به سعید طوسی منتشر شد. خانواده چند

از صفحه ۴

یا نادرستی اخبار و فیلم‌ها درباره تظاهرات شود. همین اخبار غیرواقعی یکی از دلایل مهمی است که بعضی رسانه‌ها ترجیح می‌دهند خبرهای اعتراضات را منتشر نکنند تا بعداً گرفتار تکذیب‌های احتمالی نشوند. مشکل دیگر، مربوط به تصویربرداران این تظاهرات است که کمتر اعلام می‌کنند موقعیت آنها کجاست و در چه تاریخ و ساعتی این تصاویر ضبط شده است. کیهان لندن چندی پیش راهنمایی‌ها و نکات مفیدی را در این زمینه منتشر کرده که به کار بردن آنها به انتشار خبرها و فیلم‌های موقف بسیار کمک می‌کند. با این حال باید توجه کرد، حتی اگر بعضی از این فیلم‌های اعتراضات با تاریخ یا محل اشتباه منتشر شوند، ولی در ماهیت و وقوع آنها تغییری نمی‌دهد بلکه به دلیل سانسور و محدودیت‌های اینترنت، دیرتر منتشر شده‌اند.

مهدی دانشمند روحانی ...

حمله به ولایت فقیه
مهدی دانشمند پیش از این در گفتگو با شبکه «امام حسین» در خصوص موضوع ولایت فقیه گفته بود: «ولی امر مسلمین را خدا انتخاب می‌کند نه بنده خدا. چه کسی می‌تواند بگوید نایب برحق امام است؟! مگر کسی می‌تواند قائم مقام امام شود؟ آنهايي که خودشان

گذر عمر: خاطراتی از ...

در اثر بمباران غروب دیروز، ساختمان دادگستری و حیاط پشتی استانداری و زندان موقت شهرپائی مورد اصابت بمب قرار گرفت. زندانیان از این فرصت استفاده کرده، همراه پاسبانان و مراقبین خود فرار کردند. سربازخانه‌ها به علت اعزام نیرو به جنگ، خالی شده بود و اگر تک و توک سربازانی هم برای محافظت از سربازخانه مانده بودند، فرار را بر قرار ترجیح داده و به خانه‌های خود در شهرها یا دهات رفته بودند. شهر قیافه غم‌انگیزی به خود گرفته بود. خیابان پهلوی که معمولاً عصرها، گردشگاه و میعادگاه دوستان بود، جای خود را به ارتش موتوریزه شوروی داده بود که بدون مانع و رادع و برخورد یا مقاومت، شب هنگام وارد شهر شده و همه جا را در کنترل و اشغال خود درآورده بود. یادآوری خاطرات آن روزها و منظره خیابان‌ها که پر از وسایل نقلیه و توپ و تانک ارتش شوروی بود و از زمین و زمان رایحه ناخوش وجود اجنبی در خانه، مشام جان‌رانی آرزو، امروز هم که شصت و اندی سال از آن تاریخ می‌گذرد، برای من چندش‌آور است. دیگر خیابان پهلوی آن صفا و طراوت روزهای قبل را نداشت، دیگر از اتومبیل‌های آخرین

کودک و نوجوان سعید طوسی را متهم کرده بودند زمانی که این کودکان برای آموزش قرآن نزد طوسی بودند از سوی او مورد آزار و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. شاکیان این پرونده که گفته می‌شود ۱۰ نفر هستند مدتی پس از به جریان افتادن پرونده در قوه قضاییه اعلام کردند در پرونده اعمال نظرهایی می‌شود و به آنها برای پس گرفتن شکایت فشار آورده شده است. پیشتر نیز برخی مراجع از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی خواستار سکوت درباره پرونده سعید طوسی شده بودند. اکنون با توجه به سند منتشر شده از سوی محمد صادقی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، مشخص شد اعمال نفوذ تا حدی پیش رفته است که جرم «ارتکاب اعمال منافی عفت و افعال حرام با نوجوانان و تفخیز» که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی اشد مجازات اعدام را دارد، به تبرئه متهم منتهی شده است. محمود صادقی پس از انتشار اسناد مربوط به پرونده سعید طوسی همچنان به واکنش نسبت به این حکم ادامه داد و نوشت: «حکم مستشاران علاریتی شعبه ۵۶ دادگاه تجدیدنظر کیفری استان تهران مبنی بر تبرئه کودک آزار قرآنی نشان می‌دهد دستگاه قضایی صدای اعتراض مردم را خوب شنیده است.» او همچنین نوشت: «به نظر من پرچم جمهوری اسلامی ایران به دست صادرکنندگان احکام قضایی ظالمانه و اعمال نفوذکنندگان مافوق آنها است

از صفحه ۴

او همچنین در پاسخ به این انتقاد که چرا در شبکه امام حسین (وابسته به صادق شیرازی) سخنانی می‌کند گفته بود: «من چرا شبکه امام حسین رفته؟! برای اینکه در این چند سال هیچ امکاناتی به من ندادند. همه امکانات را از من گرفتند. خب من هم می‌خواهم صدایم به دنیا برسد. من حرفم این است، بالاخره ولایت‌مداری که فقط با چفیه و عکس و اینها نمی‌شود.»

از صفحه ۱۴

سیستم و آمد و رفت‌ها که برای گردش و تفریح به خیابان آمده و در گوشه و کنار شهر جولان می‌دادند، خبری نبود. مردم شهر در حالی که نگران آینده بودند، در خانه‌های خود خزیده در فکر تأمین امنیت خود و خانواده بودند. نگرانی از در و دیوار می‌بارید. مردم ایران عموماً و ما آذربایجانی‌ها خصوصاً که شهر و دیارمان در گذشته‌های نه چندان دور بارها آماج حملات بیگانه و تاخت و تاز همسایه‌ها از شمال و غرب بود، معنی و مفهوم گفته سعدی «قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید» را روزی فهمیدیم که چشم باز کردیم و دیدیم که تقدیر یا طبیعت آن روی سکه و چهره عبوس و کریه خود را به ما نشان می‌دهد. یادمان آمد عجیباً چه روزگار خوش و چه زندگی بی‌دغدغه و چه آرامش خیال و چه آسایشی داشتیم و چه آسان امن و امان، یک شبه رخت بر بست. هر روز خبرهایی به صورت شایعه از حمله مردان مسلح و غارت خانه‌ها در شهر به گوش می‌رسید که مزید وحشت و نگرانی می‌شد. صحبت از مهاجران کردم. نیاز به توضیح دارد و آن اینکه از چند سال قبل دولت شوروی یک عده از ایرانیان

که به آتش کشیده می‌شود.» صدور حکم تبرئه برای سعید طوسی دو روز پس از اعلام حکم لری ناصر، پزشک سابق تیم ژیمناستیک آمریکا، با اتهامی مشابه باعث شد کاربران شبکه‌های اجتماعی این دو حکم را با هم مقایسه کنند. لری ناصر، پزشک سابق تیم ملی ژیمناستیک آمریکا، به اتهام آزار جنسی ده‌ها دختر نوجوان و جوان به ۱۷۵ سال زندان محکوم شد. او پیشتر نیز به خاطر گرفتن عکس و فیلم از این کودکان در دادگاه دیگری به ۶۰ سال زندان محکوم شده بود. یکی از کاربران توییت نوشته است: «فربزده نیستم، عاشق ایرانم ولی از اینکه آمریکا زندگی می‌کنم خوشحالم چون حتماً کشور بهتریه برای فرزندانم و خوشحالم که قانون اینجا برای هیچ کس حاشیه امن ندارد. لری ناصر با جرایمی شبیه به سعید طوسی به ۲۱۵ سال زندان محکوم شد. اعتماد مردم رو می‌خواهید راهش از عدالت می‌گذره ولاغیر.» کاربر دیگری نوشته است: «همونطور که کانادا کشور اختلاس‌گرا و دزدهاست، جمهوری اسلامی ایران هم خودش رو کشور متجاوزین و کودک‌آزارها معرفی کنه. لری ناصر هم فرار کنه بیاد اینجا و حکم ۱۷۵ سال زندانش بشه ۱۷۵ هزار تومان جریمه نقدی.» کاربر دیگری نیز نوشت: «لری ناصر در آمریکا به ۱۷۵ سال زندان محکوم میشه و سعید طوسی تبرئه می‌شود. واقعا امیدیه به اصلاح این سیستم دارید؟!»

را که به هر دلیل در خاک شوروی اقامت داشتند، به ایران عودت داد. این افراد در آن زمان به نام «مهاجر» خوانده می‌شدند. مشکل این نبود، زیرا احتمالاً عده‌ای از ایرانیان وطن‌پرست به عشق دیدار خانواده و زندگی در وطن خود از این اقدام استقبال کرده و با اشتیاق خواهان برگشتن به ایران بودند، ولی مسلم است که دولت شوروی این کار را برای رضای خدا و پیغمبر نکرده بود، بلکه در طرح این برنامه، یک نقشه شیطانی را به موقع اجرا گذاشت و آن این بود که یک عده افراد تعلیم دیده و جاسوس را همراه آن جماعت، به ایران گسیل داشت و یقیناً از همان وقت به وسیله این افراد برای جمع‌آوری اطلاعات و انجام مقاصد شیطانی خود استفاده می‌نمود. باری، حالا که شهر خالی از اغیار شده و کسی با کسی کاری نبود، این افراد موقع را مغتنم شمرده اغلب بازوبند سرخ به علامت وابستگی به دولت بهیه شوروی به باز و بسته و کنترل شهر را به دست گرفتند. عیناً نظیر وقایع بعد از انقلاب خمینی که اداره شهرها به دست یک عده کمپته چی افتاده بود که صد بار از آن مهاجران خطرناکتر و وحشت‌آفرین‌تر بودند و دست به غارت خانه‌ها و ایجاد ترس و وحشت در شهر زدند.



حاکمان می‌ریزند. آری، می‌توانید بنویسید، ولی یقین داشته باشید، آن زن، هر چند خود از طبقه کارگر باشد، به احزاب و جریانانی که چنین یکی از مطالبات فردی او را تحقیر می‌کنند اعتماد نخواهد کرد.

اینان به همجنس‌گرایان و ترنس‌جندها هم می‌گویند، الان وقت طرح مطالبات شما نیست، موضوع علنی سازی و آشکار سازی و پذیرش همجنس‌گرایی موضوع مردم ما نیست، این حقوق را مطالبه نکنید!

این متخصصان اولویت‌بندی مطالبات نه از تکرر خواسته‌ها و ایجاد پیوند منطقی بین آنها، بلکه از اولویت‌بندی مطالبات بر اساس درک ایشان و در بهترین حالت، محدود کردن شعارها، فعالیت‌ها و مطالبات، به امر اقتصادی طبقه کارگر حرکت می‌کنند و متأسفانه حتی رابطه بین طرح مطالبات اقتصادی طبقه کارگر را با پیشبرد مطالبات سیاسی و اجتماعی‌ای که اقشار دیگری نیز در آن ذی‌نفع هستند نمی‌فهمند.

این بینش رابطه بین خواسته‌های طبقاتی، ملی، جنسیتی و... را نه درک می‌کند و نه بر نیاز به گسترده کردن متحدین واقعی در هر مرحله از مبارزات روزمره جنبش‌های گوناگون واقف است.

کسانی که این امر ابتدایی را پس از این همه سال متوجه نشده‌اند، در سیاست همواره قربانی تاخیر حضورشان در تحولات تاریخی خواهند بود. آنها در بزنگاه‌های مهم مشغول تنظیم جدول اولویت‌بندی‌شان خواهند بود.

آری، کسانی که در این روزها اول از اهمیت بودن موضوع حجاب و سپس از خودنمایی «دختر خیابان انقلاب» و سپس «قهرمان‌سازی» رسانه‌های جریان اصلی نوشتند، و بعد از مشکل روحی او و بعد از «سوء استفاده» کمپین‌های زنان خارج‌نشین از این زنان و... گفتند، دست آخر نیز دستگیری این زنان را به دلیل طرح و انتشار تصاویرشان وانمود کرده و غیرمستقیم آدرس امثال مسیح‌علینژاد را به عنوان عامل دستگیری این زنان دادند. این همه مرا یاد روزهای تلخ پس از کنفرانس برلین می‌اندازد و تحلیل منفعت‌طلبانه کسانی که دستگیری برخی از میهمانان این کنفرانس را پس از بازگشت به ایران، به دلیل اعتراض ما به این کنفرانس می‌دانستند و بدین طریق در تظہیر سیاست سرکوب جمهوری اسلامی از هیچ استدلالی علیه ما فروگذار نکردند.

کسانی که کمپین‌های اعتراضی گروه‌های گوناگون را دلیل و یا عامل ایجاد خشونت سازمان‌یافته دولتی می‌دانند، از ما دعوت می‌کنند که سکوت کنیم. آری، آنها می‌گویند، علیه حجاب اجباری کمپین به راه نیندازید، نیم میلیون زنی که از داخل ایران به این کمپین پیوستند را از ارزیابی‌هایتان خارج کنید، اگر کسی هم دستگیر شد، نامش را نبریم چون ممکن است دوباره دستگیر شود! واقعا اگر این استدلال‌ها را ترجمه کنید و به یک کودک که در محیطی آزاد رشد کرده بدهید، به شما خواهد گفت که به شدت گرفتار خودسانسوری و همراهی با دستگاه سرکوب هستید. اینها به چنین اظهاراتی تاریخ زنان کشورمان در مقابله با حجاب اجباری را نیز منکر می‌شوند. تاریخی که تنها چند هفته بعد از قدرت گرفتن جمهوری اسلامی با تظاهرات عظیم آغاز شد، با ده‌ها حرکت دیگر تداوم یافت، به اصلی‌ترین دلیل شکل‌گیری شکل‌های پایدار زنان در خارج از کشور بدل گشت، و همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات جدل در سمینارها، مصاحبه‌ها و کمپین‌های ما بوده است.

ادامه در صفحه ۱۷

برای سرهایی که روسری‌هایشان برداشته خواهد شد



جریان است را فراموش کرده و از آن فاصله بگیرند. بدین معنا شما می‌توانید برای خودتان، حزب و یا تشکل‌تان اولویت

علیه حقوق زنان بدل کند. از چنین منظری نه تنها طرح موضوع حجاب و لغو حجاب اجباری درست، بلکه ضروری است. نکته

حق بر بدن خود آشنا نبوده و متوجه سرکوب و سلطه نمی‌شوند، سرنوشتی مفلوک خواهند داشت و در سیاست نیز قربانی سلطه مردسالاری و مدار

رادیکال این چند روز، قصد تخریب حرکت شجاعانه یک زن معمولی در خیابان انقلاب را داشت و همچنان با تداوم‌دهندگان این شکل از حرکت



ویدا موحد نخستین دختری که در خیابان انقلاب روسری‌اش را پرچم آزادی کرد



شادی امین

مبارزاتی و ردیف مطالبات خود را تعیین کنید، اما نمی‌توانید از اقشار و گروه‌های گوناگون و متنوع اجتماعی بخواهید که بنا بر اولویت‌بندی شما مطالبات خود را طرح کنند. ممکن است برای یک زن بهایی، که همسر و خواهرش را به دلیل سرکوب و بهایی‌ستیزی دولتی از دست داده است، موضوع آزادی مذهب و آزادی بهاییان در اولویت قرار داشته باشد و برای نویسنده‌ای که سال‌هاست سانسور شده و کتاب‌هایش ممنوعه اعلام شده است، آزادی بیان و آزادی نشر در اولویت باشد و یا برای زنی که از ۱۳ سالگی شوهر داده شده و با تجاوز رسمی روبرو بوده، بالا بردن سن قانونی ازدواج و لغو قوانینی که تجاوز و کودک‌آزاری را رسمیت می‌بخشند در اولویت باشد و زندگی خود را وقف ایجاد چنین گفتمانی کند. آیا می‌توان به بهانه داشتن نگاه طبقاتی علیه این انتخاب اولویت‌ها نوشت، زنانی که موضوع زنان را به ازدواج کودکان تقلیل می‌دهند و مسائل زیربنایی را که باعث چنین وضعیتی است را فراموش می‌کنند، عملاً با آسیاب

قدرت خواهند بود. استدلال دیگرشان این بود که کسانی که حجاب را برای زنان عمده می‌کنند، مثل جمهوری اسلامی که حجاب را از سوی دیگر سکه برجسته می‌کند، هر دو آبخورشان نیاز به دور کردن زنان از مسائل اساسی‌تر است. اول اینکه اتفاقاً در اینجا تشخیص شما درست است، جمهوری اسلامی به اندازه مخالفین حجاب اجباری به موضوع حجاب علاقمند و حساس است. آنها برای اجرای قوانین مرتبط با حجاب میلیاردها هزینه کرده و ده‌ها نهاد و دستگاه سرکوب و کنترل ایجاد کرده‌اند. همه ما به تجربه و در عرصه نظری می‌دانیم که انقیاد بدن زنان و تحقیر آنان، آن نقطه‌ای است که سرکوب در تمام دیگر عرصه‌های زندگی آنان را ممکن می‌کند، از سوی دیگر با سرکوب زنان و برتر قراردادن حق مردان بر همسران و خواهران و زنان جامعه، امتیازی به مردان اعطا می‌کند که در ۴۰ سال گذشته نتوانسته است به لحاظ فرهنگی در همین یک زمینه لااقل آنها را به همدستان و مجریان سیاست خود

موجز و موثر برای آزادی زنان از سلطه دارد، نمونه‌ای از چنین تحرکاتی است. تحرکاتی که با همکاری فعال کامنت‌نویسان حرفه‌ای در دنیای مجازی، به انحراف و ابتدال بخشی از مباحث انجامید. استدلال آنها این بود که آنها اقشار متفاوت زنان را می‌شناسند و رفع حجاب اجباری مطالبه هیچ‌یک از زنان طبقات محروم و شهرهای کوچک و روستاهای ایران نیست. به بیان دیگر و از نظر این دوستان، زنان طبقات پایین و شهرهای کوچک را مدافع حجاب اسلامی اجباری می‌داند، یعنی گذارهای که سال‌هاست جمهوری اسلامی سعی دارد به ما قالب کند. اینکه مساله حجاب، وارداتی از زنان غربی، بورژوا و یا غرب‌زده است و زنان «کشور اسلامی ایران» با آن مشکلی ندارند. حتی اگر فرض کنیم که چنین باشد، باید به این دوستان گفت، دقیقاً به چنین جامعه‌ای می‌گویند یک جامعه عقب نگه داشته شده و ناآگاه. جامعه‌ای که زنانش با ابتدایی‌ترین حق خود یعنی حق آزادی پوشش و

شادی امین - دختری روسری سفیدش را بر سر چوب کرد و در هوا تکان داد و به گمان من، به قلب تاریخ این جنبش عدالت‌طلبانه راه یافت. عده‌ای این حرکت زیبا و در عین حال به شدت علیه ستون‌های نظم موجود را برنرفته و نوشتند او برای «شان دادن خود» چنین کرده است، می‌پرسم، مشکل شما با دیده شدن این زنان و اعتراض‌شان به تحمیل نوع پوشش‌شان چیست؟

اما این به اصطلاح منتقدان، بستر تقابلشان با این حرکات خودجوش این است که می‌گویند، حجاب موضوع بسیاری از زنان ایرانی نیست و این گفتمان از سوی برخی زنان خارج‌نشین بدون شناخت از مطالبات زنان روستاها و زنان طبقات پایین مطرح می‌شود.

این گفتمان به سادگی با ترسیم یک خط کاذب میان زنان داخل و «خارج‌نشین» مرز می‌کشد. دقت کنید در این قید مکانی، به شکلی تحقیرآمیز زنان تبعیدی و همه زنان مقیم خارج از ایران منفعل و «شسته» فرض می‌شوند. تفکیکی بین زن مهاجر، تبعیدی کشیده نمی‌شود تا دلایل سیاسی «خارج‌نشین» شدن ما کتمان شود و تبعید به عنوان یک عمل سیاسی انکار شود.

اما این مرزکشی بین خارج و داخل دروغین است. مرزی است که هر وقت بخواهند داخله‌نشینی خود را به رخ ما بکشند و از آن به عنوان مشروعیت! نظراتشان استفاده کنند به کار می‌آید و هر گاه لازم باشد از ما دعوت به همراهی و هم‌صدا شدن کنند، مرز را نادیده می‌گیرند.

این گفتمان، متعلق به جمهوری اسلامی است که برای بی‌اعتبار کردن قدرت نفوذ تبعیدیان سال‌هاست که در مورد آنها فیلم می‌سازد و در تولیداتی چون «سراب» و «قلاده طلا»...

تلاش دارد آنها را بی‌اعتبار کند. این مرز دروغین است چون در همان داخل کشور کسانی به نهادهای دولت دزد و غارتگر حمله می‌کنند و شیشه بانک‌های سرمایه در هم می‌شکنند و شعار مرگ بر دیکتاتور «صلاح طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا» سر می‌دهند و «خارج‌نشینانی» به عنوان تحلیل‌گر سیاسی واقع‌بین بر صفحه تلویزیون‌ها ظاهر می‌شوند تا بگویند، اینها مشکوک هستند و بایستی دولت تمهیدات لازم را برای سرکوبشان فراهم کند و دیگرانی از بین همین «خارج‌نشینان» به صدای آن مردم بدل می‌شوند و به افکار عمومی و نهادهای مترقی و مردمی از کشتار و سرکوب معترضین شکایت می‌برند تا این ماشین کشتار را متوقف کنند. به

یک معنا جامعه ایرانی خارج از کشور، نماد پیچیدگی‌ها و چندگونگی‌های سیاسی و فرهنگی (و نه طبقاتی) داخل ایران است.

در تدبیح‌های تاریخی، ما می‌توانیم متحدین و دشمنان و افراد میان دو جبهه از بازشناسی کنیم و یاران خود را از نو تعریف کنیم.

چنین است که تظاهرات چند روز آغاز زمستان ۹۶ که نوید رفتن زمستان می‌داد، به من نشان داد که هنوز بسیاری از مدعیان چپ که از چپ بودن فقط ضد غرب بودنش برایشان مانده، چه در داخل و چه در خارج از ایران، نتوانسته‌اند با خواسته‌ها و منافع زنان به عنوان امری برخاسته از جنسیت آنان و امری فراطبقاتی کنار آمده و حقوق حقه آنان را درون مطالبات خود جاری کنند. اینان به سادگی در تحلیل‌هایشان کنار امثال علی مطهری، فاطمه راکعی، و گرایش ضد زن و مدافع حاکمیت قرار می‌گرفتند، هر چند ظاهراً نقطه حرکت‌شان متفاوت بود.

اظهار نظرهایی که ظاهراً از موضع طبقه کارگر و منافع معترضان